

شوفار



شماره ۱۶۸ نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

تابستان و پاییز ۱۳۹۰ خورشیدی، ۲۰۱۱ میلادی، ۵۷۷۲ عبری

IAJF

Thirty Years of  
Service and Unity



فدراسیون یهودیان ایرانی

سی سال خدمت و اتحاد

# *The Fresh Experience*



Main: (310) 659-7070

(310) 659-ELAT

Tape: (310) 650-9983

Fish: (310) 659-9253

Meat: (310) 659-9250

Fax: (310) 659-7434

8730 W.Pico Blvd

Los Angeles, CA 90035

E-mail: [elatmarket@aol.com](mailto:elatmarket@aol.com)



# Happy Rosh Hashanah



مدیریت و کارکنان  
سوپرمارکت معتبر ایلات مارکت،  
فرارسیدن ایام مبارک رosh هاشانا و کیپور را  
به تمام یهودیان جهان به خصوص یهودیان ایرانی  
تبریک می گویند.

ایلات مارکت امسال نیز هم مانند سالهای گذشته با عرضه بهترین کالاها و خدمات  
در خدمت هموطنان گرامی می باشد.

# IDB BANK

Israel Discount Bank of New York

## با ۵۰ سال سابقه فعالیت در آمریکا

عضو FDIC

■ حسابهای شخصی و تجارتي؛ سپرده‌های بانکی

■ خرید و فروش اوراق قرضه و سهام\*

■ وام‌های تجارتي و دیگر سرویس‌های بانکی

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر با

### آقای مهرداد لوی‌صدق (Moti Levy)

با شماره تلفن 861-6440 (213) تماس حاصل فرمایید

آدرس شعبات بانک:

888 S. Figueroa St. # 550 Los Angeles, CA. 90017 (213-861-6440)

9401 Wilshire Blvd # 600 Beverly Hills, CA. 90212 (310-860-6320)

511 Fifth Ave, NY, NY. 10017, (Main Office) (212-551-8500)

1350 Broadway, NY, NY. 10018 (212-714-5662)

201 Edward Curry Ave, # 204, Staten Island, NY 10314 (212-698-4892)

18851 NE 29<sup>th</sup> Ave, # 600 Aventura, FL. 33180 (305-682-3700)

IDB Bank is a registered service mark of Israel Discount Bank of New York. Member FDIC

\* خرید و فروش سهام و اوراق قرضه توسط شرکت وابسته IDB Capital Corp عضو FINRA/SIPC

[www.idbbank.com](http://www.idbbank.com)



# شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا

1317 N. Crescent Height Blvd.

West Hollywood, CA 90046

Tel: (323) 654 - 4700

Fax: (323) 654 - 1791

[www.IAJF.org](http://www.IAJF.org) [info@IAJF.org](mailto:info@IAJF.org)

## فهرست مطالب بخش فارسی

نویسنده / گرد آورنده

موضوع

- پیش‌گفتار..... مژگان مقدم رهبر..... ۴
- پیام رییس هیأت اجرایی..... شهلا جاودان..... ۶
- اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی..... ۸

- کلاسهای عبری برای کودکان و نوجوانان
- سمینار فلسفه و الهیات یهود به همت بنیاد ایرانی هارامام
- سمینار تأخیر رشد در کودکان
- یهودیان ایران در قرن بیستم
- استحکام روابط سالم در خانواده
- پذیرفتن گذر زمان
- سایت آشنایی جوانان

### برنامه‌های آینده:

- بزرگداشت آقای جهانبخش پازوکی، اسطوره موسیقی ایران
- برنامه ویژه کنیسیای "بت ال" در ایام رش‌هشانا و یوم کیپور
- مراسم سوکا
- جشن سال نو

- سی‌امین سال خدمت فدراسیون یهودیان ایرانی - آمریکایی..... ۱۳
- اخبار سازمانها..... ۱۷
- برگ زرین از تاریخ غربت یهودیان ایرانی
- در کالیفرنیا..... دکتر حشمت‌اله کرمانشاهی..... ۲۰
- کتاب "عشق پنهان در حجاب"..... صیون ابراهیمی..... ۲۴
- نقد کتاب "از کارگری تا کارآفرینی"..... کامران رامین‌فر..... ۲۵
- نفت سنگواره..... ایرج فرنوش..... ۲۶
- کشور اسراییل از دیدگاه یک تاریخ‌نویس..... ویولت ساسونی..... ۲۸
- ملا نصرالدین و گاوش..... کامران رامین‌فر..... ۳۰
- اقوام "بربر"..... مهرداد لویصدق..... ۳۲
- سیر تاریخی شکوفایی آثار فارسیهود..... ناهید پیرنظر..... ۳۴
- بررسی "عشقی خشونت‌زا" در فرهنگ ایرانی..... مژگان کاهن..... ۳۶
- کتاب تاریخ یهود..... پرویز رهبر..... ۳۹

## شماره تابستان و پاییز

۱۳۹۰ خورشیدی

۲۰۱۱ میلادی

۵۷۷۲ عبری

### سر دبیر: مژگان مقدم رهبر

**شوفار**، ارگان فدراسیون یهودیان ایرانی با هدف ایجاد ارتباط مستقیم بین خود و افراد جامعه و اعتلای فرهنگ یهودیان ایرانی و ایجاد هماهنگی بین سازمان‌ها، گروه‌ها و نسل‌های گوناگون فعالیت‌های خود را ادامه می‌دهد.

### شوفار، در انتخاب مطالب، ویرایش متون

و حفظ مصالح جامعه آزاد است.

### آثار و مقالات مندرج در شوفار،

بیانگر نظرات نویسندگان آن مقالات بوده، بازتاب عقاید و آرای گردانندگان آن نمی‌باشد. مسوولیت مندرجات آگهی‌ها به عهده شوفار نیست. شوفار از کلیه نویسندگان، مترجمان و اهل قلم برای بخش‌های مختلف، دعوت به همکاری می‌کند. نقل مقالات و مطالب نشریه با ذکر مأخذ آزاد می‌باشد.



مسئول تبلیغات: ژاکلین پزونی

PMC Marketing and Advertising

(818) 618-5555

[jacklinad@aol.com](mailto:jacklinad@aol.com)

طراحی روی جلد: نوید حکاکیان

حروفچینی، طراحی صفحات، جلد و آگهی‌ها:

نوید حکاکیان ۸۴۳۲ - ۸۶۶ (۳۱۰)

[Navid@CaCompuMax.com](mailto:Navid@CaCompuMax.com)

## آزادی فقط با تحمل

نوشته: مژگان مقدم رهبر (سردبیر)

آنهایی که در جنوب کالیفرنیا زندگی می‌کنند بدون شک با مارکت و یا مغازه‌ای که با نام "عرب" بر سر زبانها افتاده آشنایی دارند. از قرار معلوم صاحب این مارکت شخصی است که از خاورمیانه به این سوی دنیا مهاجرت کرده و چون ایرانی نمی‌باشد و کسی دقیقاً نمی‌داند که او از کدام کشور عربی به این طرف کره زمین آمده او و مغازه‌اش با لقب "عرب" در جامعه ایرانی معروف شده است.

به نظر می‌رسد که کار و کاسبی "عرب" هر روز بهتر می‌شود چون در طی بیست سال اخیر دومین شعبه مارکت خود را نیز باز کرده و تا آنجا که در گرد هم آیی‌های متفاوت، خانمهای کدبانو و گاهی هم آقایان اهل خرید، راجع به بهترین میوه و ارزاترین سبزیجات با هم اطلاعات رد و بدل می‌کنند صحبت از شلوغی این مارکت در تمام ساعات روز است. البته مارکت "عرب" تنها مختص به میوه و سبزیجات نیست، بلکه انواع خوراکیهای مکزیکی، اسرائیلی، ایرانی، افغانی و اصولاً خاورمیانه‌ای و محلی و همچنین گوشت و مرغ ذبح حلال نیز در این مارکت ارائه می‌شود.

یکی از دوستان غیر یهودی هنگامی که از خواص تهیه جوجه کباب روی "باربکیو" در ظهرهای تابستان برای خانواده‌اش تعریف می‌کرد، با هیجان می‌گفت که بهترین گوشت برای جوجه کباب، جوجه‌های "کورنیش کاشر امپایر" هستند که او همیشه از قسمت اجناس یخزده مارکت "عرب" تهیه می‌کند. بنابراین مانند بسیاری دیگر از مارکتهای ایرانی و خاورمیانه‌ای، "عرب" گوشت حلال اسلامی را در کنار گوشت کاشر یهودی به معرض فروش گذاشته و این‌طور که به نظر می‌رسد این

گوشتها با صلح و آرامش در محیطی کوچک در کنار یکدیگر به انتظار مشتری نشسته‌اند!

چندی پیش در یک محفل خودمانی، صحبت دوباره به مارکت "عرب" و خواص آن کشیده شد. دوستی به همه حضار توصیه کرد که این هفته حتماً سری به این مغازه بزنند چون گیلاسهای بسیار عالی را با قیمتی باور نکردنی به حراج گذاشته شده است. از آنجایی که توصیه‌های این دوست را که از هر نظر کدبانویی استثنایی است، نمی‌شود نادیده گرفت، تصمیم گرفتم برای خرید خوراکی هفتگی خانه به جای رفتن به مغازه‌ای که معمولاً به آن مراجعه می‌کنم، به "عرب" سری بزنم و شلوغی سرسام آور آن را، این بار تحمل کنم. مثل همیشه مارکت "عرب" پر از جنب و جوش بود. از یک طرف مغازه صدای دو خانم که در حین خرید با هم به زبان عبری اختلاط می‌کردند به وضوح شنیده می‌شد. در طرف دیگر مادر و دو کودک که مسلماً از یکی از کشورهای آمریکای لاتین به آمریکا مهاجرت کرده بودند در حال خرید و خوش و بش با یکی از کارمندان مارکت بودند. در ردیف کنار من یک دختر جوان ایرانی با تلفن دستی‌اش دستور خرید سبزیجاتی را که باید برای پختن قورمه سبزی تهیه کند، از مادرش می‌پرسید و هر چند وقت یک بار از خانم ایرانی بغل دستش می‌خواست تا سبزیجاتی را که باید بخرد به او نشان دهد؛ چون خودمانیم شناخت شبلیله در این دوره و زمانه توسط یک دختر دانشجوی ایرانی که احتمالاً در آمریکا به دنیا آمده کار ساده‌ای نیست!

در کنار این دختر خانم ایرانی، دو خانم مؤمن مسلمان با حجاب اسلامی کامل به همراه

دختر بچه‌ای که او نیز حجاب اسلامی را رعایت کرده بود، در حال صحبت کردن به عربی و دست‌چین کردن انواع سبزیجات تازه بودند. من هم در این جنب و جوش مشغول سوا کردن گیلاسهای نابی بودم که به توصیه دوستم، هم‌تا نداشتند. در همین حال ورود یک مرد و زن آمریکایی به داخل مارکت توجهم را به خود جلب کرد؛ نه به خاطر این که آنها آمریکایی بودند، بلکه به دلیل نوع سر و وضع و لباس پوشیدنشان از همان نظر اول معلوم بود که وسیله نقلیه این دو نفر باید یک موتور سیکلت شیک و درجه یک باشد چون شلوار بسیار تنگ و چرمی آقا با چکمه‌های چرم زنجیر دارش، موهای فرفری‌اش که تا شانه بلند بود، جلیقه چرمی که روی بدن لختش پوشیده بود، گوشواره‌های زیبای برلیانش، گردن‌بند و زنجیرهایی که از اطراف کمر بندش، روی شلوارش آویزان بودند، کاملاً نشانگر یک موتور سوار باتجربه بودند. خانمی که همراه با این جناب وارد مغازه شده بود، دامن چرم بسیار کوتاه و چکمه‌های بسیار پاشنه بلند سیاه که تا بالای زانو می‌رسیدند و به جای بلوز سینه بندی ظریف و زیبا که با نگیلهای رنگی تزئین شده بود به تن داشت. موهای صاف و بلندش تا حدی کمر عریان او را می‌پوشانید، اما جواهری که ناف او را تزئین کرده بود، کاملاً نمایان بود.

البته با توجه به این که سرگرم کننده بود، ورود این زوج جوان به مغازه در یک روز بسیار گرم تابستانی در لس‌آنجلس، اصلاً جای تعجب نداشت.

آن چه مرا به فکر واداشت و تعجبم را برانگیخت این بود که این خانم و آقا یک راست به طرف ردیف سبزیجات رفتند و در کنار دو خانمی که با حجاب کامل اسلامی، هنوز مشغول سوا کردن سبزی بودند قرار گرفتند و شروع کردند به بو کردن سبزیها و جدا کردن آنچه را که احتیاج داشتند.

دهند. برای عقاید دیگران و رسم و رسوم محلی، خانوادگی، مذهبی و ملی آنها همانطور احترام قائل شوند که به رسوم خود احترام می گذارند.

به امید روزی که همه ملل کره زمین بتوانند در کنار هم با صلح و صفا همزیستی کنند، رسیدن سال نو عبری و رش هسانا را به عموم یهودیان و خوانندگان عزیز شوفار تبریک می گویم و امیدوارم که دعاهای مثبت همگی ما در ایام رش هسانا و یوم کیپور مورد قبول خالق جهان هستی قرار گیرد.

برای خانواده خود تهیه خواهند دید. با وجود این که هر یک از این افراد در خانه و کنار خانواده خود پایبند به سنت و اعتقاد خانوادگی خود رفتار می کنند، در این جامعه آزاد با صلح و روا داری به عقاید، زبان، ملیت و حتی نوع لباس پوشیدن یکدیگر در کنار هم زندگی می کنند و حتی در انتخاب دسته سبزی تازه تر یکدیگر را یاری می دهند.

برای چندمین بار در طی سالها به این ایمان آوردم که آزادی در یک جامعه زمانی می تواند وجود داشته باشد که مردم ملل یاد بگیرند نسبت به یکدیگر بردباری نشان

در یک لحظه متوجه شدم که در ردیف سبزیجات مارکت "عرب"، دو خانم اسرائیلی، دو خانم ایرانی، دو خانم عرب با حجاب اسلامی کامل و یک زن و مرد آمریکایی با لباس کاملاً غیر اسلامی در حال خرید سبزی هستند و هیچ کدام وجود دیگری را غیر عادی، مزاحم، عجیب، کثیف و یا نجس نمی دانست. همگی در صلح و آرامش، در محیطی آزاد، همان سبزیجاتی را که دیگری به آن دست زده بود انتخاب می کردند و به طور حتم هر کدام در کانون منزل خود، با همان نوع سبزی خوراکی مطبوع و کاملاً متفاوت از دیگری را

## فدراسیون یهودیان ایرانی، سی سال توجه و رهبری IAJF's Thirty Years of Caring Leadership

### رؤسای هیأت مدیره فدراسیون یهودیان ایرانی IAJF Chairmen of the Board of Directors



دکتر حشمت‌اله کرمانشاهی  
Dr. Heshmatolah  
Kermanshahchi  
1992 to 2000



شادروان الیاس اسحقیان  
The Late  
Elias Eshaghian  
2000 to 2008



آقای داریوش دیان  
Dariush Dayan  
Apr 2008 to Oct 2008



آقای سلیمان رستگار  
Interim Chairman  
Solomon Rastegar  
Nov 2008 to May 2009



دکتر کامران بروخیم  
Dr. Kamran Broukhim  
2009-Present

### رؤسای هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی IAJF Presidents of the Executive Board



دکتر سلیمان آقائی  
Dr. Solomon Aghai  
1981 to 1996



آقای سلیمان رستگار  
Solomon Rastegar  
1996 to 1998



شادروان عزت‌اله دلجانی  
The Late Ezzatollah Delijani  
1998 to 2002



دکتر شکراله براوریان  
Dr. Shokrollah Baravarian  
2002 to 2006



آقای منوچهر نظریان  
Manouchehr Nazarian  
2006 to 2010



خانم شهلا زرگریان جاودان  
Shahla Zargarian Javdan  
2010-Present

## پیام رییس هیأت اجرایی، خانم شهلا زرگریان جوادان



سی سال پیوندی یگانه،

و پیمانی برای سی سال دیگر در آستانه سال جدید

کلاه برداران را خورده، برای کسب مبلغی از راه غیر قانونی، جان خود را از دست می دهند؛ در محیطی که جوانانی به دلیل آگاه نبودن از چگونگی دریافت کمک های مالی موجود به دنبال ادامه تحصیل نمی روند و یا به دلیل عدم آشنایی با تاریخ افتخارآمیز قوم ما برای گریز از تبلیغات منفی که در دانشگاه ها رواج دارد، تحصیل خود را رها می کنند، زمانی که نوجوانان ما فقط برای تجربه کردن مواد مخدر به دام اعتیاد می افتند، در این زمان است که همکاری جامعه و پشتیبانی همگی ما از برنامه های متعدد آموزشی و کمیته های مختلفی که با همکاری کارشناسان و متخصصان عالی رتبه برای آشنا کردن و هدایت جامعه و به خصوص جوانان در فدراسیون وجود دارند، بهترین راه دفاع خواهد بود.

یکی از مسایلی که مکرراً از طرف اجتماع مطرح شده، مسأله نگرانی خانواده ها درباره موضوع ازدواج جوانان ما در جامعه آزاد امروز است. مردم خواهان این هستند تا فدراسیون که مسولیت رهبری اجتماع را به دوش دارد، برای حل آن کوششهای خود را گسترش دهد.

همان طور که همگی با افتخار و غرور فراوان اطلاع داریم، آمارهای گوناگون دولتی، جامعه مهاجر و نسل دوم و سوم ما را یک از موفق ترین گروه های مهاجر در تاریخ آمریکا شناخته است. ولی با همه این موفقیت ها، عدم تمایل تعداد بسیاری از جوانان و بدبینی در مورد ازدواج باعث نگرانی نسل جوان و خانواده های آنها شده است. جوابهای رسیده به پرسشنامه ای که فدراسیون به جامعه ارائه داده گویای دلایل به خصوصی است که باعث و بانی این مسایل می باشد که این خود بحث مفصل دیگری خواهد بود.

فرزندان مجرد ما در موقعیت عجیبی قرار گرفته اند: از یک طرف در آغوش پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگی پرورش یافته اند که با کم و زیاد یکدیگر ساخته اند و "یک عمر را با هم گذراندن" را به عنوان قانون زرین خانواده باور داشته اند. از طرف دیگر در جامعه ای زندگی می کنند که خانواده های جوان بسیاری با داشتن فرزندان متعدد برای مسایل در ظاهر کوچک و

خدمت به اجتماع، ایمان به خوبی و پاکی، ایمان به ده فرمان، به هم نوع پرستی و به گرفتن دست ناتوان، بانی ارتقاء نسل بشر خواهد شد.

دیدن این ایمان به یگانگی و خدمت به هم نوع در والدین، داربستی استوار برای کودکان ما به وجود خواهد آورد که با تکیه کردن به آن نهال ذهنشان رو به خورشید رشد خواهد کرد.

این اعتقاد به همبستگی و همکاری با قوم خود جای پای درست را برای جوانان ما در صحرای زندگی باقی خواهد گذاشت و این تعهد شخصی پدران و مادران برای خدمت به اجتماع، پلکانی خواهد آفرید که نسل راه نشناخته بعدی را به عرش بلوغ فکری برساند.

\* \* \*

امروز سی سال پس از بنای فدراسیون یهودیان ایرانی در لس آنجلس و اخذ این تصمیم یگانگی بی شائبه، توسط سازمان های خیریه ارزشمند جامعه ما، همانند "پیر کهن زمین"، هنوز این همبستگی سرشار از انرژی، استوار و پابرجاست.

اگر گذر زمان مسایل اولیه ای مانند غربت، نداشتن تسلط کامل به زبان، در به دری برای یافتن راه چاره مسایل مهاجرتی و معضلات دیگری که قوم ما با آن روبرو بودند را آسوده تر کرده، مسایل بی شمار جدیدی را جایگزین مشکلات اولیه نموده است.

موقعیت مشکل HIAS، اوضاع اقتصادی کنونی که خانواده های بسیاری را در تنگنای زندگی اسیر کرده است، اوضاع بی ثبات و نابسامان خاورمیانه و... دست به دست مشکلاتی داده اند که حاصل زندگی در یک جامعه آزاد است.

وقتی جوانی تحصیل کرده ولی از قانون بی خبر ما به دلیل جر و بحث و مباحثه با پلیس بر سر مسأله ای فوق العاده جزئی به ۱۳ سال زندان محکوم می شود؛ زمانی که جوانان ما هنوز فریب

از آغاز زمان و تولد زمین و رویش گیاهان و تکامل جانداران و بشر، قرن ها، هزاره ها و میلیون ها سال گذشته است ولی این پیر کهن، زمین ما، با بیش از چهار و نیم میلیارد سال قدمت، با استعانت از پروردگار، هنوز قدرت معجزه آمیزش را حفظ کرده است. قدرتی که هنوز آتش فشان های سوزان را از درون پرخروش خود به آسمان می رساند.

قدرتی که جنبشش، دنیا را به زیر پای مخلوقات می لرزاند و قدرت حیات بخشش، بسان یک معجزه، به یک هسته خشکیده جان دوباره داده، ریشه های عمیقش را به قلب خود کشانده، شاخه های پر شکوفه اش را به فلک رسانده و میوه های گوارایش را با هسته های دیگری برای آفریدن زندگی نوین درخت های دیگر و ادامه حیات باغ های پر محصولش بارور می سازد.

اگر قدرت و توانایی معجزه آسای همبستگی، یگانگی و همیاری در راه خدمت به خلق، از درون خود بشر و از ضمیر خود شخص برخیزد همانند همان قدرت کهن زمین می تواند شعله آتش انسانیت را به کلهکشان وجودها برساند و از جهالت و بی تفاوتی ها، مهر و محبت بسازد و از بی ایمانی ها، اعتماد به راستی و درستی برانگیزد و از خود پرستی ها، عشق یاری به هم نوع و انسانیت را به بار آورد.

همان طور که ایمان تزلزل ناپذیر پیشروان ما در بنای کشور اسرائیل، از یک باتلاق مرده جودیا، شهر رویایی تل آویو را به پا ساخت؛ همان طور که ایمان قوی، داوید را در مبارزه با گلیات پیروز ساخت؛ همان طور که ایمان راستین، روان آرش کمان گیر را در تیر کمانش گذاشت تا بتواند با دادن جان خود، مرزهای پارس را تا به ابدیت بگستراند؛ همان طور هم ایمان پایدار به همبستگی و یگانگی بودن در راه



قابل گذشت از هم می‌باشند...

برای پاسخگویی به این مسأله و دیگر مسایل اجتماعی، برنامه‌های به خصوصی را در فدراسیون در نظر گرفته‌ایم که امید آن می‌رود در حل این مشکلات، جامعه را یاری دهند. برای آگاهی از فهرست کامل این برنامه‌ها به بخش "اخبار فدراسیون" در همین شماره "شوفار" مراجعه نمایید.

در این عصر پیشرفت سرسام‌آور تکنولوژی و رسانه‌های گروهی، حقیقت‌گریان به جوانان نشان خواهد داد که دیگر معجزه و یا جادویی که مسایل آنها را حل کند، به غیر از افسانه‌های قدیمی، در جایی دیگر پیدا نخواهد شد. نسل مسن‌تر می‌تواند به جوانان خود نشان دهد که همان مادران و پدرانی که سختی‌های مهاجرت، غربت، و اقلیت بودن را پشت سر گذاشته‌اند، حتی اگر با لهجه صحبت می‌کنند و پایبند اعتقادات سنتی خود هستند، هنوز می‌توانند بهترین الگو و قهرمان آنها در زندگی باشند. با همه طنزهایی که نسل جوان ما درباره "پرشین" رواج داده‌اند هنوز هم با احترام و ستایش ارزشهای خانوادگی و جامعه ما را دنبال می‌کنند و خانواده را بزرگترین پشتیبان زندگی خود

می‌دانند.

\* \* \*

در اینجا لازم می‌دانم که از یکایک شما دوستان فدراسیون که همواره یار و پشتیبان ما هستید، صمیمانه تشکر کرده، سپاسگزاری اعضای هیأت مدیره و شخص خودم را از حمایت شما ارائه دهم.

در زمانی که برای دست و پنجه نرم کردن با شهر وست هالیوود ما از ملت خود درخواست کمک کردیم، بیش از دو هزار امضا در کمتر از سه هفته به پشتیبانی و حمایت از فدراسیون ارائه شد. این یکی از عوامل مؤثر در موفقیت فدراسیون در نگه داشتن سالن‌های مجلل نعمان Sapper Hall طبق روال قدیم و اجازه دریافت احداث پارکینگ برای فدراسیون شد. امید و حمایتی که شما به ما ارایه کردید مژده تأییدی بود برای بخشیدن نیرو تا فدراسیون بتواند با تمام قدرت به هدف خود که خدمت به مردم و جامعه است ادامه دهد.

دوستان عزیز، در آستانه روش‌هشانا و فرا رسیدن سال جدید که در تلمود به عنوان روز آفریده شدن بشر خوانده شده است، در همان ایام بین روش‌هشانا و یوم کی پور که قوم ما صمیمانه

و با نیت پاک با پروردگار خود به نیایش و راز و نیاز می‌پردازد و به امید آن است که کتاب سرنوشتش با عاقبت خیر مهر بشود، چه بجاست که همگی به درون ضمیر خود بنگریم و با خود پیمان ببندیم که همانند قدرت بی‌پایان زمین که آتشفشان‌های آن به کوهکشان می‌رسد و دانه‌های خشک را تبدیل به درختان تناور سر به فلک کشیده می‌کند، تمامی قدرت و نیروی خود را هدیه کنیم:

به ارتقای روان خود

به پرورش ایمان خود

به استحکام عشق به خانواده و بشریت

به بی‌نیازی از نشئه‌تصنعی موفقیت‌های پوچ و توخالی

به تکامل افکار خود در درست اندیشیدن

به سعادت صلح درونی و آرامش راستین

و به امید داشتن یگانگی، همگامی و همیاری در خدمت به جامعه

در خاتمه امید آن دارم که پروردگار کتاب

سرنوشت همگی را با مهر شادمانی و شادکامی تزیین نماید.

## بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی، با شادمانی تقدیم می‌کند:

مراسم توزیع کتاب راهنمای سرگشتگان – מורה הנבוכים

همراه با دو گفتار کوتاه، موسیقی زنده و پذیرایی

یکشنبه ۲۳ اکتبر در محل فدراسیون – رأس ۶ تا ۹ عصر

ورود برای همگان آزاد

1317 North Crescent Heights Boulevard, West Hollywood, CA 90046

Valet Parking: \$6 Attendance: Free

قیمت چهار جلد راهنمای سرگشتگان و شرحی بر دلالت الحائرين: \$۱۲۰

منافع حاصل به حساب بنیاد ایرانی هارامبام وابسته به فدراسیون ریخته شده و صرف انتشارات آینده

و برگزاری سمینارها و کلاس‌های بنیاد در لس‌آنجلس می‌گردد.

برای ثبت نام در کافه رامبام، اولین دوره کلاس‌های سه ماهه بنیاد با عنوان: راهنمای سرگشتگان و تاریخ و فلسفه یهود به فارسی و کافه رامبام برای زیر چهل سال به انگلیسی، تا پیش از نوامبر سال جاری با شماره‌های ۶۵۳۰-۴۷۲-۳۱۰ و ۳۰۸۹-۹۲۷-۳۱۰ تماس حاصل فرمایید.

www.persian-maimonides.org

### کلاسهای عبری برای کودکان و نوجوانان

به درخواست بسیاری از اعضای جامعه، فدراسیون یهودیان ایرانی کلاسهای خصوصی تدریس زبان عبری را برای علاقه‌مندان و نوجوانانی که برای مراسم بر میتصوا و بت میتصوای خود آماده می‌شوند آغاز کرده است. این کلاس‌ها توسط معلم پرتوان و با تجربه خانم نلی میزراحی برگزار می‌شود.

در این کلاس‌ها علاوه بر آموزش دقیق و صحیح مراسم بر میتصوا و بت میتصوا، دانش آموزان تاریخ و رسوم یهودیت را نیز یاد می‌گیرند. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد این کلاس‌ها با دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی تماس بگیرند.

### سمینار فلسفه و الهیات یهود به همت بنیاد ایرانی هارامبام

در روز پانزدهم ماه می سال جاری بنیاد ایرانی هارامبام، اولین سمینار فلسفه و الهیات یهود را با عنوان "آراء و اندیشه‌های ربی مشه بن مایمون" در مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی برگزار کرد. این بنیاد که زیر چتر فدراسیون یهودیان ایرانی قرار دارد، از آخر تابستان ۲۰۱۰ فعالیت خود را آغاز کرده و اولین انتشارات خود را در ماه سپتامبر سال جاری به دوستداران فلسفه و الهیات یهود و مراکز آکادمیک و کتابخانه‌های جهان ارائه خواهد داد: اولین ترجمه فارسی دلالت الحائزین (موره هنوخیم)، اثر فیلسوف، دانشمند و روحانی خردگرا، ربی مشه بن مایمون است. این بنیاد علاوه بر کار انتشارات، اولین بوک کلاب جوانان را با نام "کافه رامبام" تأسیس و اقدام به برگزاری سمینار و سخنرانی

کرده است.

در سمینار اخیر این بنیاد بیش از ۱۶۰ نفر حضور داشتند. برنامه سمینار نیز که در دو پیل اجرا شد با استقبال فراوان شرکت‌کنندگان روبرو شد.

سخنرانان این برنامه هر یک در زمینه‌های مختلف راجع به اهمیت نوشته‌ها و شخصیت هارامبام سخن گفتند و از جنبه‌های مختلف فلسفه، این متفکر بزرگ یهود را بررسی کردند. سخنرانان پیل اول برنامه، خانم پروانه صراف، عضو فدراسیون نیویورک و هیأت‌رئیس بنیاد ایرانی هارامبام از نیویورک، که برای افتتاح اولین سمینار فلسفه و الهیات یهود به لس‌آنجلس آمده بودند؛ جناب راو داوید شوفط، رهبر مذهبی جامعه یهودیان ایرانی و ریاست بنیاد ایرانی هارامبام، خانم شیرین دخت دقیقیان مترجم پرتوان کتابهای بنیاد هارامبام و مدیر اجرایی این بنیاد برای برگزاری سمینارها، امور انتشارات، روابط عمومی و فاند ریزینگ، دکتر مسعود صدیق‌پور، دارای چندین بوردا تخصصی از ایران و آمریکا به ویژه تخصص کمیاب بیماریهای خواب، دکتر فرهاد دقیقیان، دارای فوق دکترای فیزیک پزشکی هسته‌ای از آمریکا و عضو بوردا بنیاد ایرانی هارامبام بودند. سخنرانان پیل دوم دکتر بهروز وفا منصوری، دندانپزشک و یکی از پشتیبانان بنیاد؛ آقای ژرژ هارونیان، یکی از رهبران جامعه یهودی ایرانی لس‌آنجلس؛ خانم شیرین دخت دقیقیان، مدیر بنیاد ایرانی هارامبام و خانم نازنین درخشان، دارای فوق‌لیسانس در رشته موسیقی از آمریکا و یکی از فعالان بوک کلاب "کافه هارامبام" بودند. برنامه و سخنرانی‌های متخصصین در هر

دو پیل با استقبال فراوان روبرو شد و در پایان به پرسش‌های حضار پاسخ داده شد و شرکت‌کنندگان برگه‌های پیش خرید مجموعه چهار جلدی دلالت الحائزین به زبان فارسی را پر کرده و برای دریافت کتاب در ماه سپتامبر جاری ثبت نام کردند. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد برنامه‌های آینده این بنیاد، اعلام حمایت و همکاری و یا خرید کتابها با مدیر بنیاد ایرانی هارامبام، شماره تلفن ۷۷۶۸-۹۴۰ (۳۱۰) و یا تارنمای:

[www.persian-maimonides.org](http://www.persian-maimonides.org)

تماس بگیرند.

### سمینار تأخیر رشد در کودکان

روز سه‌شنبه پنجم آپریل ۲۰۱۱، با پشتکار اعضای کمیته سلامتی و تندرستی فدراسیون یهودیان ایرانی، سمیناری در رابطه با مشکلات ناشی از تأخیر رشد در کودکان خردسال و آشنایی با علایم و راههای شفای آن در مرکز فدراسیون برگزار شد.



از راست به چپ: دکتر نیما اخوان، روانپزشک؛ دکتر فرح حکمت، متخصص اطفال؛ دکتر فرهنگ هلاکویی، روانشناس؛ دکتر رکسانا رهبان، روانشناس، دکتر مارک استاین، روانشناس؛ خانم دبی دری روانشناس؛ آقای دان پاول روانشناس

یکی از سخنرانان و پشتیبانان این برنامه، خانم دکتر فرح حکمت، پزشک متخصص اطفال، با دانش و تجربه بسیار در مسایل مختلف پزشکی و روانی در کودکان و نوجوانان بودند که در مورد چگونگی شناخت علائم بسیاری از بیماریها که در رشد روانی و جسمانی کودک تأخیر ایجاد می‌کنند، صحبت کردند. سخنرانان دیگر این برنامه، دکتر فرهنگ هلاکویی، روانشناس و جامعه‌شناس، خانم دبی دری،

روانشناس، دکتر مارک استاین، روانشناس، دکتر رکسانا رهبان، روانشناس و آقای دن پاول، روانشناس، در مورد مسایل متفاوت روحی و روانی در این کودکان و تأثیر آن بر روی افراد خانواده صحبت کرده، خدمات و انواع معالجه‌های رایج را معرفی نمودند. در پایان دکتر نیما اخوان، پزشک متخصص، در مورد داروها و معالجاتی که همراه با استفاده از آنها می‌توان انجام داد سخنرانی نمود. این سمینار مانند دیگر برنامه‌های کمیته سلامتی و تندرستی با استقبال فراوان جامعه روبرو شد.

### یهودیان ایران در قرن بیستم

به دعوت گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی روز پنج‌شنبه ۲۳ جون ۲۰۱۱، خانم دکتر ناهید پیرنظر اُبرمن، در مورد یهودیان ایران در قرن بیستم از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی سخنرانی کردند.

دکتر پیرنظر، استاد زبان فارسی در دانشگاه UCLA و یکی از پژوهشگران دانشمند در مورد تاریخ و موقعیت اجتماعی و فرهنگی یهودیان ایرانی هستند. سخنرانی ایشان در همین زمینه در اوایل سال گذشته در برنامه مخصوصی در دانشگاه UCLA به زبان انگلیسی ارائه شده بود که مورد استقبال فراوان شرکت کنندگان قرار گرفت. دکتر پیرنظر با استفاده از عکس و اسلاید، سخنرانی خود را به زبان فارسی برای بیش از صد نفر شرکت کننده در مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی در ماه جون ارائه کردند. در پایان برنامه به شرکت کنندگان فرصت داده شد تا پرسشهای خود را در این زمینه با ایشان مطرح نمایند.

### استحکام روابط سالم در خانواده

به دعوت گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی و با حمایت و پشتیبانی گروه یاران وابسته به سازمان "جوئیش فامیلی سرویس" روز چهارشنبه ۱۸ می ۲۰۱۱، سمیناری تحت عنوان

"استحکام روابط سالم" در فدراسیون یهودیان ایرانی برگزار گردید.

این برنامه که به زبان فارسی به علاقه‌مندان ارائه شد در مورد حفظ روابط سالم هنگام نگهداری از والدین مسن، کاربرد روابط سالم با همسر و شریک زندگی و چگونگی مصرف صحیح مواد دارویی و الکلی در میان سالمندان اطلاعات مفیدی به شرکت کنندگان ارائه کرد. در ابتدای سمینار، خانم دکتر فلورا زمردی، روانشناس و متخصص در ورزش یوگا و تمرکز حواس، تکنیکهای متفاوت یوگا و تمرکز حواس را به شرکت کنندگان آموخته و با آنها تمرین کردند. قبل از شروع ساعت دوم برنامه از شرکت کنندگان با خوراکی‌های سالم و مفید پذیرایی به عمل آمد.

سخنران قسمت دوم برنامه خانم دکتر شادی طوماری، روانشناس، خانم حوا بلور، روانشناس، دکتر هایده فخر آبادی، روانشناس و نماینده اداره سلامت روانی شهر لس‌آنجلس و آقای خشایار دولت شاهی، نماینده اداره پلیس لس‌آنجلس بودند که هر کدام در مورد مسائل و مشکلات متفاوتی که می‌توانند در خانواده‌ها باعث ایجاد ناآرامی و آزار و اذیت اعضای خانواده شوند و همچنین راههای پیشگیری و حل مسایل صحبت کردند. خانم مژگان مقدم رهبر، مجری و گرداننده برنامه بودند.

برای درک بهتر مسائل، هنرمندان محبوب و شناخته شده جامعه ایرانی آقای علی پورتاش، نویسنده، کارگردان و تهیه کننده و خانم شیلا وثوق، هنرپیشه پرتوان تئاتر و سینما، قطعاتی را به طور افتخاری در رابطه با مسائل فرزندان و والدین مسن و مشکلات بین زن و شوهر اجرا کردند که با استقبال کم نظیری از طرف شرکت کنندگان روبرو شد.

در پایان برنامه شرکت کنندگان سؤالیهای خود را با متخصصین در میان گذاشتند.

گروه یاران به سرپرستی و مدیریت خانم مستانه مقدم، مددکار اجتماعی، اتوبوسهایی را جهت تردد رایگان و رفاه حال شرکت کنندگان از منطقه "سن فرناندو ولی" به مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی تدارک دیده بودند که با استقبال فراوان روبرو شد.

### پذیرفتن گذر زمان

روز پنج‌شنبه ۱۸ آگوست ۲۰۱۱، برنامه‌ای ویژه همراه با سخنرانی، ناهار و موزیک، به همت گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی در منزل خانم یافا و آقای سعید برال برگزار شد.

سخنرانان متخصص و دانشمند برنامه، دکتر پیمان سیمونی، پزشک متخصص در جراحی پلاستیک و زیبایی و دکتر دانش فروغی، روانشناس، نویسنده و شاعر شناخته شده جامعه ایرانی بودند.

به گفته یکی از مهمانان این برنامه همبستگی و هماهنگی اعضای گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی با رهبری خانم ژیلایا یوسفی، در تدارک این برنامه و دیگر برنامه‌های فدراسیون بسیار قابل تحسین و دلگرم کننده است.

در این برنامه سخنرانان مهمان با گزیرایی هر چه تمام‌تر راجع به گذر زمان و پذیرشی که باید با بالا رفتن سن و کسب تجربه در انسان به وجود می‌آید از نظر جسمی، پزشکی، روحی و روانی صحبت کردند.

بیش از ده غرفه لباس، جواهر، کریستال، نقره، رومیزی، کیف و کمر بند و... در این برنامه عرضه شده بود و با همراهی کیتترینگ سیمون از مهمانان پذیرایی شد.

مجری برنامه گوینده پرتوان رادیو ۶۷۰، خانم زهره لاله‌زاری بودند که با کلام زیبایش رونق و جلوه ویژه‌ای به برنامه بخشیدند.

هدایای متعدد حامیان که در اختیار فدراسیون یهودیان ایرانی قرار گرفته بود به حکم قرعه به شرکت کنندگان در قرعه کشی

اهدا شد، از جمله کتاب جدید آقای صیون ابراهیمی، "عشق پنهان در حجاب" و یک جلد کتاب آشپزی غذاهای ایرانی به زبان انگلیسی.

لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر از برنامه‌های گوناگون کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی، با دفتر این مرکز تماس بگیرید.

### سایت آشنایی جوانان

همانطور که در شماره گذشته "شوفار" نیز اعلام شد هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی و کمیته Jewish Singles Network در صدد ایجاد سایتی اینترنتی برای آشنایی بیشتر جوانان یهودی میباشند.

این وب سایت با همیاری و مشاوره رهبران جامعه، روانشناسها، وکلا و دیگر افراد متخصص که برای انجام این کار خیر داوطلب شده‌اند، اداره خواهد شد. هدف این کمیته رسیدگی و شناخت و پیدا کردن راه حل مسائل جوانان مجرد در جامعه یهودی ایرانی است. برای گرفتن اطلاعات بیشتر و ثبت نام در این وب سایت و اطلاع از برنامه‌های آینده آن با دفتر فدراسیون تماس بگیرید.

### هدیه بانک Comerica به فدراسیون یهودیان ایرانی



از راست به چپ: مایک فولتون، پرزیدنت بانک Comerica؛ سوزی کازاریان مدیر بانک مرکزی سان‌ست؛ شهلا جاودان، پرزیدنت فدراسیون یهودیان ایرانی و مرگان ریکتور مدیر شعبه لس‌آنجلس در ماه می سال جاری بانک معتبر Comerica شعبه جدید خود را در شهر وست هالیوود افتتاح کرد. یکی از رسوم جالب این بانک در زمان افتتاح هر یک از شعبات خود، انتخاب یک سازمان خیریه غیر انتفاعی در ناحیه شعبه جدید و اهدای یک چک برای کمک و

شماره آینده نشریه شوفار به چاپ خواهد رسید. برنامه بزرگداشت این هنرمند کم نظیر با شرکت آقای کاظم عالمی، رهبر ارکستر و اجرای خانم مولود زهتاب و هنرنمایی خوانندگان پرآوازه، حمیرا، عقیلی، مرتضی امید، ستار، مارتیک، شهلا سرشار، پویا، بهرام فروهر، هلن و بهزاد برگزار گردید. این برنامه با همکاری تلویزیون پارس، تلویزیون اندیشه، خانه فرهنگ و هنر ایران و رادیو ۲۴ ساعته صدای ایران تهیه شده بود.

### برنامه‌های آینده:

#### برنامه ویژه کنیسای "بت ال" در ایام رشن‌هشانا و یوم کیپور

کنیسای "بت ال" وابسته به مرکز یهودیان ایرانی مانند هر سال مراسم رشن‌هشانا و یوم کیپور را با شکوه هر چه تمام‌تر برگزار می‌کند. باعث افتخار است که میهمان عالی‌قدر مراسم امسال، دکتر فرید دردشتی، حزان خوش صدا و محبوب جامعه یهودی ایرانی و آمریکایی خواهد بود.

دکتر دردشتی که با خانواده خویش در طی سی سال گذشته در ایالت نیویورک اقامت دارند، به دعوت رئیس و اعضای هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی و رئیس و اعضای کنیسای "بت ال" برای اجرای مراسم یوم کیپور در لس‌آنجلس خواهند بود.

بسیاری از ما با نام و صدای آقای دردشتی، پدر بزرگوار دکتر فرید دردشتی آشنایی کامل داریم. جای بسی خوشوقتی است که پسر ایشان نیز تصمیم گرفتند عشق و علاقه خود را به موسیقی و هنر، وقف اعتقادات ملی و مذهبی خود کنند. دکتر فرید دردشتی تحصیلات خود را در رشته موسیقی و به صورت تخصصی در رشته موسیقی و الهیات در آمریکا به پایان رسانده‌اند و در سال ۲۰۰۸ درجه افتخاری دکتر در موسیقی را از طرف دانشکده یهودی الهیات دریافت کردند. در سالیان اخیر دکتر دردشتی به

پشتیبانی از آن سازمان است. پس از بررسی کامل، نمایندگان بانک Comerica تصمیم گرفتند که مبلغ اهدایی خود را هنگام مراسم افتتاحیه شعبه جدید در شهر وست هالیوود به فدراسیون یهودیان ایرانی هدیه کند. به گفته نماینده این بانک این مبلغ به طور معمول ۵۰۰۰ دلار است، اما پس از انجام تحقیقات در مورد فعالیتها و خدمات گوناگون و اهداف فدراسیون یهودیان ایرانی، رؤسای بانک تصمیم گرفتند که مبلغ ده هزار دلار به این سازمان هدیه نمایند. بانک Comerica که اولین شعبه خود را بیش از ۱۶۰ سال پیش در شهر دالاس ایالت تگزاس تأسیس کرده است، امروز یکی از معتبرترین بانکهای آمریکا به حساب می‌آید.

#### بزرگداشت آقای جهانبخش پازوکی اسطوره موسیقی ایران

در پانزدهم سپتامبر ۲۰۱۱ علاقه‌مندان به موسیقی از گوشه و کنار آمریکا برای تجلیل از آقای جهانبخش پازوکی، آهنگساز و ترانه‌سرای نامدار ایرانی، در تئاتر ویلشر ایبل در لس‌آنجلس گرد هم آمدند.

آقای جهانبخش پازوکی در زمینه موسیقی پاپ، محلی و به خصوص موسیقی اصیل ایرانی، حدود هزار قطعه آهنگ و ترانه ساخته و خوانندگان بسیاری را برای اولین بار به جامعه ایرانی معرفی کرده است. با وجود این که فراگیری موسیقی را در سنین کودکی با نواختن فلوت آغاز کرد، با سرعتی شگفت‌آور و در مدتی کوتاه با همراهی استادان و بزرگان موسیقی ایران به فراگیری نواختن انواع سازها پرداخت. آقای پازوکی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه، روانشناسی و علوم تربیتی به پایان رسانده است.

فدراسیون یهودیان ایرانی افتخار دارد که یکی از حامیان این برنامه و مراسم به یاد ماندنی آن است. مصاحبه ویژه‌ای با آقای جهانبخش پازوکی به بهانه این برنامه انجام شده که در

همراه دختر خود، که او نیز دکترای خود را در رشته موسیقی دریافت کرده و صدای بسیار زیبا و دلنشینی دارد، کنسرت‌های بسیاری را با اجرای موسیقی از شرق و غرب اجرا کرده‌اند که با استقبال بسیار دست اندر کاران و علاقه‌مندان به موسیقی روبرو بوده است. ایشان با همسر و سه دختر خود که همگی استعداد پدر را در شناخت و اجرای موسیقی به ارث برده‌اند در سراسر آمریکا کنسرت‌های مختلفی را به عنوان "خانواده دردشتی" اجرا کرده‌اند.

بدون شک گிரایی و طین دلنشین صدای حزان فرید دردشتی مراسم یوم کیپور را برای

تمام حضار در کنیسی "بت ال" شیرین و پرخاطره خواهد ساخت.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد برنامه‌ها، ساعات سرویس این ایام در کنیسی "بت ال"، سرویس مخصوص جوانان و نوجوانان و نام سخنرانان میهمان می‌توانند با دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی تماس بگیرند.

#### مراسم سوکا

طبق رسم هر ساله گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی در کنار ساختمان مرکز یهودیان ایرانی، سوکای باشکوهی را برپا خواهند کرد و مراسم ایام سوکا را با تمام سنن و فرهنگ

زیبای آن جشن خواهند گرفت. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر جهت شرکت در این مراسم می‌توانند با دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی تماس بگیرند.

#### جشن سال نو

گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی در صدد است که سال جدید میلادی را طی یک گرد هم آیی پرشور و هیجان به همراهی دوستان و علاقه‌مندان جشن بگیرد. دوست داران برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد می‌توانند با دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی تماس بگیرند.

## درگذشت مردی والا و انسان دوست

تهران بود و تا زمانی که در ایران اقامت داشت، همواره به مداوای رایگان بیماران نیازمند در این مرکز می‌پرداخت.

ایشان در طول سالها در ایران همکار و پشتیبان بسیاری از سازمانهای خیریه و اجتماعی بود از جمله یاری در تأسیس مدارس گنج دانش، یاری با خالوتص برای ایجاد یک کتابخانه در محله، یاری به اسکان بچه‌های رانده شده از لهستان و همکاری در تأسیس هنرستان آرت.

دکتر رحیم کهن پس از مهاجرت به آمریکا نیز همچنان برای رسیدگی به نیاز جامعه، فعالیت خود را ادامه داد. ایشان با دور اندیشی همیشگی یارانی را دور خود جمع کرد و با کمک آنها کانون سالمندان ایرانی را در لس‌آنجلس بنیان گذاشت. این نهاد در حال حاضر با مدیریت و فعالیت خستگی ناپذیر داماد ایشان، آقای ایرج کنعانی، خلأ بزرگی را در جامعه ایرانی پر کرده است.

در گذشت جناب دکتر رحیم کهن را به خانواده محترم ایشان به خصوص خانم و آقای ایرج کنعانی، یکی از اعضای هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی، تسلیت می‌گوییم.

در ماه آگوست سال جاری دکتر رحیم کهن، پزشکی دلسوز و وظیفه شناس و انسانی خیر و نیکوکار و روزنامه نگاری مورد احترام عموم، چشم از جهان فرو بست. خدمات متفاوت و قابل تحسین دکتر کهن، چه در ایران و چه در آمریکا باعث



پیشرفت و تعالی جامعه ایرانی بوده است ایشان در سال ۱۹۴۶ در ایران جدا از انجام خدمات پزشکی، موفق شد تا اجازه چاپ هفته‌نامه "ایسرائل" را در ایران بگیرد و به عنوان سردبیر و صاحب امتیاز این نشریه برای اولین بار صدای جامعه یهودی ایرانی را به گوش عموم رساند و زنجیری محکم بین افراد جامعه ایجاد کرد.

دکتر رحیم کهن با همراهی و همکاری دوست دیرین خود دکتر سپهر، یکی از مؤسسين بیمارستان کانون خیرخواه در

از طرف هیأت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی، دکتر کامران بروخیم

از طرف هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی، شهلا زرگریان جاودان

# Beth El Synagogue

Affiliated with  
Iranian American Jewish Center

1317 N. Crescent Heights Blvd.  
W. Hollywood, CA 90046  
Tel: 323-654-4700

کنسای «بت ال» وابسته به مرکز یهودیان ایرانی مستخر است به اطلاع  
برساند که مراسم تفیلا ایام روش هسانا و کیور راد سالن مجلل کنسیا  
با همکاری ممان ار حمند آقای فرید در دشتی سرگزار خواهد نمود.

علاوه بر مراسم تفیلا، سخرانی ها و سمنارهای مختلف به زبانهای فارسی و انگلیسی برای جوانان برقرار خواهد بود.  
«برای رفاه شرکت کنندگان وله پارکینگ کافی و رایگان برای عموم و همچنین برای نگهداری کودکان شامی سترد نظر گرفته شده است.»

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر و رزرو جای خود در صندلیهای شماره گذاری شده،

با دفتر دراسون تلفن ۴۷۰۰-۶۵۴-۳۲۳ تماس بگیرید.

**مراکز تهیه کارت ورودی:** ایلات مارکت، کلدن سیتی، ساند سیتی (در وست وود)، سانتا

مانیکا کاشر مارکت، انسینو گلت مارت (انسینو) و در Down Town آقایان یکتافر تلفن ۷۲۱۸-۸۰۱

(۳۱۰) و کورش الیاهوزاده تلفن ۲۹۹۰-۶۲۳ (۲۱۳) تماس حاصل نمائید.

سالی سرشار از سلامتی، شادی و موفقیت برای یکایک شما آرزو مندیم

## فدراسیون یهودیان ایرانی - آمریکایی

### سی سال خدمت به جامعه را گرامی می‌دارد

مهاجرین تازه وارد را درک نموده، قدم‌های سازنده‌ای برای کمک به آن‌ها برداشتند.

یکی از افرادی که به نیازهای اضطراری یهودیان ایرانی مهاجر و لزوم وجود یک صدای واحد در میان جامعه پی برد، دکتر حشمت‌اله کرمانشاهی بود. ایده او رسمیت دادن به ایجاد فدراسیون یهودیان ایرانی به عنوان چتری در برگیرنده بود. (که بعدها به فدراسیون یهودیان ایرانی - آمریکایی تغییر نام داد). برای تحقق این ایده در سال ۱۹۷۹ جلسه‌ای رسمی در منزل دکتر روبن و خانم ثریا ملامد تشکیل شد که در آن آقایان دکتر کرمانشاهی، دکتر کامران بروخیم، نجات گبای، دکتر سلیمان آقایی و پرویز نظریان شرکت داشتند.

با تأسیس رسمی فدراسیون و راهنمایی و کوششهای خستگی ناپذیر رهبران جوانی چون سلیمان رستگار، دکتر سلیمان آقایی، دکتر کرمانشاهی و بسیاری دیگر، تماسهایی بین‌المللی برقرار شد تا به بهزیستی ایرانیان داخل و خارج کشور کمک شود. تحت رهبری و حمایت فدراسیون، بسیاری از سازمانهای جدید ایرانیان یهودی که هر یک موظف به تمرکز بر یکی از احتیاجات جامعه بودند، تأسیس شدند و تعدادی کنیسا و یا مراکز تجمع یهودیان به وجود آمدند.

مهم‌ترین آن‌ها، ساختمان فدراسیون یهودیان ایرانی - آمریکایی در وست هالیوود است که تحت ریاست مرحوم عزت‌اله دلجانی و به خاطر دوراندیشی و تدبیر ایشان خریداری شد، مرکز فرهنگی و آموزشی نسّح که توسط فدراسیون و به طور موقت در یک چادر برای اجرای مراسم کیپور و رش‌هشانا توسط گروهی به رهبری آقای لطف‌اله حی، ربای داوید شوفط، آقای نوراله نوروش و جمعی دیگر از اعضای هیأت مدیره آغاز به کار نمود و عاقبت

کسانی که در این راستا با فدراسیون یهودیان ایرانی و یا هر سازمان خیریه و غیر انتفاعی دیگر به طور داوطلبانه همکاری می‌کنند نه به خاطر نام و مقام بلکه به خاطر مسوولیتی که نسبت به جامعه در خود حس می‌کنند، قدم برمی‌دارند و حتی زمانی که با عقاید یکدیگر موافق نیستند با تحمل و بردباری، خدمات خود را به بهترین نحو انجام می‌دهند و اتحاد را در همه حال برای منفعت کل جامعه حفظ می‌کنند.

پس از تأسیس جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و آشوب‌هایی که به اعدام حبیب‌القانیان، یکی از معتبرترین و محترم‌ترین ایرانیان یهودی، توسط جمهوری اسلامی منجر شد، آینده یهودیان ایران در داخل و خارج از کشور به وضع نامعلومی درآمد. در چنین شرائطی بود که مرحوم موسی کرمانیان موفق گردید با استفاده از دانش و تجربه و آشنایانش به عنوان رهبر جامعه یهودیان ایرانی به دفاع از جامعه و کسب موافقت دولت آمریکا و کاخ سفید پرداخته به کسب امتیازات متعددی برای بهزیستی ایرانیان یهودی نائل گردد. این ملاحظات مخصوص، در آینده کوتاه مدت و دراز مدت یهودیان ایرانی در داخل و کشور، اثر حیاتی داشتند. بالاخره در سال ۱۹۸۱، به خاطر کوشش‌ها و آینده‌نگری آقای کرمانیان و یارانش، راه تأسیس یک سازمان منسجم که کمک و راهنمای یهودیان ایرانی باشد، هموار شد. پس از درگذشت ناگهانی ایشان در جولای ۱۹۸۰، بسیاری از رهبران توانا و باتجربه جامعه یهودیان ایرانی، نیازهای

فدراسیون یهودیان ایرانی سی سال پیش، دو سال پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، برای کمک و متحد کردن جامعه ایرانیان داخل و خارج کشور تأسیس شد. مقاله زیر خلاصه‌ای از تاریخچه و نوع فعالیت‌ها و خدمات این سازمان یگانه می‌باشد. لازم به ذکر است که فدراسیون یهودیان ایرانی، و اصولاً هر سازمان دیگر، تنها زمانی می‌تواند به صورت دراز مدت به خدمات خود ادامه دهد و در پیشرفت جامعه مؤثر باشد که اتحاد و دوستی را در میان رهبران و افراد جامعه توسعه دهد. برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای و قدم برداشتن در یاری به جامعه، هر سازمانی نیاز به کمک، هم‌فکری، راهنمایی و سرپرستی افراد مختلف با قدرت‌ها و استعدادهای متفاوت دارد. جای بسی خوشوقتی است که در طی سی سال گذشته تعداد افرادی که با حسن نیت و برای پیشرفت جامعه خود، در این سازمان خدمت کرده و برای بقای آن زحمت کشیده‌اند، بسیار بالا بوده است.

خدمات هر یک از آن‌ها برای این سازمان ارزنده، مفید و قابل احترام است. در طی سی سال گذشته اعضای متفاوت کمیته‌های بانوان، جوانان، کنیسا، امور خارجی، سخنرانی‌ها و سمینارها و اعضای هیأت‌امنا و هیأت‌اجرائی به صورت داوطلبانه و با تمام وجود برای پیشبرد جامعه و مؤثر بودن فدراسیون یهودیان ایرانی، قدم‌های بسیار مثبت برداشته‌اند که جا دارد از این فرصت استفاده کرده و از تمام این عزیزان سپاسگزاری کنیم و از این که به خاطر کمبود جا ذکر نام یکایک آن‌ها مقدور نمی‌باشد، پوزش بطلبیم. بدون شک تمام

به یک ساختمان دائمی در بورلی هیلز منتهی گردید، مرکز فرهنگی ارتص در "سن فرناندو ولی" که همچنان توسط فدراسیون و با کوشش گروهی از جمله مرحوم الیاس اسحاقیان تأسیس شد. (ایشان بعدها به عنوان ریاست فدراسیون دو دوره خدمت نمودند). همچنین تعدادی مدرسه و مرکز آموزشی تأسیس گردید.

در حالی که جامعه به تقویت ریشه‌های خود می‌پرداخت، فدراسیون برای یاری مهاجران یهودی روسی، سوریه‌ای و حبشه‌ای نیز قدم‌های مثبتی برداشت. این عمل باعث ایجاد روابط جدید و توسعه روابط قدیم با دهه‌ها سازمان یهودی آمریکایی در سطح محلی و ملی گردید و فدراسیون با شرکت در هیأت‌مدیره و آژانس‌های آن‌ها به ایشان ملحق شد.

تا اواخر دهه ۹۰، حدود ۴۰ سازمان یهودی ایرانی فقط در لس‌آنجلس تأسیس شده بود که اکثر آن‌ها عضوی از خانواده فدراسیون بودند و به مسایلی در رابطه با جوانان، سالمندان، مذهب، فرهنگ، حفظ تاریخ، زنان و خانواده، سلامتی، سفرها و روابط با اسرائیل و همچنین طرق مختلف دفاع از جامعه، کشور اسرائیل، جوامع یهودی در مخاطره، و سازمانهای مختلف جمع‌آوری اعانات رسیدگی می‌کردند.

مجله شو فار لس‌آنجلس نیز به عنوان نشریه فدراسیون منتشر شد که انتشار آن در سی سال گذشته وسیله‌ای جهت نزدیکتر شدن افراد جامعه به یکدیگر و مطلع نمودن ایشان از فعالیت‌های سازمان مختلف و همچنین مسائل

مربوط به ایرانیان و جامعه یهودی ادامه داشته است.

فدراسیون به تأسیس فدراسیون یهودیان ایرانی نیویورک نیز کمک نمود که تحت رهبری افرادی مانند آقایان شهرام یعقوب زاده، یوسف شاهی، دیوید عمرانی و بسیاری دیگر، امروز یکی از مؤثرترین و موفق‌ترین سازمانهای یهودیان ایرانی در ایالات متحده می‌باشد.

صندوق کمک‌های اضطراری فدراسیون از ابتدای تأسیس آن به یاری صدها خانواده نیازمند پرداخته و می‌پردازد. در سالهای نخست هفتاد پزشک از میان افراد جامعه بیماران نیازمند را مرتب و بدون هزینه درمان می‌نمودند. این صندوق همچنین برای کمک به نیازمندان صدها قطعه زمین آرامگاه خریداری نموده و نیز اقدام به کاشت هزاران اصله درخت در اسرائیل نموده است. در طی سی سال گذشته فدراسیون حمایت از تأسیس سازمانهای خیریه جامعه را از طریق منابع موجود در پیش گرفته است تا فاصله‌ای را که سازمانهای دیگر بر جا گذاشته‌اند پر کند و مرکزیتی برای همکاری و تصمیم‌گیری جمعی بین سازمان‌ها در مورد مسایل مشترک بین آن‌ها ایجاد نماید؛ همان سیاستی که هیأت اجرائیه فدراسیون در پیش گرفته و به آن عمل می‌کند. کمیته امور خارجه فدراسیون در طی این سی سال از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در کمک به جامعه بسیار مؤثر بوده است. خلاصه‌ای از فعالیتهای این کمیته عبارتند از: تأسیس و یا توسعه روابط

نزدیک و عمیق با دهه‌ها سازمان یهودی آمریکایی و بین‌المللی؛ ایجاد و توسعه روابط با سازمانهای مختلف، رهبران یا شخصیت‌های جامعه یهودیان در داخل ایران؛ آژانس‌های مختلف در کشور اسرائیل؛ ایجاد و یا توسعه روابط با آژانس‌های مختلف شاخه اجرایی دولت آمریکا، ده‌ها نفر از رهبران کنگره، بسیاری از مقامات محلی و کشوری از هر دو حزب معتبر سیاسی؛ ایجاد همبستگی و همکاری بین سازمانهای یهودیان ایرانی در آمریکا، اروپا، اسرائیل و ایران؛ ادامه روابط قوی با رسانه‌های ارتباط جمعی فارسی زبان و خارجی در سراسر دنیا؛ ایجاد و حفظ روابط و همکاری دوستانه با سازمانهای غیر یهودی ایرانی، فعالین سیاسی و گرد هم آیی‌های اقلیت‌های مذهبی از طریق این ارتباطات با کوششهای بسیاری از خدمتگزاران دلسوز جامعه و با نظارت رؤسا و رهبران فدراسیون یهودیان ایرانی و آمریکایی از جمله دکتر سلیمان آقایی (اولین رئیس فدراسیون)، آقای سلیمان رستگار (رئیس سابق فدراسیون)، دکتر حشمت‌اله کرمانشاهی (رئیس سابق هیأت امنای فدراسیون)، شادروان الیاس اسحاقیان (رئیس سابق هیأت امنای)، دکتر شکراله برآوریان (رئیس سابق فدراسیون)، آقای منوچهر نظریان (رئیس سابق فدراسیون)، و خانم شهلا زرگریان جاودان (رئیس فعلی فدراسیون) و بسیار دیگر، از اعضای فعال آن و جمعی داوطلب که به خدمات بی‌شمار خود به جامعه ادامه می‌دهند.

## تسلیت

با کمال تأسف و تألم درگذشت خانم محترم خرمیان، مادر عزیز آقای عبدی خرمیان، یکی از اعضای هیأت اجرایی و هیأت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی و سرپرست کمیته امور ساختمانی این نهاد را به آقای خرمیان و دیگر فرزندان این بانوی نیکوکار و کلیه خانواده‌های وابسته تسلیت می‌گوییم.

از طرف هیأت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی، دکتر کامران بروخیم

از طرف هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی، شهلا زرگریان جاودان





## به یاد آقای "عزت‌اله دلجانی"

روز یکشنبه ۲۸ آگوست ۲۰۱۱ آقای عزت‌اله دلجانی، رئیس پیشین

انجام داد، ایشان نظر خود را در مورد تأثیر مثبت مهاجرین ایرانی در

شهر لس‌آنجلس، چنین بیان کردند: «مهاجرت تعداد کثیری از ایرانیان تحصیل کرده و با تجربه در تجارت و کسب و کار باعث شده است که لس‌آنجلس و به خصوص "داون تاون" این شهر از موفقیت بسیار برخوردار شود، تا حد بسیار چشمگیری توسعه یافته و دیگر گروههای مهاجر را نیز به خود جلب کند.»

آقای عزت‌اله دلجانی با نیروی خستگی ناپذیر چه در ایران و چه در آمریکا برای پیشرفت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، قدم برداشت و همواره انجام خدمات اجتماعی را از وظایف خود می‌دانست. قدمهای مثبت و مؤثر ایشان در راه رفاه هم‌وطنان خود همیشه در یاد افراد جامعه باقی خواهد ماند.

در گذشت آقای عزت‌اله دلجانی را به همسر عزیز و مهربان و فرزندان ایشان تسلیت می‌گوییم.

گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم

ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد

همین نصیحت من پیش گیر و نیکی کن

که دانم از پس مرگم کنی به نیکی یاد

نداشت چشم بصیرت که گرد کرد و نخورد

بُرد گوی سعادت که صرف کرد و بداد

هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی و عضو محترم هیأت امنای این نهاد، مردی خود ساخته و یکی از خدمتگزاران معتمد جامعه ایرانی، در منزل خود در لس‌آنجلس درگذشت. نام آقای عزت دلجانی و خدمات ارزنده ایشان در کارهای اجتماعی و غیر انتفاعی برای جامعه یهودی ایرانی بسیار آشناست. یکی از بزرگترین خدمات ایشان طی دوره ریاستشان بر هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی، فراهم ساختن امکانات برای خرید ساختمان کنونی مرکز فدراسیون بوده است. در مناسبتهای مختلف از ایشان به خاطر خدمات ارزنده شان برای حفظ بناهای تاریخی شهر

لس‌آنجلس و پیشرفت اقتصادی مرکز این شهر طی سی سال گذشته، تجلیل به عمل آمده است.

در آپریل سال ۲۰۰۹، انجمن مرکزی شهر لس‌آنجلس طی مراسم پر شکوه و به یاد ماندنی در هتل "بونا ونچر" از خدمات ارزنده آقای عزت دلجانی در راه توسعه و پیشرفت این شهر قدردانی و جایزه Heart of the City Award را به ایشان اهدا کرد. در ماه جون همان سال، طی مراسمی زیبا و در میان استقبال کثیری از مردم، چهارراه خیابانهای "براد وی" و "هفتم" از طرف شهرداری لس‌آنجلس به نام "میدان دلجانی" نام گذاری شد. در مصاحبه ویژه‌ای که مجله شوفار با آقای عزت‌اله دلجانی

از طرف هیأت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی، دکتر کامران بروخیم  
از طرف هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی، شهلا زرگریان جاودان



בלזה"ית

B"H

با سالها تجربه در مقاطعه‌کاری ساختمانی و حسن شهرت در انجام و اتمام پروژه‌های مختلف ساختمانی و مشاوره‌های صادقانه و صحیح همواره در خدمت جامعه ایرانیان لس‌آنجلس بوده است.

مهندس بهرام آقارپور

قبل از خرید هر خانه و یا زمین جهت انجام پروژه‌های ساختمانی، مسکونی و یا تجاری جدید یا ریمادلینگ، اضافه نمودن و تهیه نقشه‌های ساختمانی با

**مهندس بهرام آقارپور**

تماس حاصل فرمایید.

مشاوره با یک مقاطعه‌کار صادق و با تجربه بخصوص هنگام تهیه نقشه پروژه‌های ساختمانی، همواره و صد در صد به نفع شما می‌باشد.

جهت مشاوره رایگان و برآورد قیمت پروژه‌های مختلف ساختمانی با

آقای مهندس بهرام آقارپور با شماره تلفن ۴۸۲۹ - ۲۱۰ (۲۱۳)

تماس حاصل فرمایید.

**BH CONSTRUCTION COMPANY**

California Contracting License: B-553-541

### بنیاد مکابی آشنایی با نهادهای انسان دوستانه

نزدیک به هفده سال پیش، بنیاد مکابی با همت گروهی از سرسپردگان خدمت به مردم و با پیشگامی آقای صیون ماهفر در نیویورک شکل گرفت. رسالت این بنیاد یاری‌رسانی از طریق کمک هزینه تحصیلی به ایرانی زادگان مقیم اسرائیل می‌باشد و بنیان‌گذاران و خدمتگزاران آن از آغاز تا کنون افراد بسیاری بوده‌اند، از جمله آقایان دکتر ایرج لاله‌زاری، یوسف شاهری، الیاس کلیمیان، دکتر ادوارد سوفر، فرامرز لاله‌زاریان، سلیم مراد، امیر بخور، مارک نعیم؛ رولن ثابت، یحیی گبای‌زاده و بسیاری دیگر در نیویورک. هم‌زمان با فعالیت‌های بنیاد مکابی در نیویورک، به منظور نظارت بر اعطای این بورس‌ها، "بنیاد مکابیم" در اسرائیل به سرپرستی پرفسور دیوید منشری و با تلاش بی‌وقفه ایشان شکل گرفت. از آغاز تا به امروز، کمک هزینه‌های تحصیلی به بیش از شش هزار تن دانشجوی رشته‌های گوناگون به میزان تقریباً ده میلیون دلار داده شده که این وجوه از محل هدایای سخاوتمندانه بسیاری از دوستان این بنیاد تأمین شده است.

ما در این شماره، دستاوردهای بنیاد مکابی را از دیدگاه دو فرد آگاه، آقایان منشه امیر و موسی پورستمیان، که در تمام مدت این هفده سال ناظر و شاهد خدمات این بنیاد بوده‌اند با شما در میان می‌گذاریم.

آقای پورستمیان می‌نویسد: «روز یکشنبه سوم ژوئیه ۲۰۱۱، همایشی در زیباترین تالار دانشگاه تل‌آویو برپا بود و دانشجویان ایرانی مقیم اسرائیل از دست پر فتوت بنیاد مکابی بورس تحصیلی دریافت داشتند. آقای صیون ماهفر نماینده پرتوان این بنیاد که در طی این

اجتماعی، به دست اندر کاران این بنیاد شادباش گفت و از آنان سپاسگزاری کرد.

ژنرال شائول موفاز از شخصیت‌های بزرگ نظامی و سیاسی اسرائیل و وزیر دفاع پیشین این کشور (و زاده ایران) از بازتاب رویدادهای کشورهای عرب بر امنیت اسرائیل سخن گفت و ژنرال دان خالوتس فرمانده پیشین نیروی هوایی اسرائیل (که پدرش زاده شیراز بوده) لوحه افتخار اعطا شد.

پرفسور داوید یروشلمی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تل‌آویو در این آئین به میهمانان خوش‌آمد گفت و یادآور گردید که اکنون هفده سال است که ایرانیان نیکوکار مقیم نیویورک به یاری دانشجویان ایرانی زاده در اسرائیل می‌شتابند و با اعطای صدها بورس تحصیلی به آن‌ها برای تأمین هزینه‌های دانش‌اندوزی، در حد امکان، کمک مالی می‌کنند. پرفسور یروشلمی اظهار داشت که از سال نخست تا امروز، میزان بودجه‌ای که یهودیان نیکوکار مقیم نیویورک اهدا می‌کنند تقریباً ده برابر شده و به همان نسبت شمار دانشجویانی نیز که از آن برخوردار گردیده‌اند نیز چند برابر شده است. پرفسور یروشلمی در سخنان خود یادآوری کرد که راز بقای جامعه یهود در سراسر جهان، از جمله به سبب دانش‌اندوزی این ملت بوده است.

آقای صیون ماهفر سرپرست این بنیاد و از پایه‌گذاران اصلی آن، در سخنرانی خود که با کف زدن‌های بسیاری از جانب حضار، مورد استقبال قرار گرفت، تأکید کرد که موفقیت "بنیاد مکابیم" را باید مدیون همه اعضای هیأت مدیره آن دانست که با تلاش بسیار هر سال چند صد هزار دلار از جیب خود و کمک‌های دیگر ایرانیان مقیم نیویورک گردآوری کرده و برای اعطای بورس تحصیلی به اسرائیل می‌فرستند.

آقای ماهفر بر اهمیت دانش‌اندوزی برای پایداری قوم یهود انگشت گذاشت و یادآور شد که در بسیاری از کشورهای جهان یهودیان غالباً در معرض آزار و تجاوز بوده‌اند و حتی

هفده سال هر ساله در کمال سادگی و بی‌ریایی و به نمایندگی از سوی یاران خود، برای اهدای کمک هزینه تحصیلی به اسرائیل می‌آیند، با سخنان مهیج خویش، بیش از ۱۵۰۰ نفر شرکت‌کننده در این مراسم را به تحسین واداشتند. در طول این سال‌ها، بنیاد مکابی نزدیک به ده میلیون دلار کمک هزینه تحصیلی در اختیار دانشجویان قرار داده که به راستی قابل تقدیر می‌باشد.»

آقای منشه امیر می‌نویسد: «یکی از مهیج‌ترین لحظات زندگی اجتماعی ایرانی زادگان در اسرائیل هنگامی است که بیش از دو هزار تن از آنان در تالاری با شکوه در دانشگاه تل‌آویو گرد می‌آیند و آیین سالیانه توزیع بورس‌های تحصیلی به دانشجویان ایرانی برگزار می‌شود. امسال نیز این مراسم با حضور شماری از سران جامعه ایرانی و یک وزیر کابینه و بیش از هزار نفر دانشجویانی که در رشته‌های مختلف در دانشگاه‌های سراسر اسرائیل درس می‌خوانند، شکوه ویژه‌ای داشت.»

طبق معمول همه سال، پرهیجان‌ترین سخنرانی توسط آقای صیون ماهفر، بنیان‌گذار این نهاد نیکوکاری بیان شد. وی هفده سال است که در رأس این سازمان قرار دارد و با محبوبیت و نام نیکی که از آن برخوردار می‌باشد، هر سال هم‌میهنان ایرانی خود در نیویورک را تشویق می‌کند که چند صد هزار دلاری برای اعطای بورس تحصیلی در اسرائیل اهدا کنند.

در آیین امسال ۶۷۶ تن از میان ۱۱۸۰ نفر دانشجویانی که تقاضای کمک خرج کرده بودند، به دریافت این بورس تحصیلی نائل آمدند. در آئین سالیانه "بنیاد مکابیم" در دانشگاه تل‌آویو، آقای میخیل ایتان، وزیر رفاه

امروز نیز که ملت یهود به استقلال باستانی خود بازگشته و کشور اسرائیل را از نو برپا ساخته، هنوز از بی‌مهری و تعرض همسایگان و برخی از رهبران جهان رنج می‌برد. او گفت: برخی از سران کشورهای مهم دنیا در ظاهر و گفتار از اسرائیل و امنیت آن دفاع می‌کنند ولی در خفا به همکاری با حکومت‌های خودکامه و دشمنان اسرائیل ادامه می‌دهند.

آقای ماهر گفت: «یهودیان، نخستین قوم جهان بودند که ده فرمان را به مردم دنیا اهدا کردند. در آن دوران بربریت نسل انسان، که تعرض و تجاوز یک پدیده عادی بود، پروردگار از طریق حضرت موسی به همگان دستور داد: «قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ نده» و فرمان‌های دیگری که زندگی بشری را به مسیر اخلاقی کشاند؛ ولی با آن که یهودیت پایه‌گذار یکتا پرستی در دنیا بود، رهبران مذهبی ادیانی که بر اساس یهودیت به وجود آمده بودند، به آزار و تعرض علیه پیروان این دین باستانی پرداختند و امروز نیز همین وضع در مورد کشور اسرائیل وجود دارد و مردمان آن باید با دستاوردهای علمی و تکنولوژی، در راه حفظ امنیت و منافع سیاسی خویش، تنها به خود متکی باشد.

سخنرانی آقای ماهر با استقبال بسیار گرم حاضران روبرو گردید که بارها برای او کف زدند و در پایان سخنرانی نیز، همگان از جای برخاسته، نسبت به سخنان وی ابراز احساسات کردند.

#### تجلیل از «داوود بی‌بیان» دبیر برجسته در گرد هم‌آیی محصلین مدرسه اُرت تهران

پنجشنبه ۱۱ آگوست ۲۰۱۱ به همت هنرمند محبوب آقای عنایت و تنی چند از دیگر محصلین فارغ‌التحصیل از مدرسه اُرت تهران بیش از صد تن شاگردان این دبیرستان در کاباره تهران لوس آنجلس دور هم گرد آمدند تا از یکی از دبیران برجسته و محبوب خود، آقای داوود بی‌بیان، تجلیل کنند. آقای بی‌بیان پس از تدریس و همکاری بسیار نزدیک با

مدرسه اُرت در سال ۱۹۷۷ به کشور اسرائیل مهاجرت کردند و طی سال‌ها با سازمان‌های مختلف خیریه برای رسیدگی به مسایل مهاجرین ایرانی در اسرائیل همکاری داشتند. ایشان در سال ۱۹۹۷ با همکاری تنی چند از دوستان خیرخواه خود، سازمان‌های نیکوکاری «عزرمیداوید» را بنیان‌گزارند. این سازمان در راه خدمت به رفع احتیاجات مهاجرین ایرانی در اسرائیل تأثیری بسیار داشته است.



آقای داوود بی‌بیان به همراه تعدادی از محصلین سابق اُرت

سازمان «عزرمیداوید» همچنان با همیاری معنوی و مادی افراد نیکوکار، به خدمات خود ادامه می‌دهد.

در این گرد هم آیی، فارغ‌التحصیلان مدرسه اُرت، از خدمات آقای داوود بی‌بیان برای محصلین این مدرسه و فعالیتهای نیکوکارانه ایشان در طی سالها، تجلیل به عمل آوردند. نکته جالب توجه این که آقای بی‌بیان هنوز با نام تمام محصلین خود و چهره آنها، حتی پس از گذشت سی سال، آشنایی کامل داشتند. با آرزوی موفقیت برای آقای داوود بی‌بیان و سازمان نیکوکاری «عزرمیداوید».

#### دکتر باروخ بروخیم توسط بنیاد «مگبیت»

پنجشنبه ۱۹ می ۲۰۱۱ صدها نفر در هتل بورلی هیلتون لس‌آنجلس گرد هم آمدند تا در بیست و دومین جشن سالانه «بنیاد مگبیت»، از دکتر باروخ بروخیم، مؤلف و ویراستار کتابهای درسی در ایران، به عنوان یک فرد انسان‌دوست و مؤثر، در این جلسه تجلیل نمایند. مجری این برنامه هنرپیشه و کم‌دین محبوب، آقای فریرز داوودیان بود. این مراسم با خوش‌آمدگویی

پرزیدنت کنونی بنیاد مگبیت، دکتر بهروز بروخیم و نوای دلنشین خزان ساخته «آرین براون» آغاز شد.

در ادامه فیلم مستند بسیار جالبی از زندگی و فعالیتهای دکتر باروخ بروخیم نمایش داده شد و سپس لوحه سپاس توسط آقایان پرویز نظریان، رییس بنیاد مگبیت، و جیمی دلشاد، شهردار پیشین بورلی هیلز، به دکتر باروخ بروخیم و همسر ایشان اهدا شد.



برنامه با هنرنمایی خواننده محبوب «امیر» تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت. نوشته زیر سپاس‌نامه‌ای است از طرف آقای نوراله گبای، رییس هیأت امنای «بنیاد مگبیت» که به بهترین صورت شخصیت و تأثیر والای دکتر باروخ بروخیم را در جامعه ایرانی توضیح می‌دهد:

«ارسطو می‌گوید: ملت‌هایی که قدرشناس پیش‌گامان خود نباشند بقا نخواهند داشت. همان‌طور که پیشرفت مادی و معنوی هر کشوری بستگی به منابع طبیعی، تولیدی و علمی آن دارد، زندگی و حیات هر ملت و خانواده نیز وابسته به وجود افراد لایق آن جمع می‌باشد. در حقیقت می‌توان گفت که افراد فداکار و آینده‌نگر در میان هر قوم و خانواده به منزله نیروی عاقله و دانش‌جویدی هر فرد هستند و جوامعی که فاقد چنین افراد لایقی باشند، سخت فقیر و مانند افرادی خواهند بود که دارای قوه عاقله کافی نیستند و رو به تکامل ندارند.

تکامل انسانها خصوصاً برگزیدگان شایسته اجتماعات و خانواده‌ها، تنها زیست‌شناسانه ایشان نیست. آنچه رشد و تکامل انسانها را نشان می‌دهد، میزان رشد فکری آنهاست که منجر به برداشتن قدمهایی در جهت تعالی و ترقی شخصی و اجتماعی می‌گردد. آری، ارزش هر فرد به اندازه خدماتی است که به هم نوع می‌کند و اعتبار هر جامعه نیز به اندازه امکاناتی است که برای نسل آینده فراهم می‌نماید و بنیاد مگبیت مفتخر است که در این راه

قدم برمی‌دارد. به جرأت می‌توان گفت که دکتر باروخ بروخیم با همگامی همسر گرامی خود نمونه‌ای بارز از زوجهای شایسته اجتماع هستند که با تواضع و در حد توانایی‌های خود خدمات بسیاری نموده‌اند که می‌توانند سرمشق خوبی برای جوانان باشند. بی‌جهت نیست که این زوج سرفراز با افتخار فراوان، ناظر موفقیت فرزندان و محصلین خود می‌باشند. برتری و محترم بودن این زوج گرامی نتیجه یک عمر لیاقت ایشان بوده است که قدرشناسی و قدردانی همگان نیز گویای آن می‌باشد.

بنیاد مگبیت که دکتر بروخیم نیز در پایه‌گذاری آن سهیم می‌باشد به اتفاق سایر افراد جامعه، به پیروی از دستورات تورات مقدس که می‌گوید چنانچه حتی یک حرف از فردی آموختی تمام عمر مدیون محبت او خواهی بود، خدمات فرهنگی، اجتماعی و مطبوعاتی دکتر باروخ بروخیم را ارج می‌دهد، قدر می‌داند و مفتخر است که میزبان برگزاری جشن بزرگداشت ایشان است.

ضمن تبریک سالگرد استقلال کشور اسرائیل از طرف هیأت امنای بنیاد مگبیت، از طرف خودم و همسرم به آقای دکتر باروخ بروخیم و فرزندان عزیزشان شادباش می‌گویم.

نوراله نورمن گبای

رئیس هیأت امنای بنیاد مگبیت

### “هیبرو دیسکاوری سنتر”

روز یکشنبه ۲۶ جون ۲۰۱۱ مرکز هیبرو دیسکاوری (Hebrew Discovery Center) طی برنامه‌ای گرم و پراحساس و با همکاری عده‌ای از افراد خیرخواه و فعال در جامعه یهودی ایرانی، افتتاح ساختمان جدید خود را در خیابان ویلبر واقع در شهر تارزانا جشن گرفت.

این مرکز دوازده سال پیش به همت ربای “لوئی” و با هدف شناساندن و تعلیم صحیح و بدون تعصب یهودیت در جامعه ایرانی کار خود را با سه شاگرد و یک معلم آغاز کرد. امروز این مرکز با بیش از ۷۵۰ دانش‌آموز، مأموریت خود را برای تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان یهودی با تلاش هر چه بیشتر ادامه می‌دهد. در برنامه ۲۶ جون گروه بانوان مرکز هیبرو دیسکاور، HDC، با همکاری رادیوی ۶۷۰ و کارمندان آن خانمها لیدا حنایی و زهره لاله‌زاری توانستند در حین معرفی مرکز HDC به عموم جامعه، از طریق رادیو در تأمین بودجه

سالیانه این مرکز نیز تا حدی مؤثر باشد.

دانش‌آموزانی که در کلاسهای این مرکز یادگیری زبان عبری را دنبال می‌کنند، می‌توانند برای ساعات صرف شده در آن مرکز به عنوان زبان دوم رسمی از طرف مدارس دولتی لس‌آنجلس کردیت بگیرند.

برنامه‌های سرگرم کننده و آموزنده این مرکز برای نوجوانان از کلاس ۹ تا ۱۲ روزهای هفته بعد از مدرسه و یا در تعطیلات آخر هفته با استقبال بسیار جوانان و والدین آنها روبرو شده است. برنامه‌های تفریحی در تابستان و تعطیلات مختلف و مسافرت‌های دسته‌جمعی تنظیم شده برای سنین مختلف، در محیطی سالم جوانان و نوجوانان را با رسوم و سنن ملی و مذهبی خود آشنا می‌کند.



ربای لوئی در حال مصاحبه با خانم حنایی

ساختمان جدید این مرکز دارای کودکانی بسیار مجهز برای جامعه ایرانی می‌باشد. و علاقه‌مندان می‌توانند از سالن بزرگ آن برای برگزاری گرد هم آیی‌های متفاوت استفاده کنند. کنیسیای مرکز HDC در ایام مذهبی همواره سرویس‌های مخصوصی را برای افراد در سنین مختلف ارائه می‌کند. با آرزوی موفقیت هر چه بیشتر برای Hebrew Discovery Center و پشتیبانان آن.

### بت میتصوای گروهی بزرگسالان

روز شنبه ۴ جون ۲۰۱۱ به همت گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی، دومین برنامه بت میتصوای گروهی برای بزرگسالان در کنیسیای “بت ال” وابسته به مرکز یهودیان ایرانی، برگزار شد. بانوان علاقه‌مند برای شرکت در این برنامه

فوق‌العاده، پانزده ساعت کلاس خواندن عبری که توسط خانم نلی میزراحی تدریس می‌شد و آموزش تاریخ یهود را که توسط دکتر ایزک نور محمودی اداره می‌شد را به پایان رساندند. خانمها گیتی برخوردار، ملی شهام، مینو گنجی، مهناز زرگریان رامین و ژیلای اسرائیل یوسفی در این مراسم که بخشی از سفر زندگی است با شوق بسیار شرکت کردند.

همزمان با این مراسم دوشیزه “نیسانی” نیز مراسم بت میتصوای خود را در کنار دوستان و خانواده اجرا کرده و جشن گرفتند. بدون شک علاقه و احترام بزرگسالان به انجام این مراسم، بهترین مشوق برای دوشیزه نیسانی و همسالان او برای پیروی از مراسم و سنن یهودیت بود. پس از پایان مراسم شبات، میهمانان و شرکت کنندگان برای صرف غذا و شرکت در رقص و پای کوبی به سالن “ساپرا هال” رفتند.

### ریاست جدید مجتمع فرهنگی و آموزشی “نصح”

در ماه جولای سال جاری آقای سیمون پور اتحاد، یکی از وکلای قابل اعتماد و شناخته شده در جامعه، به عنوان رئیس هیأت اجرایی مجتمع فرهنگی و آموزشی نصح، انتخاب شدند. آقای پور اتحاد تحصیلات حقوقی خود را در دانشگاه “سیاتل” به پایان رسانده‌اند و در حال حاضر در دفتر شخصی خود در لس‌آنجلس فعالیت می‌کنند. ایشان فرزند آقای منصور پور اتحاد، یکی از خادمان صادق جامعه یهودی ایرانی، هستند. آقای سیمون پور اتحاد از سنین نوجوانی همچون پدر در کارهای خیریه و کمک به سازمانهای غیرانتفاعی فعالیت داشته‌اند.

آقای سیمون پور اتحاد همکاری داوطلبانه خود را با “نصح” از سال ۲۰۰۳ با گروه جوانان این سازمان شروع کردند و تا امروز قدمهای بسیار مثبتی برای پیشرفت این نهاد برداشته‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند مصاحبه کوتاهی که با ایشان در بخش انگلیسی همین شماره شوفار آمده است را مطالعه نمایند.

## برگ زرین از تاریخ غربت یهودیان ایرانی در کالیفرنیا

نوشته: دکتر حشمت‌اله کرمانشاهی

بنیان‌گذار فدراسیون یهودیان ایرانی در آمریکا و صندوق ملی در ایران

جامعه کوچک یهودیان ایرانی کالیفرنیا نخستین گروهی بود از میان بیش از یک میلیون مهاجر ایرانی که اقدام به سازمان‌دهی اجتماع خود کرد و حدود یک سال بعد از ورود توانست فدراسیون یهودیان ایرانی را برپا کند.

رهبری فدراسیون یهودیان ایرانی از همان آغاز کار مسأله حاد اجازه ورود یهودیان ایرانی به آمریکا را با وجود مشکل گروگان‌گیری در جمهوری اسلامی به عهده گرفت و توانست با موفقیت، امکانات ورود یهودیان ایرانی را به آمریکا که اکثراً فرزندان آنان در این کشور به تحصیل مشغول بودند فراهم نمایند. مقاله زیر که در سال ۱۹۹۶ توسط نگارنده نوشته شده، تصویر واقعی موقعیت جامعه ما را در آن ایام و تأثیر ایجاد فدراسیون یهودیان ایرانی را در استقرار این جامعه در کالیفرنیا روشن می‌نماید.

تهیه مجتمع عظیم فرهنگی و مذهبی جویس ستر یهودیان ایرانی در خیابان کرسنت هایتز شمالی نیز از خدمات برجسته فدراسیون است که با تلاش فراوان آقای عزت‌اله دلچجانی به دست آمد. در این میان تلاش پی‌گیر فدراسیون یهودیان ایرانی توانست با «صدای واحد» این جامعه در موارد متعدد مسایل مهمی را در داخل و خارج با موفقیت حل و فصل نماید که ذکر موارد آن مصلحت نمی‌باشد.

در آن روزگار شروع غربت که جامعه راه گم‌کرده ما تازه به این دیار قدم نهاده بود در مجلس یادبود جوان ناکام و معصوم ابراهیم بروخیم صدها تن از افراد جامعه با چشمانی گریان و چهره‌هایی برافروخته در کریدور

تشکیل فدراسیون از نویسندگان باسابقه و صاحب قلمان با تجربه در امر مطبوعات دعوت به عمل آمد که مجله‌ای به عنوان آرگان فدراسیون به نام «شوفار» برای انعکاس نظریات جامعه تهیه و منتشر شود. در سرمقاله دوم شوفار که برای اولین بار به صورت مجله انتشار می‌یافت، مقاله‌ای زیر عنوان «ما به کجا آمده‌ایم؟» در ماه می ۱۹۸۲ منتشر نمودم که اینک جای دارد قسمتهایی از آن را برای خوانندگان عزیز تکرار نمایم:

«طی چند سال اخیر بسیاری از افراد جامعه ما به اجبار و ناخواسته از بد حادثه با کوله‌باری از فرهنگ غنی و سنت‌های یهودی و سیراب از آداب و سنن کهنسال پارسی با عشری از اعشار حاصل دسترنج و تلاش یکصد نسل پیاپی بدین شهر و دیار غریب پا نهاده‌اند و اکنون از خود می‌پرسند «ما به کجا آمده‌ایم؟». ما به «سرزمین فرشتگان» لس آنجلس آمده‌ایم، شهری خالی از محبت و عواطف انسانی که در آن آثار اصالت خانواده‌های قدیمی جای خود را به اختلاف طبقاتی بسیار عمیقی داده است. در فاصله بیست دقیقه‌ای از رولز رویس‌های متعدد بورلی هیلز، شرق لس آنجلس از چهره‌های بی‌رحم و فقر کشنده محله‌های سیاه نشین و اسپانیولی زبان، مالا مال است. مهاجران زیادی از کشورهای مختلف لاتین آمریکای جنوبی به این شهر خلق‌الساعه هجوم آورده‌اند و در آینده‌ای که چندان دور نیست، اکثریت عددی را به دست خواهند آورد و به سرعت خود را برای آشوبهای خیابانی و قتل و غارت ثروتمندان آماده می‌کنند.»

درست ده سال پس از می ۱۹۸۲ در اواسط ماه می ۱۹۹۲ آشوبهای خیابانی لس آنجلس را فرا گرفت و همانطور که همگان شاهد آن بودیم در این برهه از زمان جامعه ما اگر چه هدف خاص این آشوبها نبود ولی زیان فراوانی دید و

کنیسی سینای، نالان و حیران در این غم عظمی به نوحه‌سرای می‌مشغول بودند و در آن محیط که احساسات مردم به اوج رسیده بود، شاید برای نخستین بار جامعه پریشان و از هم گسیخته ما احساس کرد که در این لحظات سردرگمی و سرگشتگی بیشتر از هر زمان دیگری به یک مرکز رهبری احتیاج دارد. با این احساس قوی و راستین، گروهی از شرکت‌کنندگان از من خواستند که راه چاره مشکلات اجتماعی ما چیست؟ من، از تریون کنیسی سینای با صراحت و قاطعیت اعلام داشتم که جامعه ما امروز به یک رهبری نیرومند با یک «صدای واحد» نیاز دارد که قاطعانه و یکصدا به پیشواز حوادث بشتابد و این صدای واحد و متشکل آنچنان قوی و نیرومند باشد که در تمامی مراجع شنیده شود. و به این ترتیب بود که نخستین سنگ بنای ایجاد یک هسته مرکزی به نام «فدراسیون یهودیان ایرانی»، در آن روز نهاده شد که به صورت یک مرکز رهبری به مسایل حاد اجتماعی که در آن زمان به صورت کلاف سر در گمی در آمده بود با توان گرفتن از اتحاد و یگانگی بنیادهای اجتماعی رسیدگی نماید.

و بدین ترتیب و به خواست و اراده واقعی مردم از آن روز به بعد برای تحقق مأموریت عظیمی که به اینجانب محول شده بود با همکاری دوستان و همکاران ارزنده‌ای که سالیان دراز در بازسازی و سازمان‌دهی انجمن کلیمیان و تشکیل صندوق ملی و سر و سامان دادن به فعالیت‌های اجتماعی، لیاقت و کاردانی خود را نشان داده بودند مشغول به کار شدم. بعد از

هیچگونه تضمینی در دست نیست که در تجدید این گونه حوادث، یکبار دیگر لبه تیز تهاجمات متوجه جامعه بلاد دفاع کوچک یهودی ما نگردد و آتش آشوبهای خیابانی و مبارزات نژادی، خرمن هستی بسیاری از افراد جامعه را در خود نسوزاند. بدون تردید در آشوبهای می ۱۹۹۲ جامعه پویا و پرتحرک «گره‌ای» که جوانان آن با فنون جنگی و دفاعی آشنایی داشتند به دفاع و حفاظت «داون تاون» و نواحی اطراف پرداختند و در حقیقت «سپر بلای» جامعه ایرانی لس آنجلس شدند.

مسئله هیچ گونه اطمینانی در دست نیست که در تجدید آشوبهای بعدی این بار تحریکات و تبلیغات شوم گروه‌های نژادپرست و فاشیست‌ها، موج آشوب را به سوی جامعه ما سرازیر نکنند.

و اینک پس از سی سال ما در مقابل این سوال قرار گرفته‌ایم که «ما به کجا می‌رویم؟».

صرفنظر از مشکلات بحران اقتصادی کالیفرنیا، مبارزات نژادی که اثرات سویی در سرنوشت آینده این جامعه خواهد داشت، بزرگترین مشکل ما در شرایط کنونی آن است که بی‌بند و باری لس آنجلس، جوانان ما را در برزخ برخورد فرهنگ اصیل شرق و سرگشتگی غرب به وسوسه تردید در پایبند بودن به رشته‌های مستحکم خانوادگی که اساس موجودیت جامعه ما را تشکیل می‌دهد قرار داده و این مشکل

بزرگ موجبات فاصله عظیم بین دو نسل و عدم تفاهم بین افراد خانواده شده است. از سوی دیگر بزرگسالان جامعه ما در مسابقه بی‌انتهای تجمل پرستی و چشم و همچشمی آن‌چنان درگیر شده‌اند که ارزش‌های والای فرهنگ یهودی را به فراموشی سپرده و چندان تلاشی برای تعلیم و تربیت یهودی فرزندان خود به کار نمی‌برند و اگر جامعه ما به سرعت به خود نیاید و تفاهم و هم‌زبانی در خانواده و فی ما بین نسل جوان و والدین را به دست نیاورد، تصور حفظ موجودیت این جامعه بسیار بعید به نظر می‌رسد.

در چنین شرایطی، فدراسیون یهودیان ایرانی به منظور چاره‌جویی، دست توسل به سوی روشنفکران و خدمتگزاران جامعه دراز نموده و با انتخاب دموکراتیک و همه‌پرسی بسیار وسیع موفق شده است تعداد ۴۵ تن از منتخبین و متعهدین و فعالین سازمانها را در یک مرکز رهبری با رعایت موازین دموکراسی اخذ آرا عمومی به گرد هم جمع نماید و این بار پس از مدت ده سال اهداف فدراسیون از یک صدای واحد جامعه یهودی کالیفرنیا فراتر رفته و هدفش ایجاد یک صدای واحد برای متجاوز از دویست و پنجاه هزار نفر جامعه ایرانی خارج از کشور است که در نقاط مختلف جهان پراکنده شده‌اند. برای حصول به این هدف بزرگ یک شورای مرکزی به نام «شورای جوامع یهودی

ایرانی» تشکیل گردیده که جوامع یهودی ایرانی در شرق آمریکا و اروپا و سایر نقاط جهان در آن نمایندگانی دارند و این شورا در حقیقت صدای واحد تمامی جامعه یهودیان ایرانی خارج از کشور می‌باشد. از سوی دیگر پایه‌های ایجاد یک مرکز بررسی مسایل اجتماعی و برنامه‌ریزی برای آینده جامعه بنا نهاده شده که با شرکت کارشناسان امور اجتماعی و با کمک جامعه‌شناسان و روانشناسان و با استفاده از همه امکانات علمی و تجربی و تکنیکهای جدید، مسایل اجتماعی جدید را مورد بررسی دقیق قرار داده و به جای آن که سرنوشت جامعه را به دست حوادث ناشناخته بسپاریم، کوشش خواهیم نمود که ما خود به پیشواز مشکلات و مسایل جامعه شناخته و قبل از آن که در تنگنای «چه کنم، چه کنم» گرفتار آییم راه‌حلهایی برای رویارویی با مسایل آینده جامعه داشته باشیم.

یکی از مهمترین عوامل دیگر مخرب جامعه بروز اختلافات خانوادگی و مالی و تجاری در بین افراد جامعه است که به تدریج می‌رود که ابعاد وحشتناکی به خود بگیرد و در این میان افراد بسیاری که با قوانین این دیار آشنایی کافی ندارند دارائی خود را در دعاوی پرخرج و پرداخت هزینه‌های سنگین حقوقی از دست می‌دهند.

ادامه دارد

## تسلیت

راحت جان طلبم وز پی جانان بروم  
پارسایان مددی تا خوش و آسان بروم

خرم آن روز کز این منزل ویران بروم  
تازیان را غم احوال گران باران نیست

با نهایت تأسف درگذشت خانم منیر پیرنظر، مادر عزیز خانم دکتر ناهید پیرنظر اُبرمن، یکی از اعضای بسیار محترم و فعال جامعه یهودی ایرانی و همکار عالیقدر نشریه شوفار و مادر بزرگ دوشیزه شیرین اُبرمن همکار بخش انگلیسی نشریه شوفار را به تمام فرزندان و نوادگان آن مرحومه و کلیه خانواده‌های وابسته تسلیت می‌گوییم.

دکتر کامران بروخیم، رییس هیأت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی

مژگان مقدم رهبر سردبیر مجله شوفار

شهلا زرگریان جاودان، رییس هیأت اجرایی و کلیه اعضای هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی

## پرزیدنت جدید بانک دیسکاونت در نیویورک

نتایج بسیار مثبتی را برای بانک بدست آورده‌اند. جناب ربای داوید شوفط با عرض تبریک به آقای ارنون از همکاری‌های فراوان بانک با مجمتع فرهنگی Nessah تشکر نمودند. آقای ارنون که تحصیلات خود را در انگلستان به پایان رسانیده با بیش از ۳۵ سال سابقه در امور بانکی به سمت پرزیدنت بانک دیسکاونت در آمریکا منتصب شده‌اند. ایشان قبلاً پستهای ریاست در بانک دیسکاونت و بانک‌های HSBC و POALIM در اسرائیل و آمریکا را به عهده داشته‌اند. بانک دیسکاونت - نیویورک با ترازنامه‌ای قریب به ده میلیارد دلار بزرگترین موسسه بانکی اسرائیلی در خارج از اسرائیل محسوب می‌شود.

در ضیافت مجلی در "بورلی هیلز هتل"، بانک دیسکاونت، آقای Ehud Arnon پرزیدنت جدید بانک در آمریکا را به مدعوین معرفی نمود. در این ضیافت بیش از ۲۵۰ تن از مشتریان بانک و سران جامعه منجمله جناب ربای داوید شوفط و شهردار شهر بورلی هیلز، آقای جیمی دلشاد، نیز شرکت داشتند. آقای Yoav Peled رییس شعبات کالیفرنیا با اظهار تشکر از حضار آقای ارنون را معرفی نمود و ایشان در سخنان کوتاهی از میهمانان سپاس‌گزاری نمود و اظهار امیدواری کرد که روابط مستحکم بانک با مشتریان و بخصوص جامعه ایرانی گسترده‌تر شود. سپس ایشان از مدیران و کارمندان شعبات کالیفرنیا تشکر نمود که در سالهای اخیر



از راست به چپ: آقای مهرداد لویصدق، خانم شهلا جاودان، آقای اهود ارنون و آقای یواو پلد

### نهاد Mehayad-el-Hape

از معافیت مالیاتی برخوردار گردد. لطفاً در پایین چک بنویسید Mehayad-el-Hape و آن را به آدرس زیر بفرستید.

Mehayad-el-Hape  
P. O. Box 261533  
Encino, CA 91426-1533

چه پسندیده است که به عنوان هدیه برای مراسم شادی و جشن و یا برای شادی روح در گذشتگان و تسلی خانواده آنها، به سازمان خیریه‌ای کمک کرده و ضمناً دعای خیری هم بدرقه راه خود بنماییم. در این صورت کارت و پیام زیبایی از طرف فرستنده به نام و آدرس مورد نظر فرستاده خواهد شد.

سازمان خیریه "Mehayad-el-Hape" به معنای "از دست به دهان" از چند سال پیش دست یاری به سوی کودکان اسرائیلی مبتلا به بیماری قند یا سرطان و خانواده‌های آنها دراز نموده است. از طریق کمکهای سخاوتمندانه حامیان از نقاط مختلف آمریکا، اروپا و اسرائیل، سعی بر این است که با کمکهای مالی یا دارویی و برنامه‌های تعلیماتی و شادی‌بخش، اردوهای تابستانی و یا تأسیس اطاقهای کامپیوتر و سرگرمی در بیمارستان‌ها برای این کودکان بیمار، از مشکلات آنها کاسته، لبخندی بر لبهای این کودکان بیاوریم.

برای شرکت در این کار خیر تقاضا داریم چکهای سخاوتمندانه خود را به نام Fred Matloub Foundation مرقوم فرمایید تا



## کتاب "عشق پنهان در حجاب"

رمان تازهٔ صیون ابراهیمی



خوانندگان نشریهٔ شوفار و کلیه علاقه‌مندان به داستانهای کوتاه، بدون شک با نام آقای صیون ابراهیمی، سردبیر محترم مجله شوفار به مدت پانزده سال، نویسنده، ژورنالیست و تهیه‌کننده برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، آشنایی کامل دارند.

قلم شیرین و نکته‌بینی آقای ابراهیمی در نوشته‌هایش باعث شده تا داستانهای کوتاه و مقاله‌های او خوانندگان همیشگی خود را داشته باشند. خوشوقتیم به اطلاع برسایم که با چاپ کتاب جدید آقای صیون ابراهیمی به نام "عشق پنهان در حجاب" و یا *Veiled Romance* قصه‌ای از عصیان عشق در زمان انقلاب ایران، انگلیسی‌زبانان و آن عده از جوانان ایرانی که خواندن و نوشتن فارسی برایشان مشکل است بالاخره می‌توانند از قصه پردازی روان، و نوشتار گیرای آقای صیون ابراهیمی استفاده کنند.

کتاب "عشق پنهان در حجاب" در ماه جون

دسترسی دارند و بسیار تشنه دانستن آن هستند. "عشق پنهان در حجاب" داستان دلباختگی لیلا، دختری از تبار یهودیان جدیدی مشهد و سیروس از یهودیان اصفهان است که خواننده را در کنار ماجراهای عشق این دو جوان هوشمند اما گرفتار آمده در کابوسی ناخواسته، قدم به قدم در راستای روزهای سنگین انقلاب با خود همراه می‌سازد.

در کشاکش انقلاب، همزمان با گروگان‌گیری در سفارت آمریکا، سیروس نیز به گروگان گرفته می‌شود و این لیلا است که در تلاش خود برای رهایی دلداده‌اش، به زندانی مخوف می‌افتد.

علاقه‌مندان می‌توانند نقد کامل کتاب "عشق پنهان در حجاب" و مصاحبه ویژه شوفار را با نویسنده آن در شماره گذشته این مجله (۱۶۷) بر روی تارنمای (وب سایت) فدراسیون یهودیان ایرانی به آدرس [www.iajf.org](http://www.iajf.org) مطالعه نمایند. در ضمن قطعه کوتاهی از این کتاب در قسمت انگلیسی همین شماره شوفار به چاپ رسیده است که توجه خوانندگان عزیز را به آن جلب می‌کنیم.

خوشحالیم از این که آقای صیون ابراهیمی به ما قول داده‌اند که به زودی ترجمه فارسی رمان "عشق پنهان در حجاب" نیز در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

سال ۲۰۱۱ به چاپ رسید. به خواست آقای صیون ابراهیمی که همواره یکی از اعضای فعال صندوق اضطراری فدراسیون یهودیان ایرانی بوده‌اند، بخشی از درآمد حاصل از فروش این کتاب را به این نهاد اهدا خواهند کرد. این اقدام نیکوکارانه آقای ابراهیمی برای کمک به نیازمندان که در این اوضاع وخیم اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند، قابل تحسین و ستایش است.

با وجود این که در مراحل اولیه پژوهش و نوشتار، آقای صیون ابراهیمی تصمیم داشتند این کتاب را به زبان فارسی نوشته و تکمیل کنند، در مورد تغییر عقیده خود و نوشتن آن به زبان انگلیسی چنین می‌گویند: «تصمیم اولیهٔ خود من، نوشتن این مجموعه به فارسی بود، اما فرزندانم که در این سرزمین بزرگ شده‌اند مرا از این کار باز داشتند. می‌پرسید چگونه؟»

قضیه با این پرسش از سوی بچه‌هایم آغاز شد که آیا ما و فرزندانمان نباید کتاب تو را بخوانیم؟ و این سوال مرا به اندیشه واداشت، چرا که این نه تنها فرزندان من هستند که در جستجوی ریشه‌های خود می‌باشند، بلکه این طرز فکر در میان همه جوانان ما که در این سرزمین رشد یافته و یا می‌یابند، جاری و ساری است. بار سنگین نوشتن تاریخ یهودیان ایران را، چه به انگلیسی و چه به فارسی، بسیاری از ایران‌شناسان یهودی و غیر یهودی به دوش کشیده و می‌کشند. اما این پرسش که زندگی روزمره ما به عنوان یک اقلیت در میان دیگر هم‌وطنانمان چگونه بوده است، چیزی است که فرزندانمان کمتر بدان

● خواننده عزیز ●  
ما مشتاق هستیم که نظریات و مقاله شما را دربارہ نشریه شوفار و خدمات فدراسیون یهودی ایران، کانال‌هایما دریافت کنیم.  
لطفاً از طریق نامه و یا تلفن با ما تماس بگیرید.  
**Shofar Publication**  
1317 N. Crescent Blvd.,  
West Hollywood, CA  
90046  
(323) 654-4700

# کتاب "از کارگری تا کارآفرینی" زندگینامه و خاطرات "ژاک ماهفر"

تدوین و ویرایش: پروفسور گوئل کهن  
نقد از: کامران رامین‌فر

اذعان کنم که درستی و شفافیت در کار و گفتار و رفتار همراه با دورنگری، صداقت و خوش‌قولی در روابط تجارتي و عرضه کالاهای مرغوب و همچنین پای‌بندی به اصل "سود کم، حجم زیاد" اصول اولیه‌ای محسوب می‌شد که از ابتدای ورود به عرصه معاملات دارویی، مبنای کار خود قرار داده بودم.»



ژاک ماهفر در دیدار با کوفی عنان  
دبیر کل سابق سازمان ملل

ژاک ماهفر زمانی که پس از پشت سر گذراندن سالها مشقت و کار و تلاش بی‌وقفه به رفاه مالی می‌رسد. به جای «خود پردازی» و «خوش گذرانی» همت می‌کند و با رویی خوش و دستانی گشاده امکانات مالی خود را در جهت خدمات اجتماعی و فرهنگی در اختیار نیازمندان قرار می‌دهد، از جمله:

ایجاد چندین واحد مدرسه، کلینیک درمانی و نهادهای عام‌المنفعه و بالاخره پشتیبانی از «دانشنامه ایرانیکا» به سردبیری احسان یار شاطر به طوری که علاوه بر چاپ تاریخ و فرهنگ جوامع یهودیان ایران طی قرون متمادی در جلد پانزدهم دانشنامه ایرانیکا، بنا به تقاضای ماهفر و با تأمین بودجه لازم قرار می‌شود، مجموعه مقالات جلد پانزدهم همراه با موضوعات چاپ شده قبلی زیر عنوان «یهودیان» به طور مستقل در یک جلد منتشر می‌شود. بی‌تردید مطالعه کتاب «از کارگری تا کارآفرینی» خواننده را با بخشی از تاریخ معاصر ایران و جامعه یهودیان آشنا می‌سازد. این کتاب در کنار سه کتاب دیگر پروفسور گوئل کهن مجموعه پرارزشی را تشکیل می‌دهد که هر خانواده و هر کتابخانه‌ای نباید از آن محروم بماند.

برخاسته از یکی محلات یهودی‌نشین ایران (جوباره اصفهان) را بیان می‌کند.

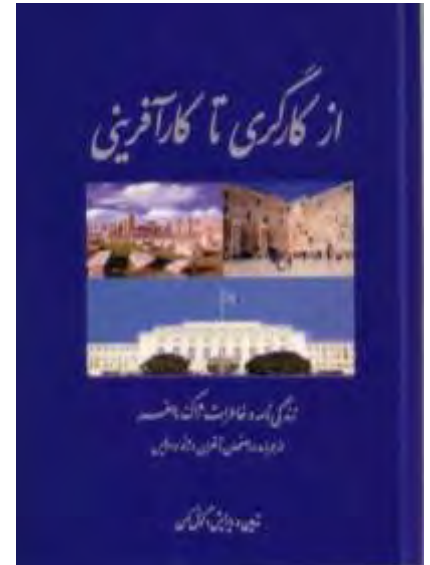
در کتاب "از کارگری تا کارآفرینی" ما با نثری بالغ و ساختاری دل‌پذیر می‌توانیم به درستی "ژاک ماهفر" را بشناسیم. ماهفر زندگی خود را در اوائل قرن بیستم از جوباره اصفهان شروع می‌کند، در میانه تحصیلات دبیرستانی ناچار می‌شود برای درمان پدر بیمار خود به تهران بیاید. او در محیط جدید با "دکتر موسی برال"، استاد دانشگاه داروسازی دانشگاه تهران و بنیانگذار داروخانه و لابراتور بزرگ ری در تهران آشنا می‌شود، و برای تأمین معاش در آن داروخانه شاگردی می‌کند. دکتر برال به واقع شخصیتی است که به عنوان الگو و زندگی‌ساز آینده ماهفر موجب می‌شود تا این جوان باهوش، توانایی‌های خود را در آتیه شکوفا کند.

بدین ترتیب، علم، معرفت، پشتکار، صداقت، نظم و ترتیب و انضباط کاری دکتر برال سرمشق و ایده‌آلی از آینده برای ژاک جوان می‌شود. به ویژه این که، روابط دکتر برال با دانشگاهیان و رجال ایران که داروهای خود را از او خریداری می‌کردند، ژاک را به مسیری سوق می‌دهد که در ایجاد و حفظ روابط انسانی با آنها کوشا باشد.

پروفسور کهن همه رمز و راز زندگی ماهفر را با شیرینی سلیس و ساده‌نویسی که نشانگر تسلطی گسترده بر ادبیات فارسی و تاریخ معاصر ایران است در کتاب به خواننده منتقل می‌کند.

به طور خلاصه باید گفت پیام نهفته در متن این کتاب، راهنمایی بسیار آموزنده و مفید برای جوانان مشتاقی است که به دنبال کسب موفقیت در زندگی و امور بازرگانی می‌باشند.

ماهفر یکی از رموز موفقیت خود را در کتاب به صورت زیر بیان می‌کند: «بی اغراق باید



بار دیگر دانش و قلم توانمند پروفسور "گوئل کهن" به کار گرفته می‌شود تا زندگینامه شخصیتی را به تصویر بکشاند که نمودار آن بر روی محور مختصات نه به صورت یک منحنی، بلکه خطی است که از نقطه صفر آغاز گردیده شیبی بسیار سیر صعودی را طی کرده و همچنان به پیشرفت خود ادامه می‌دهد. این نمودارها همانند پیچکی خزنده سر به بالا و بسوی تعالی انسانی رشد نموده است.

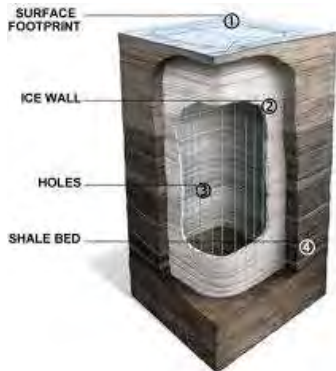
این بار پروفسور کهن در مسیری دیگر با اندکی تفاوت با آثار چند سال اخیر خود دست به قلم برده است. از این مجموعه هر سه کتاب قبلی "حدیث یک فرهنگ"، "همراه با فرهنگ" و "بو بال خود" هر یک پژوهشی در زندگینامه یک شخصیت اجتماعی معاصر در جامعه ما بوده است، که طی آن کند و کاوهای گسترده‌ای را در ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، علمی، ادبی، هنری و تاریخی ارائه داده است.

او در کتاب اخیر نیز با صداقت و پایبندی به اصول بنیادی فرهنگی، مسیر طولانی و علل پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یکی از افراد

## نفت سنگواره Shale Oil آیا اسرائیل، عربستان، نفت سنگواره است؟

نوشته: ایرج فرنوش\*

کارشناسان انرژی قرار گرفته است. در حال حاضر در آمریکا و کانادا با تزریق آب گرم به درون شیارهای سنگواره‌ها در اعماق زمین نفت را از سنگواره جدا کرده و آن را استخراج می‌کنند. این طریق همان طور که دیده می‌شود به میزان زیادی آب و انرژی احتیاج دارد که از همه مهم‌تر عوارض جانبی آن بر محیط زیست بسیار زیان‌آور است. بدین جهت با مخالفت شدید دستانداران محیط زیست مواجه بوده است.



منابع نفت سنگواره در اسرائیل بیشتر در جلگه شفلا در جنوب غرب اورشلیم در منطقه‌ای به وسعت ۲۳۸ کیلومتر مربع قرار دارد و میزان ذخیره نفت آن در حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است که در این صورت می‌تواند اسرائیل را به یک کشور صادرکننده نفت تبدیل کند.

مقدمات کشف و توسعه نفت سنگواره در اسرائیل به همت و جدیت دکتر هارولد وینگار پایه گذاری شده است. دکتر وینگار هم اکنون سرپرست امور علمی و تحقیقاتی در بنیاد انرژی اسرائیل (Israeli Energy Initiative) به دست دارد. وی پیش از این، سمت مدیر کلی امور علمی و تحقیقاتی شرکت نفت شل در هلند را به عهده داشته که در این سمت منشاء خدمات زیادی بوده و در بسیاری از مراحل کشف و استخراج نفت متدهای جدیدی عرضه کرده بوده بدین جهت وی یکی از پیشگامان در صنعت کشف و استخراج نفت به شمار می‌رود. طریقی که دکتر وینگار برای جدا کردن نفت از سنگواره به کار می‌برد از ویژگی خاصی

هدایت نکرده بود تا حالا آنان صاحب چاه‌های نفت باشند. از گلدمایر نخست وزیر فقید اسرائیل نقل می‌کنند که آن مرحومه نیز در یکی از جلسات کابینه به طور شوخی از حضرت موسی برای ارتکاب این اشتباه خرده می‌گیرد.

خوشبختانه از این به بعد خرده‌گیری از این حضرت قابل توجیه نمی‌باشد و نگرانی یهودیان در مورد فقدان انرژی بی‌مورد می‌باشد. زیرا که در یکی دو سال اخیر یک منبع عظیم گاز در سواحل شمالی اسرائیل کشف شده که نه تنها می‌تواند کلیه نیازهای کشور را برآورده سازد بلکه اگر همه چیز بر وفق مراد پیش رود و تنش با کشور لبنان پیش نیاید می‌تواند مازاد آن را به خارج صادر، اسرائیل را به یک کشور صادرکننده گاز تبدیل کرد.

این یک سوی قضیه است، از سوی دیگر به نقل از نشریه بیزنس اینسایدر (Business Insider) در یک مقاله که چند ماه پیش منتشر کرده فاش ساخته که اسرائیل بر روی یک منبع عظیم نفت سنگواره قرار گرفته و طبق محاسبات میزان ذخیره نفت آن در حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه می‌باشد این در حالی است که ذخایر نفت عربستان در حدود ۲۶۰ میلیارد بشکه می‌باشد. طبق این مقاله، اسرائیل پس از آمریکا و چین در مقام سوم در جهان از نظر نفت سنگواره قرار دارد.

استخراج نفت سنگواره مدت‌های مدیدی است که مورد توجه کارشناسان نفت بوده، ولی همان‌طور که در بالا ذکر شد به علت اشکالات فنی و هزینه زیاد و اثرات زیان‌آور آن بر محیط زیست، عملاً استخراج نفت سنگواره به حاشیه رانده شده بوده، ولی اینک با پیشرفت در امور استخراج و بالا بودن قیمت نفت، استفاده از این منابع از حاشیه به متن رانده شده و مورد توجه

نفت خام در طبیعت یا در مخازن زیرزمینی و یا در شیارهای سنگواره‌ها و شن‌های زیرزمین وجود دارد. امروزه متجاوز از ۹۰٪ نفتی که در جهان مصرف می‌گردد از مخازن زیرزمینی تأمین می‌شود. استفاده از منابع سنگواره تاکنون به علت هزینه بالا و عوارض جانبی چندان مورد توجه کارشناسان نفتی نبوده. ولی با بالا رفتن بهای نفت در بازار جهانی و پیشرفت در تکنولوژی استخراج نفت از سنگواره‌های نفتی، بسیاری از کمپانی‌های نفتی خود را برای استفاده از این منابع آماده می‌سازند.



بحران‌های خاورمیانه از یک سو و نیاز کشورهای نوظهور اقتصادی در آسیای شرقی مانند چین و هند به انرژی از سوی دیگر قیمت نفت را به بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسانده است. برای اسرائیل تأمین نفت و گاز مورد نیازش از همان اوایل تاسیس، چالش بزرگی بوده است. اینک پس از بحران در تونس و مصر، جنگ در لیبی و سوریه و ناآرامی در امارات عربی مشکل انرژی بیش از هر زمان دیگر برای این کشور اهمیت یافته است. در این راستا، امنیت انرژی و افزایش قیمت‌ها و بی‌ثباتی در کشورهای خاورمیانه از مسایل موجب نگرانی سیاستمداران و تحلیل‌گران انرژی در اسرائیل می‌باشند. در این مورد یهودیان جوکی دارند که در آن از حضرت موسی خرده می‌گیرند که چرا آن حضرت پس از خروج از مصر یهودیان را به جای سرزمین کنعان به شبه جزیره عربستان

داده‌اند. دکتر وینگار امیدوار است که تا پایان این دهه میزان تولید نفت سنگواره در اسرائیل به ۵۰,۰۰۰ بشکه در روز برسد. او معتقد است که در آینده‌ای نه چندان دور، چشم انداز جدیدی در رشته انرژی بر روی اسرائیل گشوده خواهد گشت. بعضی از تحلیل‌گران انرژی نیز بر این باورند که اگر تنشی با همسایگان پیش نیاید، امید می‌رود که در دهه سوم هزاره سوم اسرائیل به صورت یکی از بازیگران در زمینه انرژی در خواهد آمد.

\* ایرج فرنوش، فوق لیسانس در رشته مهندسی صنایع و سیستم از دانشگاه کالیفرنیا، در سازمان هوایی فدرال (FAA) به عنوان مدیر پروژه به کار اشتغال دارد.

وینگار به کار می‌گیرد از نظر اقتصادی بسیار مورد توجه کارشناسان نفت قرار گرفته است، از این گذشته، نفت اسرائیلی از نوع سبک می‌باشد که هزینه کمتری برای تصفیه دارد.

کمپانی نفت و گاز جینی (Genie Energy) سرمایه اولیه برای تحقیقات کشف و استخراج را تأمین کرده است. دو نفر از سهام‌داران این کمپانی یکی ژاکوب روس‌چایلد (Jacob Rothschild) بانک دار معروف، و دیگر روپرت مرداک (Rupert Murdoch) صاحب بسیاری از رسانه‌های دیدنی، شنیدنی، و خواندنی در سراسر جهان می‌باشد، که تمایل خود را برای سرمایه گذاری بیشتر در حوزه انرژی در اسرائیل نشان

برخوردار است که نه تنها به آب احتیاج ندارد بلکه آب از مشتقات جانبی جدا کردن نفت از سنگواره می‌باشد که برای کشور خشکی مثل اسرائیل نعمت است. دکتر وینگار با استفاده از مقاوم‌های الکتریکی در عمق ۳۰۰ متری زمین قادر خواهد بود که نفت را از سنگواره جدا سازد و استخراج کند. متدی که هیچ گونه اثر سوء جانبی بر محیط زیست ندارد.

طبق برآورد، هزینه استخراج یک بشکه نفت بدین طریق در حدود ۴۰ دلار تخمین زده شده که به مراتب از هزینه استخراج نفت از مناطق قطبی و یا از سواحل دریای شمال که ۶۰ دلار هزینه دارد کمتر است. در نتیجه، طریقی که دکتر

## Eden Memorial Park

ایدن مموریال پارک

818-326-4040



### همکیشان عزیز

در حدود سه هزار سال پیش اوراهام آوینو در زمان حیات برای خود و فرزندانش زمین آرامگاه خریداری کرد، چون می‌دانست که در مواقع غیرمنتظره و توأم با غم و اندوه، بازماندگان با فرصت کوتاهی که دارند نباید با شتاب و عجله تصمیم‌های مشکل‌بگیرند و این بار مسئولیت را عهده دار شوند. ما باید از اوراهام آوینو سرمشق بگیریم و برای آرامش خاطر بازماندگان خود از هم اکنون چاره‌اندیشی کنیم و با صبر و حوصله و با انتخاب خود و قیمت ارزانتر و شرایط اقساط خیلی آسان این زمین‌ها را قبلاً خریداری کنیم.

برنامه ریزی قبلی اینگونه مسائل نشانه عشق و علاقه ما به عزیزان ما است. برای اطلاعات بیشتر با آقای شان صداقتی مشاور فارسی زبان و صدیق و آگاه در ایدن مموریال پارک تماس بگیرید.

شان صداقتی

۸۱۸ - ۳۲۶ - ۴۰۴۰

## کشور اسرائیل از دیدگاه یک تاریخ نویس

ترجمه: ویولت ساسونی

کشور اسرائیل طی ۶۲ سال عمر خود  
بر کره زمین، تاریخ مفصل تری را از  
آنچه سایر کشورها در ۶۰۰ سال  
داشته‌اند، تجربه کرده است.

اندرو رابرتز - ۱۹ جولای ۲۰۱۰

«اندرو رابرتز»<sup>۱</sup> از کالج گانویل و کایس (Gonville & Caius) در کمبریج انگلستان به دریافت مقام افتخار درجه اول نائل گردید. جایی که به او عنوان افتخاری محقق با سابقه را داده‌اند. او می‌نویسد: «من مایلیم به عنوان یک تاریخ نویس با شما سخن بگویم زیرا به نظر من تاریخ کشور اسرائیل در ۶۲ سال موجودیتش بر کره زمین، مفصل تر از تاریخ بسیاری از کشورها در طول ۶۰۰ سال بوده است. درباره این کشور کوچک، تسلیم ناپذیر و شجاع به وسعت و یلزد، مسایل تعجب برانگیز بسیاری وجود دارد، ولی از همه حیرت انگیزتر، مسأله بقای اسرائیل است. همان روزی که این کشور جدید، تأسیس شد توسط پنج کشور عربی مورد حمله قرار گرفت و از همان زمان تا کنون برای حق حیات و بقای خود در تقلا بوده است. به همین دلیل ما امروز این جا هستیم تا «حق دفاع از خود» را که برای تمام کشورهای دنیا، اصلی پذیرفته شده است، برای اسرائیل تصریح نماییم.

از مراکش تا افغانستان و از دریای خزر تا عدن ۵۰۲۵ میلیون مایل مربع زمین متعلق به اتحادیه اعراب، محل زندگی ۳۳۰ میلیون عرب است. در حالی که اسرائیل فقط هشت هزار مایل مربع وسعت دارد و محل اقامت هفت میلیون

۱. کتاب معتبر اندرو رابرتز، «طوفان جنگ، یک تاریخ جدید از جنگ جهانی دوم» در آوریل ۲۰۱۰ منتشر گردید.

یک وضعیت پناهندگی همیشگی بنمایند و هر زمان اسرائیل راه حل‌های قابل انجام پیشنهاد نموده، اینان که نابودی اسرائیل را به بهبودی اوضاع فلسطینی‌ها ترجیح می‌دهند، مانع انجام آن شده‌اند. شاه عبدالله اول از اردن و انور سادات رییس جمهور مصر زمانی که خواستند با کشوری که حالا همه عقلا می‌دانند که ماندگار و پایدار است، همکاری‌هایی بنمایند، مورد سوء قصد قرار گرفتند.

وینستون چرچیل در سال ۱۹۲۰ نوشت: «ما به یهودیان سیستمی اخلاقی را مدیون هستیم که حتی اگر از تمام مسایل ماوراءالطبیعه جدا شود، به طور غیر قابل قیاس بزرگترین سرمایه بشر بوده و با افزایش تمامی خرد، معرفت و ثمره آموخته‌های بشری برابری کند.»

خدمات یهودیان به اقتصاد، علوم، رشته‌های مختلف هنر، فرهنگ، تجارت و صنعت، ادبیات، سیاست و عشق به همنوع در مقایسه با جمعیت اندک آنها بسیار حیرت انگیز است.

با این که تعداد آنها کمتر از نیم درصد جمعیت دنیاست، در بین سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۵۰ یهودیان ۱۴٪ تمام جوایز نوبل ادبیات و علوم را به خود اختصاص دادند. بین ۱۹۵۱ تا ۲۰۰۰ یهودیان ۳۲٪ جوایز نوبل پزشکی، ۳۲٪ جوایز فیزیک، ۳۹٪ برای اقتصاد و ۲۹٪ جوایز نوبل علوم را دریافت نموده‌اند. این ارقام بدون احتساب آن همه صاحبان استعدادها درخشانی است که در کوره‌های آدم سوزی نازیها از بین رفتند. تمدن بشری به یهودیت دینی دارد که هرگز نخواهد توانست آن را ادا کند و حمایت حق داشتن یک وطن برای یهودیان، حداقل کاری است که ما می‌توانیم انجام دهیم. با این حال ما در صحنه بین‌المللی با اسرائیل فقط به صرف دفاع از خود، مثل یک جذامی رفتار می‌کنیم. به خاطر ساختن یک دیوار جدا کننده، آن را تهدید به تحریم‌های فرهنگی می‌نماییم؛ دیواری که تا به حال تعداد بمب‌گذاری‌های انتحاری را در عرض سه سال ۹۵٪ کاهش داده است. این یک اهانت است که هیچ یک از

شهروند است که یک پنجم آنها نیز عرب می‌باشند. به این ترتیب یهودیان سرزمین مقدس در محاصره کشورهای متخاصمی قرار دارند که ۶۵۰ برابر وسعت اسرائیل و ۶۰ برابر جمعیت آن را دارند. با این وجود، کشور اسرائیل، آخرین و بهترین امید آنها برای خاتمه دو هزار سال آزارهای بین‌المللی، به نحوی جان سالم به در برده است. وقتی در زمان جنگ جهانی دوم، جزیره مالت سه سال وحشتناک بمباران و انهدام را پشت سر گذاشت، به حق به دریافت مدال شجاعت جورج نائل شد. امروز اسرائیل استحقاق گرفتن افتخار مشابهی را برای دفاع از دموکراسی، تحمل و ارزش‌های غربی در مقابل حملات مرگباری دارد که بیست برابر بیشتر به طول انجامیده است.

اورشلیم، مقر معبد سلیمان و هرود است. سنگ‌های قصری که توسط خود داوود پادشاه برپا شده بود را همچنان از اطراف دیوارهای اورشلیم از زیر زمین بیرون می‌آورند. تمام اصولی که برای به رسمیت شناختن یک کشور لازم هستند از جمله فداکاری تا پای جان، کشاورزی در خاک آن، دو هزار سال اقامت متوالی در آن و معاهدات بین‌المللی، بر حق موجودیت اسرائیل گواهی می‌دهند. با وجود این هنوز اتحادیه اعراب این حق را انکار می‌کند. برای بسیاری از حکومت‌های عرب که آن قدر ثروتمند هستند که می‌توانسته‌اند مشکل اقتصادی پناهندگان فلسطینی را ده‌ها سال پیش حل کنند، نگاه داشتن اسرائیل به عنوان یک گوسفند قربانی مفید بوده است تا بتوانند توجه مردم دنیا را از حکومت ظالمانه، شکست و فساد رژیم‌هایشان به سوی آن منحرف نمایند.

حقیقت دردناک این است که از کشورهای عربی برمی‌آید که فلسطینی‌ها را وادار به تحمل

اعضای ارشد خانواده سلطنتی انگلستان یک سفر رسمی به اسرائیل نداشته‌اند. گویی بعد از بیشتر از ۶۰ سال هنوز این کشور در قرنطینه است.

علیا حضرت ملکه ۵۷ سال است که بر تخت سلطنت نشسته است و در این مدت ۲۵۰ سفر رسمی به ۱۲۹ کشور داشته است، ولی هنوز پا در خاک اسرائیل نگذاشته است. او از ۱۴ کشور عربی بازدید نموده است بنابراین نمی‌شود گفت که در این منطقه نبوده است. گرچه مادر پرنس فیلیپ، پرنسس آلیس در مقبره Mount of Olives در اسرائیل مدفون است، چرا که یکی از غیر یهودیان نیکوکار نسبت به یهودیان بوده است، وزارت خارجه مقرر داشت که سفر او برای زیارت مقبره مادرش در سال ۱۹۹۴ فقط جنبه خصوصی داشته باشد. سفرهای سلطنتی یکی از راههای تأیید رسمیت ملت‌هاست و حکومت ائتلافی باید تحریم موجود وزارت خارجه را پایان دهد.

یهودیان بعد از هالوکاست پی بردند که باید کشور خود را داشته باشند، سرزمینی که در آن جا بتوانند برای همیشه از تکرار این فجایع در امان باشند. اعتماد به تمدن غرب دیگر نمی‌توانست کافی باشد. از آن زمان اسرائیل برای حفظ موجودیت خود، مجبور شد به پنج جنگ مهم دیگر تن در دهد. او در جنگ با ترور در خط مقدم جبهه بوده و دهها سال قبل از وقایع ۹/۱۱ و ۷/۷ جنگهای غربی‌ها را برای آنها

جنگیده است.

اسلام بنیادگرا هرگز مفهوم کشور اسرائیل را قبول نخواهد کرد. بنابراین احتمالاً کشمکش برای ۶۰ سال دیگر هم ادامه خواهد داشت ولی یهودیان می‌دانند که این خطر کمتر از آن است که برای حفظ امنیت خود به دیگران اعتماد کنند.

بسیاری اوقات در بریتانیا به خصوص زمانی که مکرراً با احساسات یک طرفه ضد اسرائیلی به صورت همه‌گیر در رسانه‌های آزادی‌خواه و BBC روبرو می‌شویم، از خود نمی‌پرسیم که اگر ما در موقعیت آنها می‌بودیم چه می‌کردیم؟

جمعیت ۶۳ میلیونی بریتانیا ۹ برابر جمعیت اسرائیل است. بگذارید یک نمونه‌ای از اتفاقی را در نظر بگیریم. در جولای سال ۲۰۰۶، حزب‌الله از مرز لبنان وارد اسرائیل شد، هشت نگهبان را کشت و دو نفر را گروگان گرفت و در آن تابستان ۴۰۰۰ موشک کاتیوشا به اسرائیل شلیک کرد و ۴۲ نفر دیگر را کشت. حال اگر ما آن ارقام را نه برابر بنماییم که معادل بریتانیایی آن را پیدا کنیم، فقط تصور کنید که ما چه می‌کردیم. اگر یک سازمان تروریستی که مقر آن به اندازه Calais به ما نزدیک بود، قرار بود ۳۶۰۰۰ موشک به Sussex و Kent شلیک کند و ۳۸۷ بریتانیایی را بکشد، پس از اینکه در یک شبیخون ۷۲ ارتشی بریتانیایی را کشته‌اند و ۱۸ نفر را با خود به گروگان برده‌اند، آن چه حکومت ما

برای محافظت و دفاع از اتباع بریتانیا در آن شرایط می‌کرد، مطلقاً حد و مرزی نداشت و کاملاً هم به حق بود. چرا از اسرائیل انتظار می‌رود به نحو متفاوتی عمل نماید؟

در جریان تحقیقات خود در مورد آخرین کتابم درباره جنگ جهانی دوم اخیراً از آشویتس برکنو بازدید کردم. در حالی که از کنار آلونکها و راه‌آهن رد می‌شدم، گروهی از بچه‌های مدرسه‌ای یهودی را دیدم که یکی از آنها پرچم اسرائیل را با ستاره داوود آبی بر زمینه سفید، بر شانه حمل می‌کرد، در همان محلی که اجداد آنها مجبور بودند کار کنند، گرسنگی بکشند، مورد ضرب و شتم قرار بگیرند، از سرما یخ بزنند و یا در اطاقهای گاز بمیرند.

صحنه‌ای عمیقاً تکان دهنده بود زیرا این پرچم، نمودار حکومتی مستقل بود که ضمانت می‌نمود این نسل کشتی سبانه که شش میلیون یهودی را در آتش آشویتس و کمپهای نظیر آن به کشتن داد، دیگر برای ملت یهود اتفاق نخواهد افتاد. ملتی که بقیه تمدن بشری بسیار به آن مدیون است.

در ابتدا گفتم به عنوان یک تاریخ نویس با شما صحبت می‌کنم، بنابراین من می‌گویم هیچ ملتی در تاریخ بیش از یهودیان اسرائیل به شناسایی و حق دفاع از خود نیاز نداشته است و این همان است که ما امروز در اینجا در "طرح دوستان اسرائیل" مطرح می‌نماییم.

### "پرده بردار"

|                                  |  |
|----------------------------------|--|
| تن رها کن ز حجاب قفس پیرهن       | پرده بردار ز تندیس بلورین تنت          |
| میهمان کن نگهم را به نمای بدنت   | من همه دیده تمنای زیارت دارم           |
| تار گیسوی سیه فام شکن در شکنت    | شاهد بخت من و قبله نمای رخ توست        |
| عطر سکرآوار مردافکن چون یاسمنت   | واکن آغوش که هوش از سرهشیار ربود       |
| تاکی آید بصدا ساز خوش در زدنت    | مجلس بزم مهیا و می کهنه بجام           |
| می کنم شمع شب افروز به هر انجمنت | گر نسوزانی‌ام از آتش بی مهری خویش      |
| دفتری نیست که پر نیست ز ناب سخنت | لحظه ای نیست که با یاد تو آ میخته نیست |
| چه نهان داشته‌ای در حرم پیرهن    | چشم من محرم و چشم دل زائر مشتاق        |
| راه بنمای به پیچ و خمک خویشتنت   | من سرگشته ره از چاه دگر نشناسم         |

جهانگیر صداقت فر

بخواه، یکباره چشمش به دلال صبح افتاد که شاد و شنگول به راه خود می‌رفت، مثل فنر از جا پرید و سر راه دلال را گرفت و گفت: دستم به دامنت بیا هر چی بخواهی بهت میدم، من اگر این گاو را نفروشم جایم توی طویله است. دلال گفت ای به چشم جناب آقای ملا نصرالدین، اگر شما اجازه بفرمایید من امشب شما را با جیب‌های پر پول می‌فرستم خونه نه با این گاو لاغر و مردنی.

دلال سکو مانندی را پیدا کرد بالای آن رفت و شروع به تعریف کردن از گاو ملا کرد، حالا نگو کی بگو، ایهاالناس این گاو را به لاغریش نگاه نکنید، لاغریش مال اینکه کم خرجه و فقط روزی یک من کاه و یونجه میخوره و آب فراوان، ولی در عوض هر صبح تا دلتون بخواد بهتون شیر میده، روزی ده من شیر میده فقط باید هر روز بدوشیدش که شیرش حروم نشه، این گاو سر یک سال صاحبش را میلیونر میکنه. کم کم جمعیت به دور دلال و گاو حلقه زدند و دلال هم شروع کرد به حراج آمریکائی. از صد تومن شروع کرد و گفت حالا هر که بالاتر قیمت بده گاو به اون میرسه.

رقابت برای تصاحب گاو داشت به اوج می‌رسید که یکمرتبه ملا که تحت تأثیر تبلیغات دلال و هیجان جمعیت حاضر واقع شده بود رفت بالای منبر و با خودش گفت چرا من سر یک سال میلیونر نشم و به همه آرزوهای خودم نرسم، طناب را از دست دلال کشید و رو به مردم کرد و گفت: بفرمایید برید پی کارتون این گاو فروشی نیست، این گاو را خودم نگه می‌دارم. هرچه دلال با آرنج به پهلوی ملا زد که ساکت باش، اصلاً حالیش نبود فقط برگشت به دلال گفت ما عجب گاوی داشتیم و خودمون خیر نداشتیم، طناب گاو را گرفت و به طرف خونه راه افتاد. همین که از میدان بیرون آمد و از شلوغی و پلوغی بازار فارغ شد. یک مرتبه به یاد حرف زنش افتاد و دلش هوری ریخت پایین که

دارائی و منبع درآمدش بود بفروشه چه جوری زندگی‌اش از اون پس می‌چرخه، تازه کی می‌آد این گاو لاغر و مردنی را از اون بخره، خلاصه مرتب از این دنده به آن دنده شد تا شب سر آمد. صبح اول وقت قبل از اینکه اهل بیت از خواب بیدار شوند، گاو را برداشت و برد بازار خر فروشان، البته در بازار خر فروشان گاو هم می‌فروختند، چون میان گاو و خر یک وجه مشترک بزرگ است هر دو نفهمند.



وارد بازار که شد دلالی کار کشته جلو آمد و پرسید: ملا گاوت را آوردی بفروشی؟ ملا جواب داد: بله. دلال پرسید: می‌خواهی برات بفروشم؟ ملا که از این سوال پنداری بهش برخورد گفت: مگه من چلاقم که تو گاو مرا بفروشی؟ دلال راهش را کشید و رفت. چند نفری که برای خرید به میدان آمده بودند یکی یکی از ملا پرسیدند: ملا چرا گاوت را می‌خواهی بفروشی؟ ملا هم می‌گفت: واله دروغ چرا دیشب که آمدم خونه... و ما وقع شب قبل را برایشان تعریف می‌کرد و طبیعی است که خریداران هم ضمن همدردی با ملا می‌گفتند، انشالله داغ و مرگ نباشد گاو بی‌خاصیت که چیز مهمی نیست و می‌رفتند. نزدیکهای غروب که ملا دیگه از فروش گاو ناامید شده بود و به این فکر می‌کرد که از امشب باید کنار این گاو و توی طویله

بعضی اوقات از این که داستان‌های ملا نصرالدین که متعلق به زمان عتیق و عهد بوق است هنوز در همین آمریکا و شهرهای بزرگش چون لس‌آنجلس و نیویورک مصداق پیدا می‌کند مات و مبهوت می‌شویم که در دهه دوم قرن بیست و یکم چنین چیزی چگونه ممکن است. داستان Business فروختن امیر خان و فرشته خانم به علت کساد بازار و خرج و دخل نکردن آن به وضوح این تشابه را با داستان ملا نصرالدین به نمایش می‌گذارد.

می‌گویند یک روز طرفهای غروب که ملا خسته و مانده به خانه برگشت، هنوز پالان را از پشت خرش برنداشته بود تا زبان بسته را به طویله بفرستد (در دنیای امروز: هنوز امیر خان ماشینشو در گاراژ خونه پارک نکرده بود و از ماشین پیاده نشده بود) که صدای غرولند زنش را شنید که: ملا، توی این خونه یا جای منه یا جای این گاو. فردا اگر این گاو را بردی و فروختی شب میایی خونه و الا فردا شب که تشریف می‌آوردی بفرمایید توی طویله پهلوی گاوتان بخوایید. (یا این کار و کاسبی را همین فردا می‌فروشی یا شب همان جا تو مغازه می‌خوابی خونه خبری نیست!) وقتی ملا پرسید: خانم جان مگه این گاو چه عیبی داره؟ جواب شنید که: بفرمایید چه عیبی نداره این گاو، اون گاو شیرده قدیم نیست، فعلاً روزی ده من کاه و یونجه می‌خوره و روزی یک من هم شیر نمیده. این گاو به چه درد ما می‌خوره؟ به جز ضرر استفاده دیگری نداره.

ملا که سنبه را خیلی پر زور دید التماس کنان گفت: «بگذار صبح بشه بالاخره یک فکری به حالش می‌کنم.» ملا اونشب را تا صبح نخوابید همش در فکر گاوش بود، اگر فردا اونو که تنها

۱. نگویند بخت آن که دروغ‌های خودش را هم باور کند. (اغلب ما با وجود این که واقعیت‌های زندگی را چون روز روشن می‌بینیم ولی عادت داریم خود را گول بزنیم و به خود دروغ بگوییم و پس از چندی آن را باور کنیم.)

۲. آقایون قبل از اینکه کار بفروش گاو تون برسد حرف خانم‌هایتان را گوش کنید و همش ادعا نکنید که این خانم خونه است از کار و کاسی که اطلاعی نداره.

۳. خانم‌ها اگر قراره گاو تون را بفروشید لطفاً شما هم با آقایون تشریف ببرید میدان تا آقایون گول تبلیغات دروغ را نخوره، لطفاً از صبح تا شب هم فقط دستور صادر نکنید تشریف ببرید بازار ببینید یک من ماست چقدر کره داره!

خلاص شوی و هم از دست این گاوا!

زن ملا که از این شوخی بی‌مزه، اصلاً خوشش نیامده بود گفت: آخه ملا کدام ابلهی بابت تو پولی به کسی میده که من تو را بفروشم تو که مال و مکنت و دارایی نیستی که کسی تو را بخره تو بدهکاری هستی، گرفتاری هستی خدایا چه جوری بگم؟

ملا که انگار حب هوش و ذکاوت خورده بود گفت بیا و یک کاری بکن. تو هم مثل حراج این فروشگاه‌های بزرگ آمریکا بگو این گاوا را بخرید این خر هم باهاش مجانی می‌آد.

این جوری از دست هر دو تامون خلاص میشی و یک پولی هم بدست تو می‌آد. فرشته خانم (زن ملا) گفت: فعلاً امشب را هم بگیر بخواب تا فردا تکلیفمو با تو روشن کنم!

نتیجه اخلاقی:

ای داد و بیداد این چکاری بود که من کردم، غرق در افکار پریشان و پشیمان از کرده خویش، ناگهان فکری به نظرش رسید و طناب را از گردن گاو باز کرد و بست به گردن خودش و چون گاو راه خونه را بهتر از خودش بلد بود به دنبال گاو راه افتاد تا به خونه رسید، عیال مربوطه تا چشمش به گاو افتاد نعره زد که: تو که دوباره این گاو را برداشتی آوردی خونه مگه امروز نرفتی این گاو رو بفروشی، پس چی شد؟

ملا گفت: عزیزم بیخودی خودتو ناراحت نکن، من گول تبلیغات دروغ این دلاله را خوردم و تو راه برگشت هم که می‌آدمم به خیریت خودم پی بردم به همین جهت هم طناب را از گردن گاو باز کردم و به گردن خودم بستم تا تو فردا مرا ببری به عنوان الاغ تو همان میدان خر فروشان با گاو یکجا بفروشی تا هم از دست من

مراقب بینایی خود باشید

Complete Eye Exam For All Ages  
LASIK / PRK Consultation And Surgery

Repair Of Retinal Tear, Treatment Of  
Diabetic Retinopathy And Glaucoma With Laser

Cataract And Glaucoma Surgery  
With The Newest Techniques  
Eyelid Surgery And Botox Injections

FREE CONSULTATION FOR LASIK SURGERY



JOSEPH KERENDIAN, M.D.  
American Board of Ophthalmology (ABO)  
Graduate of USC school of medicine

NORTHRIDGE (818) 832-5551  
BEVERLY HILLS (310) 360-0152

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود



الجزیره زندگی می‌کردند از نواده‌های طوایف "جروا" هستند که موفق شدند در کوهستان‌های اطلس یهودیت را حفظ کنند. فقط چند قبیله کوچک بربر که در بیابان‌های دورافتاده در کشورهای مالی و نیجریه زندگی می‌کنند هنوز آداب و رسوم و حتی مذهب خود را از دوران قبل از اسلام حفظ کرده‌اند.

### دزدان دریایی

در دو سال اخیر دزدان دریایی از کشور سومالی صدها کشتی کوچک و بزرگ را در آبهای دریای هند دزدیده، امنیت راه‌های دریایی را به خطر انداخته‌اند. ولی این پدیده‌ای تازه نیست و در قرون هجدهم و نوزدهم دزدی دریایی یکی از راه‌های امرار معاش متداول برای برخی از بربرهای ساکن در کشورهای شمال آفریقا بود. این دزدان از کشورهای شمال آفریقا بطور آشکار و علنی و تحت حمایت دولت‌های



ملکه کاهینا



یک زن "بربر"

طبق روایات مختلف در آن زمان رهبری قبایل بربر را زنی بنام "کاهینا" یا ملکه "کاهینا" به عهده داشت و آن قبایل در نوعی خود مختاری، در وضع صلح توأم با درگیری‌های گاه به گاه با بیزانتی‌ها زندگی می‌کردند. در اسناد مختلف این زن به نامهای "الکهنینا" "دهییا" و یا "دهیا" هم ذکر شده. طبق انسیکلوپدیای جوداییکا، نام کاهینا از کلمه کهن آمده و احتمال دارد که او از طایفه کهنیم بوده و یا اینکه این لقب بواسطه مقام والای او به او داده شده بوده.

با هجوم اعراب به آن مناطق، بربرها به رهبری ملکه کاهینا، به آنان حمله نموده و آنها را مغلوب و تا مصر به عقب راندند. ولی ده سال بعد اعراب بار دیگر هجوم آوردند و قبایل بربر را شکست داده این بار به طور کامل بر شمال آفریقا مسلط شدند.

یکی از مورخان عرب از قرن چهاردهم به نام "ابن خالدون" هم می‌نویسد که کاهینا از قبیله‌ای یهودی به نام "جروا" بوده که در کوههای "اورس" بین تونس و الجزیره زندگی می‌کرده. در همین حال تاریخ نویسان دیگری معتقدند که کاهینا یهودی نبوده است. به هر نحو این موضوع به طور کامل روشن نیست.

ابن خالدون اضافه می‌کند که اعراب به بربرها اجازه دادند که به شیوه زندگی خود ادامه دهند ولی آنان بارها طغیان نمودند تا اینکه از دوران امپراطوری "موسی ابن نصیر" به بعد به تدریج به اسلام گرویدند و زبان عربی را به عنوان زبان دوم خود پذیرفتند. از آن هنگام به تدریج مسیحیت در این مناطق از بین رفت و می‌توان احتمال داد که یهودیانی که تا چندی پیش در کشورهای لیبی، مراکش، تونس و

در چند ماه گذشته حوادث کشورهای تونس، مصر و لیبی در شمال آفریقا در رأس خبرها قرار داشت و توجه جهانیان را به خود جلب نمود. به این جهت شاید جالب باشد که نگاهی کوتاه به گذشته ساکنان کشورهای شمال آفریقا و تاریخ آنان بیافکنیم.

در بیابان‌ها و کوهستان‌های شمال آفریقا در مناطقی که امروزه کشورهای لیبی، الجزیره، تونس، مراکش، نیجریه، مالی و موریتانی قرار دارند قبایل چادرنشینی به نام "بربر" (Berber) زندگی می‌کردند که قدیمی‌ترین ساکنان بومی شمال آفریقا محسوب می‌شوند. این قبایل در طول قرن‌ها زیر تسلط اقوام دیگر مانند فنیقی‌ها رومی‌ها، واندال‌ها، بیزانتی‌ها، اعراب و عثمانیان قرار داشتند. اکثر این قبایل دارای آداب و رسوم و زبان مشترکی بودند و با این که برخی از آنان به مسیحیت گرویده بودند برخی یهودی بودند و دیگران بت پرست.

"بربر" از کلمه رومی "بارباری" به معنی وحشی آمده که رومی‌ها آن نام را بر روی آن قبایل گذاشته بودند.

مهمترین مرکز تجاری و فرهنگی آن زمان شهر "کارتاگو" بود که توسط فنیقی‌ها در حدود ۳۰۰۰ سال قبل پایه‌گذاری شده بود.

### حمله اعراب به شمال آفریقا

پس از ظهور حضرت محمد، اعراب بر بسیاری از کشورهای خاورمیانه و آفریقا مسلط شدند. آنان در سال‌های ۶۳۵-۶۴۰ میلادی عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و مصر و در سالهای ۶۳۷-۶۴۳ میلادی ایران را تصرف کردند و پس از آن به مناطق شمال آفریقا حمله‌ور شده، بیزانتی‌ها را که بر آن مناطق تسلط داشتند مغلوب نمودند.

منطقه‌ای در خارج از آمریکا در پی جنگ به اهتزاز در آمد. سیاستمداران آمریکا بدون در نظر گرفتن این پیروزی قرار داد صلحی را با لیبی امضا کردند که طبق آن در قبال آزاد نمودن ۱۰۰ اسیر لیبی و پرداخت ۶۰,۰۰۰ دلار، لیبی ۵۰۰ ملوان آمریکایی را آزاد کرد. فعالیت دزدان دریایی در این مناطق در سالهای بعد هم ادامه داشت تا اینکه بالاخره با مداخله نیروی دریایی آمریکا این وضع به پایان رسید.

امروز پس از قریب به ۲۰۰ سال از تارومار نمودن دزدان دریایی در لیبی و مناطق اطراف، بار دیگر آمریکا با لیبی دست و پنجه نرم می‌کند.

## سالن نعمان

در فدراسیون یهودیان ایرانی  
با گنجایش ۴۵۰ نفر  
مکانی استثنائی و باشکوه  
برای برگزاری مراسم و جشنهای شما





برای کسب اطلاعات بیشتر  
با خانم ایرما اسمیت  
با تلفن ۲۱۴۲ - ۶۵۶ (۳۲۲۳)  
تماس حاصل فرمائید.

برده نمود و هر مسلمانی که در این راه شهید شود به بهشت خواهد رفت. او همچنین اضافه نمود که هر مسلمانی که اول وارد کشتی کفار شود یک برده بیشتر از دیگران به او تعلق خواهد گرفت.

جفرسون در گزارش خود به وزارت امور خارجه اظهار عقیده نمود که این دزدان با همکاری کامل دولت خود کشتی‌ها را می‌ربایند و پرداخت باج آنان را پر روتر خواهد نمود و لذا نباید هیچ باجی به آنان پرداخت. ولی جون آدامز به این عقیده بود که تا هنگامی که آمریکا فاقد نیروی دریایی است باید باج را پرداخت.

دولت آمریکا عقیده جفرسون را پذیرفت و ممانعت از پرداخت باج باعث شد که سرنشینان آن کشتی‌ها مدت ۱۰ سال در اسارت دزدان در لیبی بمانند و فقط در سال ۱۷۹۵ پس از امضای قرارداد و پرداخت یک میلیون دلار باج که مبلغ بسیار هنگفتی بود ۱۱۵ ملوان آمریکایی آزاد گردیدند. در سالهای بعد هم آمریکا سالانه به پرداخت باج ادامه داد و در سال ۱۸۰۰ نیروی Marines را برای حفظ کشتی‌های آمریکا برپا نمود. یک سال بعد جفرسون به ریاست‌جمهوری انتخاب شد و در همان سال دزدان لیبی از آمریکا تقاضای ۲۲۵,۰۰۰ دلار باج نمودند. در جواب آمریکا کشتی‌های جنگی خود را برای مقابله با آنان به لیبی فرستاد و در درگیری با دزدان یکی از کشتی‌های آمریکایی به دست آنها افتاد و سرنشینان آن اسیر شدند. در فوریه سال ۱۸۰۴ یک گروه از سربازان آمریکایی به فرماندهی یک افسر به نام Decatur به کشتی شیبخون زدند و اسیران را آزاد نمودند و تا امروز او یکی از قهرمانان نیروی دریایی آمریکا محسوب می‌شود.

در سال ۱۸۰۵ پس از به اسارت افتادن صدها ملوان آمریکایی ۵۰۰ سرباز به فرماندهی William Eton از طریق مصر بیابان را به سوی لیبی طی نمودند و شهر درنا در لیبی را تصرف و پرچم آمریکا را در آن به اهتزاز در آوردند.

**این اولین مرتبه‌ای بود که پرچم آمریکا در**

آن مناطق به کشتی‌های تجارتی اروپایی و آمریکایی حمله می‌کردند، آنان را ربوده، اموالشان را غارت می‌نمودند و سپس برای جان سرنشینان آنان مبالغ هنگفتی را تقاضا می‌کردند. فعالیت این دزدان به قدری رونق داشت که کلیسای کاتولیک در آن زمان صندوق مخصوصی را برای باز خرید جان سرنشینان مسیحی کشتی‌ها ایجاد نموده بود.

در سال ۱۷۷۵ در قراردادی که بین دولت فرانسه و آمریکا امضا شد، دولت فرانسه متعهد شد که از کشتی‌های تجاری آمریکا در سواحل آفریقا در مقابل حملات بربرهای عرب حفاظت کند. این قرار داد در سال ۱۷۸۳ پایان یافت و در سال ۱۷۸۴ دزدان دریایی یک کشتی آمریکایی بنام Betsey را ربودند. آن کشتی پس از مداخله دولت اسپانیا و پرداخت باج آزاد گردید. پس از این ماجرا دولت اسپانیا پیشنهاد کرد که آمریکا سالانه مبلغی باج به بربرها بپردازد تا کشتی‌هایش در امان باشند. دولت آمریکا نماینده‌ای را به مراکش فرستاد و در قراردادی که بین دو کشور امضا شد مقرر گردید که دولت مراکش در قبال دریافت مبالغی از کشتی‌های آمریکایی مراقبت کند. کوشش برای امضای قرارداد مشابهی با دولت‌های دیگر بی‌نتیجه ماند و در سال ۱۷۸۵ چهار کشتی آمریکایی ربوده شدند و دزدان تقاضای ۶۰۰,۰۰۰ دلار باج نمودند. (در آن سال تمام بودجه آمریکا برای مبارزه با دزدان دریایی ۴۰,۰۰۰ دلار بود).

### مذاکرات آمریکا و لیبی

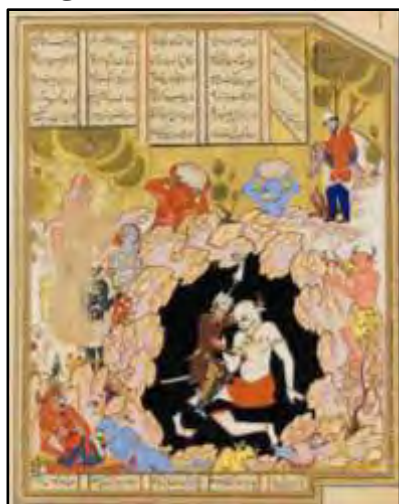
دولت آمریکا توماس جفرسون و جون آدامز را (که بعدها هر دو به ریاست‌جمهوری آمریکا رسیدند) به لندن فرستاد تا با سید حاج عبدالرحمان نماینده دولت لیبی در انگلستان درباره آزادی کشتی‌ها و ملاحان آنان مذاکره کنند. عبدالرحمان به آنان پاسخ داد که طبق فرمان قرآن هر امتی که به اسلام نگراید کافر محسوب می‌شود و وظیفه آن است که آنان را

# سیر تاریخی شکوفایی آثار فارسیهود

## ادوار و سبک‌های شعر فارسی

مقاله دوازدهم: دکتر ناهید پیرنظر

تقسیم می‌شود که از آن جمله عبارتند از:  
۱) حماسه‌های اسطوره‌ای مانند کتاب اول شاهنامه فردوسی، که از آغاز دوره پیشدادیان، یعنی کیومرث، اولین بشر اوستایی تا فریدون، ششمین پادشاه آن سلسله را در برمی‌گیرد.



سبک حماسی

نمونه‌ای از تصاویر مربوط به حماسه‌های اسطوره‌ای شاهنامه

۲) حماسه‌های پهلوانی و اسطوره‌ای، مانند کتاب

دوم شاهنامه فردوسی، که دوره پسران فریدون تا بهمن از سلسله کیانیان را شامل می‌شود.

۳) حماسه‌های پهلوانی و تاریخی، مانند کتاب سوم شاهنامه فردوسی، که دوره بهمن تا حمله اسکندر مقدونی را بازگو می‌کند.

۴) حماسه‌های تاریخی، مانند کتاب چهارم شاهنامه که تاریخ واقعی را از حمله اسکندر تا حمله اعراب به نظم آورده است.

۵) حماسه‌های مذهبی، مانند قسمت اول کتاب ظفرنامه حمداله مستوفی (در قرن چهاردهم) که در آن تاریخ اسلام و حضرت محمد به رشته نظم در آمده است.

۲- سبک غنایی یا عراقی: سبک غنایی (lyric) برعکس سبک حماسی، گویای حال و احساس شاعر است و بیشتر جنبه توصیفی دارد و اکثراً به فرم قطعه، دوبیتی، رباعی، مثنوی، قصیده و غزل که خود قسمت مقدماتی قصیده است، سروده می‌شود. این سبک خود به دو گروه احساسی و عرفانی تقسیم می‌شود. از نمونه‌های بزرگ این سبک (در قرون سیزده تا پانزده میلادی) عبارتند از:

۱) در زمینه احساسی رباعی‌های خیام (در قرن یازده تا دوازده)، داستان‌سرایی‌های

جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵ (۱۳۲۰ خورشیدی).

ه. دوران نیمه دوم قرن بیستم تا زمان حال.

رشد و تکامل سبک‌های شعر کلاسیک

تقسیم‌بندیها و نامهای این سبک‌ها صرفاً به منزله آغاز آنها در آن دوران بوده، اکثراً در دوره‌های بعدی نیز حضور داشته‌اند. این سبک‌ها به ترتیب عبارتند از سبک خراسانی با دو شاخه درباری و حماسی؛ سبک غنایی با دو شاخه احساسی و عرفانی؛ سبک پند و اندرز؛ سبک طنز و انتقاد سبک هندی یا اصفهانی.

۱- سبک خراسانی که خود به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف: سبک درباری: سبک درباری و مدیحه سرایی (court poetry) این سبک به علت حمایت و زندگی شعرا در دربار پادشاهان خراسان، سبک فاخر نیز نام گرفته است. دوران شکوفایی آن از قرن دهم تا دوازدهم میلادی، یعنی دوران سامانیان و غزنویان می‌باشد. از مشخصات سبک فاخر خراسانی، مدیحه‌سرایی و توصیف طبیعت است. اشعار این سبک اکثراً به فرم قطعه قصیده و مثنوی سروده می‌شوند. نمونه‌های اولیه این سبک قطعات و چند قصیده رودکی (در قرن دهم میلادی) و قاصید فرخی سیستانی، عسجدی منوچهری در قرن یازدهم میلادی می‌باشند.

ب: سبک حماسی: سبک حماسی (epic)، نظمی است که در آن شاعر هیچ‌گونه دخالتی ندارد و فقط داستانی را از زمانهای نامعلوم و دور، به منظور ضبط در تاریخ برای نسل‌های آینده بازگو می‌کند. موضوع آن زندگی پادشاهان، رهبران جنگ‌ها، و وقایع اسطوره‌ای، پهلوانی و تاریخی است. از نظر فرم شعری، به صورت مثنوی و در اوزان مخصوصی گفته می‌شود. بزرگترین شاعر حماسی ایران فردوسی است که در قرون دهم و یازدهم میلادی (۴۱۱-۳۲۹ هجری) می‌زیسته است. سبک حماسی، خود به چند نوع

شعر فارسی را از نظر فرم و نوع مفاهیم متون بر خلاف موقعیت جغرافیایی از نظر زمانی به چند دوران تقسیم نموده‌اند. این ادوار که مراحل رشد و تکامل شعر فارسی را نشان می‌دهند، بنا به اقتضای زمان، فرم و مفاهیم یا سبک‌های (genre) مخصوصی را شامل می‌باشند ولی این امر به هیچ وجه دلیل بر آن نیست که آن نوع فرم و سبک شعری در دوران دیگر مورد استفاده قرار نگرفته باشند. گاهی نیز ممکن است یک فرم یا سبک در ابتدا به محل جغرافیای خاصی نسبت داده شود ولی بعد از گذشت زمان در سراسر ایران بزرگ به کار رفته باشد. رشد و تکامل شعر فارسی از نظر زمانی به دو دوره تقسیم می‌شود:

دوره شعر کلاسیک: که قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری) تا زمان حال را در برمی‌گیرد.

دوره شعر نو: که بعد از جنگ جهانی اول تا زمان حال را شامل می‌گردد. این دوره، دوره انقلاب در روند رشد و تکامل شعر کلاسیک بود که منجر به تغییر فرم و مفاهیم ادبی گردید.

### شعر کلاسیک فارسی

دوره شعر کلاسیک فارسی خود به پنج دوره تقسیم می‌شود:

أ. قرون نهم تا دوازده میلادی (قرون چهارم تا ششم هجری)

ب. قرون سیزده تا پانزده میلادی (قرون هفتم تا دهم هجری)

ج. قرون شانزده تا هجده میلادی (قرون یازده تا سیزده هجری)

د. اواسط قرن هجده تا اواسط قرن بیستم میلادی (قرون سیزده تا چهارده هجری) که دوران بازگشت ادبی نامیده می‌شود. دوره بازگشت ادبی خود به دو دور زیر تقسیم می‌شود:

۱. قبل از انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ میلادی (۱۲۸۴ خورشیدی، ۱۳۲۴ قمری)

۲. دوره بعد از انقلاب مشروطه، تا پایان

عاشقانهٔ خمسهٔ نظامی به صورت مثنوی (در قرن دوازدهم) و غزلیات سعدی (در قرن سیزدهم) و مثنوی هفت اورنگ جامی (در قرن پانزدهم) است.



سبک غنایی عرفانی

نمونه‌ای از تصاویر مربوط به اشعار عرفانی منطق الطیر عطار نیشابوری

۲) در زمینه عرفانی می‌توان از مثنوی منطق الطیر عطار (در قرن سیزدهم)، داستانهای مثنوی و غزلیات مولوی (قرن سیزدهم میلادی) و غزلیات حافظ (در قرن چهاردهم) نام برد.

۳- سبک پند و اندرز: سبک پند و اندرز (didactic) خود در فرهنگ ایرانی فراوان و در بسیاری از مواقع در اشعار دو سبک خراسانی و عرفانی و یا در ترکیبی از هر دوی آنها و گاهگاهی هم در میان اشعار حماسی دیده می‌شود. اشعار پند و اندرز، اکثراً بصورت قطعه، قصیده و مثنوی سروده شده‌اند و بزرگترین نمونه‌های این سبک عبارتند از: مثنوی‌های عرفانی حدیقه الاسرار سنائی (در قرن دوازدهم) و مخزن الاسرار نظامی (قرن دوازدهم)، منطق الطیر عطار (قرن سیزدهم) و داستانهای مثنوی مولوی (قرن سیزدهم میلادی) و مثنوی غیر عرفانی، بوستان سعدی (قرن سیزدهم) است.

۴- سبک طنز و انتقاد: سبک طنز و انتقاد (satire) که مخلوطی از کمدی و انتقاد است و اکثراً به زبان مردم عادی گفته شده، اشکالات و نکات ضعف جامعه را مطرح می‌سازد. این اشعار اکثراً به صورت مثنوی، قصیده و قطعه و غزل سروده شده‌اند. از نمونه‌های معروف آن مثنوی موش گریهٔ عبید زاکانی (در قرن چهاردهم میلادی)، و بعضی از غزلیات حافظ (در قرن چهاردهم) است.

۵- سبک هندی یا اصفهان: سبک هندی یا اصفهانی که شامل اشعار غنایی دوران صفویه و بعد از آن است (قرون پانزده تا هجده میلادی) از لحاظ صنایع بدیع و مفاهیم ذهنی تکراری و فرسوده است و شاعر خود را در مفاهیم بسیار پیچیده و دور از ذهن مقید می‌سازد. غزل‌های صائب تبریزی و کلیم کاشانی (در قرن هفدهم میلادی) و یا انواع اشعار عبدالقادر بیدل (اواخر قرن هفده و اوایل قرن هجده) از نمونه‌های سبک هندی با مضامین پیچیده و استعارات و کنایات در هم در آمیخته می‌باشند.



سبک غنایی احساسی

تصویری از مثنوی عاشقانه خمسهٔ نظامی به نام، دیدار خسرو و شیرین

### نظم فارسی در دوران بازگشت ادبی و دوران بعد از جنگ جهانی دوم:

بعد از سبک پیچیدهٔ هندی یا اصفهان، شعرای اشعار کلاسیک دورهٔ بازگشت ادبی، به ساده‌گویی روی آوردند و اشعار خود را در فرم‌های گوناگون، به سبک‌های قدیم از جمله سبک‌های خراسانی، عراقی، پند و اندرز و یا طنز و انتقاد سرودند. از نمونه سبک‌های دوره بازگشت، اشعار پندآمیز پروین اعتصامی، به صورت مثنوی و غزل‌های سیاسی محمد تقی بهار (ملک الشعرا) به سبک خراسانی و اشعار طنزآمیز ایرج میرزا، به هنگام انقلاب مشروطه است.

از بعد از جنگ جهانی دوم شعرای نظم کلاسیک علاوه بر اینکه از نظر فرم به راه خود ادامه دادند، بلکه سعی کردند با ارائه مطالب و مضمون‌های جدید هوای تازه‌ای به آن ببخشند. نمونهٔ این دسته از شعرا سیمین بهبهانی و نادر نادرپور هستند که در قالب شعر کلاسیک با ابتکار در مضامین و مفاهیم و واژه‌های نو به شعر کلاسیک

روحي تازه بخشیدند.

### پیدایش شعر نو

از بعد از جنگ جهانی اول، دگرگونی بسیاری به نام شعر نو در تاریخ نظم ایران به وجود آمد. این دگرگونی با اشعار نیما یوشیج (۱۹۶۰-۱۸۹۷) پدر شعر نو آغاز شد. او که خود در گمنامی زیست، پیروانش، پس از او، پایه‌های شعر کلاسیک را شدیداً تکان داده، تمام مفاهیم، اشارات و کنایات ادب قدیم را کنار گذاشته هر یک به سهم خود بر آن تغییری افزودند. نیما معتقد بود که وزن و قافیه شاعر را در بیان مضامین محدود می‌کند. او برای راه حل به این مسأله سه پیشنهاد می‌کند که به ترتیب عبارتند از:

۱. بر انداختن قاعدهٔ تساوی طولی مصراع‌ها.
۲. در هم انداختن اوزان شعری متجانس، بر خلاف ترکیب‌های متداول، به منظور پدید آوردن تنوع.
۳. جایجا کردن قافیه‌ها به منظور ایجاد تداعی در هر قطعه شعر.

پیروان نیما سه دسته بودند که به ترتیب عبارتند از:

۱. گروهی که پیشنهادات نیما را مو به مو اجرا می‌کردند مانند منوچهر شیبانی و احمد شاملو.
۲. گروهی که پیشنهادات نیما را قبول کرده، ولی هر کدام شیوهٔ بیانی، در خور سلیقهٔ خود برگزیدند مانند مهدی اخوان ثالث، هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری و نادر نادرپور که به هر دو نوع شعر کلاسیک و نو شعر گفته است.
۳. گروهی که بعد از قبول پیشنهادات نیما، از حدود او قدم فراتر نهادند، مانند سهراب سپهری و فروغ فرخزاد.
۴. کسانی که اصلاً وزن و قافیه را مطلقاً رعایت نمی‌کنند.

شعر فارسی بعد از انقلاب: در حال حاضر شعرای ایرانی کلاسیک و شعرای نوپرداز علاوه بر سبک و فرم شعری، به دو گروه برون‌مرزی و درون‌مرزی تقسیم می‌شوند. به استثنای سیمین بهبهانی که در ایران زندگی می‌کند، آنچه که این دو گروه را از هم جا می‌سازد، آزادگویی شعرای برون‌مرزی و خفقانی است که بر شعرای درون‌مرزی بخصوص در مضامین سیاسی و آزادی حکم فرماست.

ادامه دارد...

# بررسی "عشق خشونت‌زا" در فرهنگ ایرانی

مژگان کاهن - روان‌شناس

مشکل می‌شود. زیرا آدم‌های واقعی در زندگی واقعی اغلب دارای "خواسته‌ها و توقعاتی" از یک رابطه هستند. اضافه بر این که دوست داشتن کسی که در "دیدن" دیگران ناتوان است آسان نیست. (مگر این که فرد دچار تمایلات خودآزارانه باشد.)

ذکر این نکته مهم است که بچه‌ها در رابطه با والدینشان باید بیاموزند که به خواسته‌های آنها نیز اهمیت دهند و همیشه پدر و مادر نیستند که باید خود را با او منطبق کنند. این آموزش به کودک دوجانبه بودن روابط انسانی را می‌آموزد. در غیر این صورت حتی قابلیت زیر سؤال بردن خود نیز برای فرد غیر ممکن می‌شود. زیرا که لازمه زیر سؤال بردن خود خروج از خود مرکزی و وارد شدن به دنیای این "دیگری متفاوت" است. زیرا ما انسان‌ها تنها با وارد شدن به دنیای دیگری و فهم او به‌عنوان موجودی که می‌تواند حس کند، رنج ببرد و خواسته‌هایش را داشته باشد است که می‌توانیم "خودمان" و "نیازهایمان" را به‌طور نسبی نگاه کنیم و آنها را زیر سؤال ببریم. اما زمانی که این قابلیت در ما ایجاد نشده باشد، در مقابل هر مشکلی در رابطه، بدون لحظه‌ای درنگ دیگری را محکوم می‌کنیم.

در حقیقت یکی از خصوصیات در این نوع "عشق از جان گذشته به فرزند" توجه افراطی به اوست. می‌بینیم خواسته‌های کوچک و بزرگ کودک حتی گاهی قبل از ابرازش برآورده می‌شود. نتیجه این توجه افراطی در آینده‌ی فرد به این شکل خواهد بود که او به هیچ‌وجه تحمل هیچ نوع شکست و یا سرخوردگی را در زندگی نخواهد داشت. زیرا تصویری که از خودش به او داده شده علاءالدینی با چراغی جادویی است که با یک چشم به هم زدن تمام آرزوهایش برآورده می‌شود. دنیا برای این فرد به‌عنوان دنیایی بی‌رحم تجربه خواهد شد زیرا تصور نمی‌کرده است دنیای واقعی این‌قدر با دنیای کودکیش متفاوت باشد. این که دیگر مرکز جهان نیست و تنها جزئی از اجزای آن است و روابط علت و معلولی و حتی قضا و قدر می‌توانند گاهی باعث شوند

که شاید شوک‌آورترین‌شان اقدام به ضرب و شتم همین مادرهای همیشه فداکار توسط فرزند است.

باید توجه داشت که این نوع "دوست داشته شدن" انسان را از همان سال‌های اولیه زندگی در نوعی "خودمرکزی" غرق می‌کند که در آن دنیای فرد به نیازهای خودش محدود می‌شود و "دیگری" برایش تنها ابزاری برای برآورده شدن این نیازهاست. نتیجه این می‌شود که لمس و حس این "دیگری" برایش سخت و حتی غیر ممکن و "رابطه" برای او به "یک سری انتظارات از این دیگری" خلاصه می‌شود. به نوعی فردی که در چنین فضایی رشد می‌کند در زندان درونش محبوس می‌ماند. زیرا امکانی برای وارد



شدن به دنیای اطرافیان را ندارد. می‌توانیم بگوییم مادری که تنها خود را قربانی فرزندش می‌کند تصویری تکه‌پاره شده از عشق را به بچه‌اش انتقال می‌دهد. تصویری که در آن عشق به "دوست داشته شدن" خلاصه می‌شود. یکی از نتایج این نوع عشق مادرانه این می‌تواند باشد که فرد بالغ گرفتار "زندگی عاطفی تهی" شود. زیرا نه تنها قابلیت عشق‌ورزی به دیگری را آن‌چنان که باید ندارد، بلکه چون یافتن عشقی بی‌قید و شرط از گونه‌ای که مادرش به او عطا می‌کرده است بسیار مشکل می‌باشد، نتیجه این می‌شود که برقراری پیوند عاطفی و یا حفظ آن برایش

عشق در فرهنگ ما جایگاه خاص خود را دارد. هدف من در این مقاله بررسی نوعی "دوست داشتن" است که مشخصاً در فرهنگ ما ظهور آشکاری داشته است؛ عشقی که به عاشق جایگاه قربانی را می‌دهد و او را در این "از خود گذشتگی" شدیداً ارزش‌گذاری می‌کند. نمونه بارز این ارزش‌گذاری، در عشق مادر به فرزند تجلی پیدا می‌کند. این عشق به فرزند، مادر را در جایگاهی قرار می‌دهد که از تمام خواسته‌ها و نیازهایش چشم می‌پوشد و خود را در نیازهای فرزندش ذوب می‌کند. در مقابل "مادر فداکار"، مادری که گاهی بر خواسته‌های خود ارجحیت قابل شود به‌عنوان "مادری خودخواه" تلقی می‌شود.

این که تمام روان‌شناسان بر اهمیت عاطفه و توجه بر رشد کودکان صحه می‌گذارند تردیدی نیست. اما باید یادآور شد این نوع عشق‌ورزی که در آن مادر فداکار و از خود گذشته تمام نیازهایش را فدای خواسته‌های فرزند می‌کند نیز نتایج چندان مثبتی نه تنها برای مادر بلکه برای فرزند نیز نخواهد داشت. در این مقاله من سعی خواهم کرد به اجمال نشان دهم که چگونه فرزند می‌تواند در این نوع رابطه قرار می‌گیرد می‌تواند در رابطه‌های آینده‌اش و نیز رابطه‌اش با دنیا، مشکلات جدی پیدا کند. از جمله بروز خشونت در رفتار. هر چند ما همیشه عادت داشته‌ایم بشنویم که از خودگذشتگی‌های اطرافیان باعث شکوفایی فرزند می‌شود ولی مشاهدات روان‌شناسان در رابطه با مراجعانی که به دلایل اقدام به خشونت و یا دیگر مشکلات پیچیده ارتباطی مراجعه می‌کنند بیانگر این است که چگونه در خانواده‌های که به اصطلاح ما ایرانی‌ها نگذاشته‌اند "آب در دل فرزندشان تکان بخورد" شاهد بروز رفتارهای پاتولوژیک هستیم

که او به خواسته‌هایش نایل نگردد، می‌تواند وجود او را مملو از اندوه و نفرت کند. در این راستاست که روان‌شناسان بر این باورند که برآورده کردن تمام خواسته‌های کودک و بسیج تمام عوامل بیرونی و درونی برای این که فرزند ما به آنچه می‌خواهد دست یابد، مانعی است برای رشد صحیح روانی او.

این عدم تحمل شکست می‌تواند به رفتارهای خشونت‌آمیز و نیز افسردگی شدید ختم شود. چرا که فرد در ذهن به‌طور ناخواسته تنها نیاز خود را می‌بیند و تمام عوامل و افرادی که در جهت این نیازها عمل نکنند و یا در مقابل این خواسته‌ها قرار گیرند، تنفر و خشونت او را بر می‌انگیزند. این عوامل می‌تواند حتی مثلاً ترافیک، صف طولانی در یک فروشگاه و یا معلمی باشد که به ما نمره بیست نداده است.

از طرفی در خانواده‌هایی که این نوع رابطه "حمایت و توجه افراطی به فرزند" وجود دارد در بسیاری موارد دنیای خارج از خانواده به‌عنوان "دنیایی خطرناک" و دیگران به‌عنوان "موجوداتی سوءاستفاده‌گر" به کودک ارائه می‌شوند. در این نوع خانواده‌ها اضطراب از دست دادن فرزند، به شکل توصیه‌های مداوم پدر و مادر مثل "مواظب

باش دیگران ازت سوءاستفاده نکنند" یا "ندزدنات"، "ماشین زبیرت نگیرد" و... از این دست، باعث می‌شود کودک تصویری کربیه و ناامن از دنیای بیرون در ذهنش شکل بگیرد. البته این نوع تذکرها در تمام خانواده‌ها وجود دارد ولی زمانی که به‌عنوان تنها تصاویر "دنیای خارج از خانواده" ارائه شوند می‌توانند باعث شوند فرد از وارد شدن به اجتماع هراس داشته باشد و یا این که با این "دیگران" که غیر از "سوء استفاده‌گر بودن" چیزی نمی‌توانند باشند با خشونت رفتار کند.

پس می‌بینیم پدیده بروز خشونت نه تنها می‌تواند محصول کمبود عاطفه یا رشد در محیطی خشن باشد بلکه فضای تربیتی که بر پایه‌ی "افراط توجه" بوده نیز با ممانعت در شکل‌گیری درست دستگاه روانی و الگوهای درست ارتباطی می‌تواند به شخصیتی عصبی، خشن و یا مضطرب ختم شود. در رابطه‌ای که شخص بزرگسال به‌جای فرزندش و برای حمایت از او به جایش مدام فکر و عمل کند، فضای کمی برای کشف دنیای اطراف و نیز حس لذت حاصل از این اکتشافات باقی می‌ماند. در حین این که از یادگیری زندگی روزمره نیز

جلوگیری می‌کند.

کودکی که تمام خواسته‌هایش بر تمام چیزهای دیگر ارجحیت دارد و فوراً به همه آن‌ها دست می‌یابد، لذت بردن را نیز به سختی فرا می‌گیرد. و بعدها وقتی آدمی بالغ شد شنیدن کوچک‌ترین "نه" و یا هر چیز که مطابق میل‌شان نباشد می‌تواند دیگران را برای آن‌ها تبدیل به دشمنانی سرسخت کند. زیرا برای آن‌ها "دوست داشته شدن" همیشه با "آری" شنیدن تداعی شده است. در حقیقت در بعضی موارد پدر و مادرهایی که خود در دوران کودکیشان دارای کمبود محبت بوده‌اند یا در فضایی خشن بزرگ شده‌اند برای این که فرزندشان تجربه‌ای متفاوت از کودکی دردآور خودشان داشته باشد سعی می‌کنند روشی وارونه یعنی همان "افراط در توجه" را پیش بگیرند که نتیجه متأسفانه می‌تواند همانی باشد که در بالا به تفصیل از آن سخن گفتیم. شاید این جمله حسن ختام خوبی برای این بحث ما باشد:

«بی‌نقص‌ترین پدر و مادرها در حقیقت، پرنقص‌ترین‌شان هستند.»

## دکتر کامیار حکمت، دندانپزشک

انجمن کلیه امور دندانپزشکی

### Kamyar Hekmat D.D.S.

General & Cosmetic Dentistry, Implants, Root Canals, Cosmetic Crowns, Gum Treatments

[www.WestwoodSmile.com](http://www.WestwoodSmile.com)

West Los Angeles office:

Westwood Medical Plaza

10921 Wilshire Blvd. # 1204

(310) 208 - 0878

Downtown Los Angeles Office:

Samaritan Medical Tower

1127 Wilshire Blvd. #914

(213) 482 - 5586

LAW OFFICES OF  
**SHAHROKH MOKHTARZADEH**

*Serving the Iranian/American community since 1990*

**BUSINESS, REAL ESTATE, FAMILY LAW, LITIGATION**

**دفاتر حقوقی**

**دکتر شاهرخ مختارزاده**

متخصص در

**قراردادهای تجاری، املاک، امور خانواده، دعاوی قضایی**

**310.472.7800**

**815 Moraga Drive,  
Los Angeles, CA 90049**

**FAX: 310.472.9977**

**E-MAIL: shahrokh@att.net**

در سال ۱۹۴۶ پرویز رهبر، فیزیکدان، محقق، استاد دانشگاه و یکی از نویسندگان کتاب‌های فیزیک و شیمی برای تدریس در دبیرستان‌های ایران، کتاب «تاریخ یهود» را نوشته و منتشر کرد.

وی با تسلط کاملی که به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، عبری و فارسی داشت، جدا از کارهای پژوهشی در رشته فیزیک و شیمی و دست یافتن به افتخارات بزرگی در این زمینه، به ترجمه نوشته‌های بسیاری از نویسندگان غربی به زبان فارسی نیز پرداخت. نام و کار او برای بسیاری از ایرانیان آشناست.

کتاب «تاریخ یهود» به گفته دست اندر کاران، یکی از جامع‌ترین و بهترین نوشته‌ها در رابطه با تاریخ یهود و یهودیان ایرانی است که به طور خلاصه گذشته یهودیان دنیا را بررسی کرده است. کتاب دیگر نوشته او به نام «دریفوس و امیل زولا» نیز در زمان چاپ با استقبال فراوان روبرو شد.

مجله شوفار با اجازه از فرزندان آن شادروان، کتاب «تاریخ یهود» را در قسمت‌های مختلف این نشریه چاپ خواهد کرد. به امید این که دانش گذشته در تصمیم‌گیری صحیح برای آینده، ما را رهنمون شود.

با سپاس از شادروان پرویز رهبر و فرزندان او

**شوفار**

**آگریپاس دوم** - در سال ۴۸ میلادی، کلودیوس دوباره آگریپاس دوم را که برای پادشاهی جوان یافته بود به حکومت قسمت کوچکی از فلسطین به نام **کالیکس** گماشت و چند سال بعد منطقه حکومتش را توسعه داد و تاج سلطنت را هم بر سرش گذاشت. نرون<sup>۱</sup>، امپراتور روم پس از کلودیوس، گالیل و پره<sup>۲</sup> را به متصرفاتش افزود. لیکن اورشلیم به دست حکام رومی بود.

آگریپاس دوم پایتخت خود را در قیصریه قرار داد و آن را توسعه داد و آنجا را به افتخار نرون «نروپا» نام نهاد. از سال ۴۵ میلادی یعنی از سال فوت آگریپاس اول چندین حاکم بر کشور یهود

<sup>۱</sup> Neron

<sup>۲</sup> Perea

گرفت و به زودی در آنجا متراکم شده به امور بازرگانی و صنعتی پرداختند. در موقعی که آزار و فشار آنطیوکوس اپیفانس در اورشلیم زیاد شده بود بسیاری از یهودیان به مصر مهاجرت کردند و **فیلمتور**<sup>۳</sup> سلطان مصر آن‌ها را به گرمی پذیرفت. فیلمتور در نظر داشت به وسیله آن‌ها دوباره بر فلسطین که مدتی پیش سلوکی‌ها از مصر گرفته بودند دست یابد. در این موقع بیش از یک میلیون یهودی در مصر و سیرنائیک وجود داشت که بیشتر آن‌ها در اسکندریه متراکم بودند.

در میان مهاجرین حونیو<sup>۴</sup> (پسر همان حونیو کاهن بزرگی که به امر برادرش منلائوس به قتل رسیده بود) چون پس از فوت پدر خود را در خطر می‌دید به مصر رفت. عده زیادی از یهودیان پیرو او بودند و او را که از خانواده مستقیم کاهنان بود شایسته‌تر از دیگران برای کهنات می‌دانستند. بدین جهت فیلمتور از او استقبال شایانی به عمل آورد و او را رئیس جامعه یهود مصر نامید.

فیسکون<sup>۴</sup> برادر فیلمتور که چشم به تخت سلطنت داشت با برادر خود به جنگ درآمد و فیلمتور که قطعاً از شجاعت و کاردانی حونیو آگاه بوده است فرماندهی قشون خود را به وی سپرد و او قشون فیسکون را چنان ضعیف کرد که تا مدتی جرأت مزاحمت نداشت. در نتیجه مورد توجه و احترام شاه قرار گرفت.

فیلمتور از تمام کالاهایی که به بندر اسکندریه وارد می‌شد حق گمرک می‌گرفت و بدین جهت مملکت مصر در آن موقع از ثروتمندترین کشورها محسوب می‌شد. شاه تصدی اخذ و ضبط درآمدهای گمرکی را به حونیو واگذار کرد.

حونیو شاید انتظار داشت که بالاخره به کهنات معبد اورشلیم خوانده خواهد شد ولی همین که دید دولت سلوکی با قشون عظیم خود از آلسیم حمایت می‌کند، از این امید منصرف و در صدد شد معبد دیگری در مصر بسازد. فیلمتور درخواست وی را پذیرفت و حونیو در لئونتوپولیس<sup>۵</sup> معبد بزرگی ساخت و شاه درآمد نواحی اطراف آن را برای مخارج معبد موقوف کرد (۱۷۰ ق.م.ا). این بنا از خارج با معبد اورشلیم شباهت نداشت ولی آلات گران‌بهایش از روی نفایس معبد اورشلیم ساخته

<sup>۳</sup> Philometor

<sup>۴</sup> Phiscon

<sup>۵</sup> Leontopolis

منسوب شدند. همه کم و بیش درصدد گردآوری مال و غارت مردم بودند. از همه بدتر **فلوروس** آخرین آن‌هاست که شقاوت و حرص را به درجه اعلائی خود رسانید و رفتارش بالاخره منجر به شورش یهود، همان شورش و جنگ بزرگی گردید که هرگز از خاطره هیچ فرد یهودی محو نخواهد شد. آگریپاس دوم مردم را به ترک مخاصمه در برابر قشون روم نصیحت می‌کرد. و چون آتش جنگ میان یهودیان و روم شروع شد، او به طرف رومیان رفت و پس از آن که اورشلیم در سال (۷۰ میلادی) به دست تیتوس ویران شد، دولت روم متصرفات آگریپاس را توسعه داد. آگریپاس سال‌های آخر زندگی خود را در روم به سر برد و در حدود ۱۰۰ پس از میلاد در آنجا بمرد.

پیش از آن که تاریخ حکومت فلوروس و جنگ کشور یهود را با دولت روم ذکر کنیم لازم است به وضع زندگی یهودیان اسکندریه که از دوره اسکندر کبیر جامعه مهمی در آن جا تشکیل داده بودند نظری بیاندازیم.

اليهود في مصر

### یهودیان اسکندریه و مصر

چنانچه گفته شد موقعی که اسکندر کبیر کشور یهود را به تصرف درآورد قسمتی از یهودیان به مصر مهاجرت کرده و در اسکندریه اقامت گزیدند. ولی پیش از آن هم در دوره آبادی خانه اول و به خصوص هنگام خرابی آن به دست بخت‌النصر قافله‌ای از یهودیان به سرپرستی گدلیا بن احیقام به مصر رفته بودند.

یهودیان در مصر جامعه نسبتاً مهمی تشکیل دادند و چون با آن‌ها خوش رفتاری می‌شد و یکسان از حقوق و امتیازات کشوری استفاده می‌کردند، تدریجاً رو به افزایش گذاشتند.

بندر اسکندریه، که از لحاظ بازرگانی پس از روم و از نقطه نظر صنایع و علوم پس از آتن پایتخت یونان رتبه اول را در دنیای آن روز حائز بود، بیش از نقاط دیگر مصر مورد نظر یهودیان قرار



شده بود. عظمت آن طوری بود که می‌گفتند هر که تالارهای معبد اسکندریه را ندیده، هرگز به جلال و عظمت اسرائیل پی نبرده است.

به احتمال زیاد ترجمه تورا هم به زبان یونانی در همین وقت صورت گرفته و همان طور که گفته شد به فیلاذلف نسبت داده شده است. این ترجمه گرچه بعداً مختصری تحریف شد، ولی وسیله انتشار عقاید یهود میان بت‌پرستان گردید.

متأسفانه آسایش یهود در اسکندریه دوامی نداشت، و دیری نپایید که یونانیان آن‌ها را مورد حسادت خود قرار داده، درصدد ایزای آن‌ها برآمدند، آن‌ها نمی‌توانستند یهودیان را در رأس همه رشته‌های بازرگانی و علوم و ادبیات ببینند. همین امر آتش حسد و نفرت یونانیان را نسبت به یهود برافروخت. چون کشور مصر در سال سی پیش از میلاد از تصرف یونانیان خارج شد و به دست رومیان افتاد، ملت یهود طرف اعتماد حکام رومی قرار گرفت و از حسن نظر آنها استفاده کرده، زمام بیشتر امور کشوری را در دست گرفتند، لیکن نویسندگان یونانی که آپیون<sup>۱</sup> از آن جمله است، برای آزار یهود، به نوشتن مطالب و اتهامات بی‌اساس و ناروا برضد آنها شروع کردند و بدین وسیله کینه و نفرت مردم را به آنها برانگیخته نمودند. مثلاً می‌گفتند که یهودیان هر ساله یک فرد یونانی را دزدیده در معبد خود می‌پروراند تا او را در یکی از اعیاد خود قربانی کنند. همین اتهام بعدها نیز باعث اذیت یهودیان در کشورهای دیگر شد. این نوشته‌ها و اتهامات بی‌اساس در روم نیز منتشر گردید و مایه آزار و سلب آسایش یهودیان را فراهم آورد. در دوره امپراتوری اوگوست و جانشینش تیبیریوس<sup>۲</sup> کینه و عداوتی که بت‌پرستان و به ویژه یونانیان اسکندریه نسبت به یهود داشتند، به ناچار پنهان ماند زیرا در این دوره هرگونه تعرض و مزاحمتی که به یک قسمت از اتباع روم، بدون در نظر گرفتن ملیت و مذهب، تولید می‌شد، مقصر به شدت مورد مواخذه و تنبیه قرار می‌گرفت. در نتیجه در آن مدت حسد و کینه دشمنان نتوانست جامه عمل به خود ببوشد، لیکن در زمان امپراتوری کالیگولا جانشین تیبیریوس کیفیت بدان نحو باقی نماند.

کالیگولا از امپراطوران خونخوار روم و به

شقاوت معروف بود، حرص و ولعی که در گرد آوردن مال داشت، چنان بود که ثروتمندان را بی‌گناه به قتل می‌رسانید تا اموالشان را جابراجه غصب نماید. بالاترین تفریحش ریختن خون و نظاره جان سپردن بی‌گناهان بود. می‌گفت: «کاش همه ملت روم یک سر داشت تا آن را با یک ضربه از تن قطعه می‌کردم.»

چنان که در فصل پیش گفته شد کالیگولا دوست آگریپاس اول نوه هرود بود و تاج سلطنت یهود را بر سر او گذاشت و یهودیان اسکندریه نیز به افتخار وی شادمانی کردند. هنگامی که آگریپاس از روم برمی‌گشت در اثر تلاطم دریا مجبور شد در اسکندریه پیاده شود. شنیدن عنوان شاه بر یک یهودی چندان به مذاق یونانیان خوش نیامد و در ضمن او را مورد اهانت قرار داده و اشعار رکیکی هم برای وی ساختند.

در اسکندریه دیوانه‌ای به نام **کاراباس** وجود داشت که روزها در کوچه سرگردان و مسخره کودکان بود. مردم او را گرفتند و بر محل مرتفعی قرار داده، جامه‌ای از حصیر پاره به وی پوشانیدند، و به تقلید پادشاهان تاجی از کاغذ بر سرش نهاده و چوبدست ناصافی را به عنوان چوگان به دستش دادند، سپس کودکانی چند با چوب و عصا در پیش و پس او چون ملتزمین رکاب قرار گرفته، به تقلید ملتزمین آگریپاس، عده‌ای پیش وی به زانو در افتاده، پاره‌ای از وی تقاضای عفو و اغماض می‌کردند و عده‌ای دیگر احترامات شاهانه به وی می‌ذول می‌داشتند. این عمل به یهودیان و به خصوص به آگریپاس زیاد از حد برخورد. **فلاکوس**<sup>۳</sup> حاکم اسکندریه گرچه ظاهراً آگریپاس ناگزیر شد شهری را که این‌طور خوب از او مهمان‌نوازی کرده بود هر چه زودتر ترک نماید.

شقاوت و خونخواری کالیگولا موجب شد که همه از شنیدن نامش بر خود می‌لرزیدند و قدرت ابراز مخالفت نداشتند. کالیگولا، که همه را فرمان بردار و مطیع و منقاد خود دید از اتباع خود خواست که وی را چون خدایان پرستش نمایند. مشاورین وی که از طبقات پست روم بودند او را بیشتر در هوس‌های وحشیانه‌اش تشویق کرده، کار را به جایی رساندند که بالاخره دستور داد معابدی به افتخار وی بنا نهاده و مجسمه خویش را در آنها

قرار دهند تا مردم وی را پرستش کنند. یونانیان از این امر استفاده کرده در تماشاخانه اسکندریه گرد آمدند و همه فریاد کشیدند که مجسمه امپراتوری باید در کنیسه‌ها و سایر امکنه مقدسه یهود گذاشته شود. سپس از آن جا بیرون آمده، مجسمه امپراتوری را در کنیسه‌های یهودیان قرار دادند. آنها می‌دانستند که یهودیان از پرستش مجسمه کالیگولا، که به منزله بت است، خودداری خواهند کرد ولی می‌خواستند همین امر را بهانه قرار داده، از آنها نزد امپراتوری سعایت و آتش غضب وی را نسبت به آنها روشن نمایند. کمی بعد فلاکوس فرمانی صادر کرد که یهودیان را از حقوق و امتیازات تابعیت روم محروم می‌کرد. در نتیجه این فرمان، دست مردم را برای آزار یهودیان باز کرد.

شهر اسکندریه به پنج بخش تقسیم می‌شد که دو بخش آن محل سکونت یهودیان بود و در بخش‌های دیگر هم آنها کم و بیش پراکنده بودند. پس از صدور این فرمان به یهودیان امر شد که همه در یک ناحیه کوچک شهر متمرکز شوند. این بخش میان قبرستان شهر و ساحل دریا قرار داشت و هوای آن بسیار گرم و ناسالم بود. در حالی که یهودیان به آن بخش می‌رفتند، مردم به خانه‌های آنها ریخته همه اموالشان را غارت کردند. بسیاری از یهودیان در آن بخش در اثر گرما و هوای مسموم جان سپردند. هیچ یک از آنها حق بیرون آمدن از آن ناحیه را نداشت و هر که برای استنشاق هوای تازه‌تری سر از زندان خود در می‌آورد می‌بایست دست از جان بشوید.

یونانیان در لنگرگاه منتظر ورود کشتی‌های یهودیان بودند و چون یکی از آنها بی‌خبر به ساحل وارد می‌شد، اجناسش را غارت کرده، کشتی و صاحبانش را آتش می‌زدند. خانه‌های یهودیان با ساکنانش طعمه حریق قرار گرفت و هر که از خود غارت گران هم کوچکترین تأثیری ابراز می‌داشت، گرفتار همان سرنوشت می‌شد.

در این هنگام فلاکوس که می‌توانست با یک اشاره مانع آشوب گردد در کمال آرامی ناظر همه صحنه‌های دلخراش بود و خود هم رسماً علیه یهود دخالت می‌کرد. برای جلوگیری از شورش احتمالی یهودیان، دسته‌ای از مأمورین خود را به بازرسی خانه‌های آنها فرستاد، مبادا اسلحه‌ای پنهان داشته باشند. لیکن هیچ سلاح دفاعی نزد آنها یافت نشد.

<sup>1</sup> Apion

<sup>2</sup> Tibérius

<sup>3</sup> Flaccus

# Roma 2000 Design

مدیریت و کارمندان Roma 2000 Design حلول سال نو  
(روش هشانا) را به عموم همکیشان عزیز تبریک می گوید

Roma 2000 Design نماینده مستقیم

صدها مدل مبلمان ایتالیایی، اسپانیسی و آمریکایی  
Modern و Classic را با نازلترین قیمت‌های باور نکردنی  
در دسترس هموطنان عزیز قرار می دهد

9016 N Western Ave., Los Angeles, CA. 90029

Tel: (323) 464 - 4848 Fax: (323) 464 - 4030

*Desimer's Exclusive European Collections*

## CompuMax

Authorized Dealer and Service Provider for:

ASUS

SONY

lenovo

TOSHIBA

### COMPUTER AND NETWORK SERVICES FOR YOUR HOME OR BUSINESS

- Repair PC, Notebooks, MAC & Printer
- Computer and Accessories Sales
- Network Installation and Maintenance
- Virus & SPAM Removal
- Firewall, NAS and Security Cameras
- Digital Signage & Projectors
- Apple iPod, iPhone & iPad Accessories
- Notebook Specialist

9016 W. Pico Blvd., Los Angeles, CA 90035  
Between Livonia and Doheny, Next to Chabad Persian Youth

**(310) 288-0000**

[sales@CaCompuMax.com](mailto:sales@CaCompuMax.com)

[www.CaCompuMax.com](http://www.CaCompuMax.com)



# Shofar

Iranian American Jewish Federation

No. 168 - Summer and Fall 2011

# HAPPY ROSH HASHANAH



آنچه بخواهید

Address Correction Required.

1317 N. Crescent Heights Blvd  
West Hollywood, CA 90046

**Iranian American  
Jewish Federation**

Non Profit  
Organization  
U.S. Postage  
**Paid**  
Los Angeles, CA  
Permit No. 1522



**While celebrating thirty years of service  
The Iranian American Jewish Federation  
would like to thank all those  
who have passionately contributed of  
their time, creativity and financial resources  
in order to help our community.**

**The IAJF Chairman and Board of Directors and  
The IAJF President and Executive Board**

**wish everyone a Happy Rosh  
Hashanah and  
a year filled with peace and  
tranquility for all human kind.**





# Shofar

A Publication of  
**Iranian - American Jewish Federation**

1317 N. Crescent Height Blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
Tel: (323) 654 - 4700  
Fax: (323) 654 - 1791

[www.IAJF.org](http://www.IAJF.org)    [info@IAJF.org](mailto:info@IAJF.org)

## Summer and Fall 2011

### Editor in Chief

Mojgan Moghadam Rahbar

### Contributing writers:

Shahram Barkhordar, Gerard Casale Esq.,  
Rozita Ebrami, Dr. Frnaz Galdji, Iraj  
Farnoush, Genevieve Javidzad, Dr.  
Firouzeh Manesh Javidzad, Mojgan Kahen,  
Dr. Heshmatollah Kermanshahchi, Alaleh  
Kamran, Mehrdad Levy Sedgh, Dr. Dorit  
Miller, Ben Nabati, Dr. Nahid Pirnazar  
Oberman, Delilah Pouldar, Roya Rahbar  
Pouldar, Tannaz Kamran Rahbar, Kamran  
Raminpard, Justin Saba, Violet Sassooni,  
Talya Winston.

### Advertising Manager:



Jacklin Pajouni  
PMC Marketing and Advertising  
(818) 618-5555  
[jacklinad@aol.com](mailto:jacklinad@aol.com)

### Typesetting, Cover Design, Layout & Design By:

Navid Hakakian  
(310) 866 - 8432  
[Navid@CaCompuMax.Com](mailto:Navid@CaCompuMax.Com)

## English Section

|  |    |
|--|----|
| Editorial .....  | 2  |
| President Message.....                                   | 4  |
| West Hollywood Is Opening The Door To A<br>New Era ..... | 5  |
| Federation News Section: .....                           | 6  |
| ▪ Is Your Child On Track?                                |    |
| ▪ Hebrew Classes at IAJF                                 |    |
| ▪ Comerica Bank’s Donation to IAJF                       |    |
| ▪ IAJF and Jewish Singles Link                           |    |
| ▪ Strengthening Healthy Family Relationships<br>Seminar  |    |
| ▪ IAJF Sheriff’s Advisory Council Committee              |    |
| ▪ Honoring A Great Iranian Composer                      |    |
| ▪ Rosh Hashanah & Yom Kippur Services                    |    |
| History of IAJF, 30 years of service .....               | 10 |
| New Nessah President article .....                       | 12 |
| Women of the Year lunch .....                            | 13 |
| Interview with Soraya Nazarian .....                     | 15 |
| Division Line on College Campuses .....                  | 17 |
| Anti Semitism On UC Campuses.....                        | 19 |
| Justice Delivered.....                                   | 20 |
| A Five Star Woman .....                                  | 22 |
| Celiac Disease and Gluten Free Diet.....                 | 23 |
| Dear Sisters.....  | 25 |
| Book Review, Briefly Noted.....                          | 27 |

## Freedom, Only With Tolerance

By: Mojgan Moghadam Rahbar (Editor-in-Chief)

No doubt those of us who live in Southern California have heard of a market referred to by all Iranians as **Arابهه**. Mind you this is not the real name of the store, but since the owner seems to be from the Middle East, and is not Iranian, and no one knows which Arab country he may be from, we have bestowed upon him the title of **Arابهه**.

Usually, any time a group of Iranian ladies and gentlemen (the ones who enjoy grocery shopping that is) get together, somehow the discussion veers toward the great produce and the reasonable prices offered by said market, as well as complaints of how crowded it is at all hours of the day. **Arابهه** is one of those ethnic markets that in addition to produce, fish and meat, also offers all kinds of Middle Eastern foods and delicacies.

Recently one of my non-Jewish friends, advising me on the merits of cooking Joojeh Kabob on the barbecue for the family on summer days, told me that the best meat for Joojeh Kabob is the Kosher Empire Cornish chicken sold at the frozen section of the **Arابهه** market. So, like many other Iranian markets **Arابهه** has chosen to sell hallal meat in the same vicinity as kosher meat.

Apparently, these two fundamentally similar kinds of meat, have learned to co-exist in the same limited space in peace, while waiting to be purchased by a consumer with any religious background.

A few weeks ago, during a small gathering with friends, one of the ladies who is an accomplished chef and home maker, told everyone about the great tasting cherries she had bought from **Arابهه** for an unheard of low price. Since it is foolish for a wannabe home maker like me to ignore the advice of this particular friend in anything kitchen and food related, I decided to tolerate the crowds and chaos of the market and do my weekly grocery shopping at **Arابهه** instead of the usual Persian market that I frequent.

As expected there was a hubbub of customers inside the market. From one end of the store, I could clearly hear the voices of two Israeli ladies conversing while shopping. In another corner a Latino lady and her little boy were picking out fruit and asking questions from one of the workers. Next to me in the vegetable isle, a young Iranian girl was on her cell phone getting directions from her mom about what kinds of ingredients she needs to purchase for Khoreshthe

Ghormeh Sabzi. With obvious confusion (since no one born and raised in the U.S. should be expected to know what Shanbalileh looks like), she would ask the Iranian lady shopping next to her to point out which herb was which.

In the same isle next to the two Iranian ladies, two women dressed in traditional Islamic hejab were picking vegetables and conversing in Arabic, followed by a little girl who was dressed in the same fashion. As I was standing in the fruit isle, trying to find the best bag of cherries, I noticed an American couple who had just entered the market. The couple attracted my attention, not because they were American, but rather because of the way they were dressed. The man had long curly brown hair, was wearing tight black leather pants and expensive looking black leather boots and vest. He was not wearing a shirt under the vest and a thick gold chain sat around his neck. A bunch of chains were also hanging from his waist, and it was hard not to admire his brilliant diamond stud earrings. The lady walking along side this Adonis had a very striking body, most of which was showing, since she was wearing a very delicate leather bra, beautifully bedazzled with colored rhinestones. Her high heeled black boots that went above the knee and her mini spandex black skirt beautifully complemented her long blond hair and sparkling belly button ring.

This couple's outfits, though

unusual given the current location, was nothing out of the ordinary for anyone who lives in L.A. What surprised me, however, was that they walked straight toward the vegetable isle and ended up standing right next to the two ladies in Islamic hejab. The leather clad duo then reached over the two Muslim women, picked-up some basil, bringing it to their noses in order to get a better sense of its fragrance. They then put the basil back and did the same to a bunch of tarragon. Suddenly in that instant I was struck by the uniqueness of the scene I was witnessing. Right there in front of me, standing next to each other in the vegetable isle of the Arabeh market were the two ladies in their Islamic hejab, the American couple wearing something that was the opposite

of the Islamic hejab, the two Iranian women and the two Israeli ladies. To my surprise, none of them found the existence or appearance of the others odd, offensive, dirty (najess) or obtrusive. They were all picking, touching and purchasing the same type of vegetables in a peaceful and harmonious manner, and helping each other in finding the freshest bunch. Without a doubt each of these individuals would prepare something completely different, a dish native to their own culture, using the same exact ingredients purchased in the same exact place. Although every one shopping at this market followed a different religion and culture in their personal lives, came from different parts of the world, and obviously the way they dressed were worlds apart, they all

managed to shop together in peace.

Once again, it became clear to me that a society can enjoy freedom only if it practices tolerance. We can freely follow our own traditions and values in our personal lives, only when we are willing to stand-up for the rights of our neighbors to do the same. Freedom can only be achieved through respect and tolerance for others.

With the arrival of Rosh Hashanah and Yom Kippur, let us pray that in the New Year, individuals all over the world will reach a level of consciousness that will bring us the ability to co-exist in harmony and peace with each other. Happy Rosh Hashanah to all, and May all our prayers come true.

## Writers & Reporters Wanted

**Shofar Magazine** is looking for energetic enthusiastic individuals who would be interested in submitting feature articles, short stories and attending different social events within the community and reporting them for publication. A press pass will be issued to those who qualify.

For more information please contact:  
[MMRAHBAR@AOL.COM](mailto:MMRAHBAR@AOL.COM)

view Shofar online at : [www.IJAF.org](http://www.IJAF.org), click on Shofar Magazine

## President's Message:

# On The Threshold Of The New Year, And On The Eve Of 30 Years Of Unity

By: Shahla Zargarian Javdan (IAJF President)

From the beginning of time and creation of earth, from the sprouting of life and birth of the creator's masterpiece; the human being, decades, centuries, millenniums and millions of years have passed. Yet, old Mother Earth with her estimated 4.5 Billion years of life has not lost her wondrous and magical powers. At a whim, she can: shoot off cascades of burning lava, move the trembling earth under our feet, raise the low waters of the seas to heights of mountains, make the sun appear every dawn and disappear at dusk. With her mystical powers she continues to awe us with the magical cycle of life and her endless energy goes on.

When our belief in tikum olam, the Ten Commandments, love of humanity, honesty, truth & fairness, and trust and respect for others comes from within; where it was seeded and planted by previous generations; and when that belief is sincere, it will have the same mystical power as mother earth to move mountains.

It is the power of this belief, and sheer force of will, that has sustained the Iranian Jewish community for the past 30 years. Although our community could have collapsed into all sorts of social pathologies, we flourished

in our new home. And that power is still with us today and still has the means to create loving and compassionate people from uncaring souls, faithful individuals from the faithless, and your brothers keepers from the selfish and self centered.

Just as the unshakable faith of our pioneers created the dream city of Haifa from the wetlands of Judea, and the strong faith of David empowered against Goliath, and the feverish love of his land put Arash's soul in his arrow and flew it to borders beyond eternity.

The same holds true today as the strong faith and goodness within the parents will be the guide that will lead our children to the path of humanity and love for their community and people, and bring about spiritual success.

Today, thirty years after the inception of Iranian American Jewish Federation in Los Angeles, and its historical commitment to unite our community, the Federation, just like the old mother earth, stands tall full of energy and with a greater commitment of serving the Community through Unity.

Although the passage of time may have eased the initial pain and needs of our community, new and more challenging problems stemming from living in a free and

open society have taken over. Therefore, it is even more essential than ever that we work together, hand in hand and try to find guidance and solution for our issues. The Federation continues to do its part through various committees that have been formed to analyze and offer expert guidance.

One of the issues that surfaces more than any other is the one parents and singles alike repeatedly approach the Federation looking for insight is marriage. Our youth, who have been raised with parents and grandparents who lived with the golden rule of "live with each other" are baffled that today so many are breaking up their families due to reasons beyond our understanding.

Therefore IAJF has made analyzing the marriage situation one of its priorities, as you see in the news of upcoming events, and has planned intensive and unique seminars, workshops and gatherings to better recognize the issues involved.

Please remember, the reality of life has shown our youth, in this fast-paced, high tech, social media driven times of ours, that there is no magical solutions, no quick fixes to problems.

Today, more than ever, parents can influence their young children through their own actions. Children need to understand that their heroes and role models are the parents, regardless of their funny Persian accent and unusual customs and traditions. And that just as their



parents are effective yet imperfect, so are their spouses and prospective mates.

Dear friends, today at the threshold of Rosh Hashanah, we celebrate our Jewish New Year, which has been referred to as the day of Human creation. During the ten days between Rosh Hashanah and Yom Kippur, where the book of judgment is open, let us first pray from the bottom of our hearts to be inscribed in the book of life for a healthy, happy and peaceful year. Then let us look deep through our soul and with honesty ask ourselves who we are, what do we stand for and where we are going.

Let us remember that like the magical power of earth it is our love for humanity and nature that will bring us inner peace and save us from the need of superficial satisfaction, and it is this power that will strengthen our lives and live through our children and generations to come.

Happy High Holidays, and may our soul searching, result in discovering the untapped spiritual energy within all of us.



## West Hollywood Is Opening The Door To A New Era

By: Tannaz Kamran Rahbar

This year, the city of West Hollywood is celebrating its 25th anniversary. The celebration also marks the completion of the Library Park, the major civic centerpiece and cultural landmark that will serve the community in its educational, social, cultural, technological and historical endeavors. The Library Park project features more than 44,000 square feet of flexible space, which is six times larger than the existing library. 32,000 square feet of the total space available is dedicated to the Library. This landmark is located directly across the street from the Pacific Design Center on San Vicente Boulevard and is accessible from Melrose Avenue and Robertson Boulevard.

This 3 Crown Jewel in the West Hollywood Park Master Plan will add 2.5 acres of green space to the city, and features State-of-the-art technology, including free access to 47 internet equipped computers, and a video conferencing room and wireless network transmission. Also, there will be a large meeting space, program and exhibit spaces, and a children's theater. Additional parking, a much-needed amenity for the library, the park, and the surrounding community will also be provided.

Those of us, who enjoy sipping a cup of coffee, while reading, will love the street-side coffee bar, with cafe tables. If you need a break to exercise your muscles in between reading, you can use one

of the three rooftop tennis courts! The need for an updated, state of the art library that will address the modern needs of the surrounding, diverse community provides an opportunity for donors to create a legacy in a project that will last for generations.



Left to right: Campaign Manager LouAnne Greenwald, West Hollywood City Council member Abbe Land, Martin Gantman, Shula Nazarian and Bruce Adlhoj board members.

On June 22, Supporters of the Library Park held a fundraiser to benefit the completion of the project, at the SLS Hotel in Beverly Hills. There were numerous people in attendance, some of whom generously took on the financial help with Library Park. To date, fundraising efforts have been very successful, amounting to \$7.2 million towards a goal of \$10 million. The construction of the Library is 100% complete and will formally open this coming October. There is a grand opening fundraiser - an event like no other - slated for September 24, 2011 from 5-8pm.

For more information please visit: [www.weholibraryfund.org/opening](http://www.weholibraryfund.org/opening) and also contact: [lgreenwald@weholibraryfund.org](mailto:lgreenwald@weholibraryfund.org).

# Iranian American Jewish Federation News

Photos By: Neda Motamedi

## Is Your Child On Track?

On Tuesday April 5, 2011 the Health and Wellness Committee and the IAJF Committee for Young Families of the Iranian American Jewish Federation presented a seminar and panel discussion for parents and grandparents of children with early childhood developmental delays, discussing its signs and methods of intervention.



left to right: Debbie Dery, Dr. Mark Stein, Dan Powell, Dr. Roxana Rahban, Dr. Farhang Holakouee, Dr. Farah Hekmat, Dr. Nima Akhavan

This seminar, which was free and open to the public, was sponsored by the well known and respected Iranian pediatrician Dr. Farah Hekmat. Some of the speakers who participated in the panel were Dr. Farhang Holakouee, PhD; Dr. Mark Stein, PhD; Dan Powell, MFT, BCBA; Debbie Dery, MFT, Dr. Farah Hekmat, MD and Dr. Roxana Rahban, and Dr. Nima Akhavan.

Speakers talked about the need of recognizing the different symptoms of childhood

developmental delays early on and understanding that these issues should be faced and resolved, not hidden by the family because we may feel shame in community. Over 100 individuals attended the seminar and a question and answer session followed the panel discussion.

## Hebrew Classes at IAJF

Due to popular demand the Iranian American Jewish Federation in conjunction with Temple Beth El is offering Hebrew classes and tutorial for adults and children who are preparing for their Bar and Bat Mitzvahs. These classes are taught by Nelli Mizrahi, who also teaches the adult Bat Mitzvah classes that have been celebrated in Iranian American Jewish Federation Center at Temple Beth El. Those who are interested in learning more about the Hebrew classes can call the IAJF office.

## Comerica Bank's Donation to IAJF

During the grand opening ceremony of its new location in West Hollywood Comerica Bank donated ten thousand dollars to the Iranian American Jewish Federation. Traditionally this 162 years old, Dallas based bank, chooses a non-profit organization in the neighborhood where a new location is opening and awards them the sum of \$5,000. After

doing some research about IAJF and the services that it provides for the neighborhood and the Iranian community, the bank administrators decided to double the amount of the award.

Comerica Bank has 28 locations in Los Angeles County with a reported total asset of \$55.0 billion in March 31, 2011. Comerica has confidence in the economy and future of Los Angeles County and hopes to be able to help all those who would like to use their expertise in financing and banking services in a friendly manner.



Dennis Gilkerson, Senior Vice President, Los Angeles Private Banking; Sagra Cabrera, Sr. Vice President/Regional Manager, Greater Los Angeles Retail Banking; Morgan Rector, Regional Manager Los Angeles Wealth Management; IAJF president Shahla Javdan; Susie Kazarian, 9200 Sunset Banking Center Manager; Mike Fulton, President of Comerica Bank, Western Market.

## IAJF and Jewish Singles Link

We are proud to announce the start of a new organization, "**Jewish Singles Link**", to help unite and bring together the eligible singles within our community. This JSN initiative is the result of a joint effort of JSN, IAJF, community leaders, family therapists, attorneys and other volunteers who have been meeting periodically for the past 2 months. This organization is solely dedicated to help singles

find their future mate through educational/Social programs, personal introductions, with an emphasis on building a Jewish home.

In alignment with our own goals and objectives of bringing Jewish Singles together, JSN board members have directed their efforts to help build this newly formed organization.

**JSN's mission is to:**

1. Assist our Jewish Singles over the age of 25 in seeking and finding their soul mate/ future spouse, regardless of their degree of religious commitment.
2. Raise awareness and educate the community about the current singles crisis.
3. Promote Jewish values related to building a Jewish home.
4. Develop interpersonal and communication skills in order to improve our relationships.

JSL will accomplish its goal through panels/a series of educational events/ seminars conducted by qualified professionals, and religious/spiritual leaders. Other social events and programs would further allow for deeper and more meaningful interaction between singles.

**Qualification:** Marriage minded Jewish Singles age 25 and over

Stay tuned for the first upcoming JSL event in September.

**JSN Board of Directors**

**Strengthening Healthy Family Relationships Seminar**

On Wednesday May 18, 2011 the

Yaran Program of Jewish Family Service, headed by Mastaneh Moghadam LCSW, and the Women's Group of the Iranian American Jewish Federation presented a seminar on Strengthening Healthy Family Relationships at the Sappra Hall of IAJF Center.

Over 150 community members attended the event which started at 6:30 PM and included an hour of yoga and meditation taught by Dr. Flora Zomorodi PsyD. A panel discussion on: keeping healthy relationships while caring for older parents, implementing healthy relationships with your spouse, and correct use of substances by older adults, were presented by Dr. Shadee Toumari PsyD., Hava Bolour Rahimian LMFT, Khashayar Dowlatshahi, Officer of the LAPD, and Dr. Hayedeh Fakhrabadi PsyD., representing the Los Angeles County Department of Mental Health.



Ali Pourtash, Dr. Sahdee Toumari, Khashayar Dowlatshahi, Hava Rahimian, and Dr. Hayedeh Fakhrabadi

In order to make the points of the panel discussion more comprehensible for the audience Ali Pourtash, the popular and well known Iranian actor, director, writer and producer and Shiela Vosough, the well-known Iranian

actress and comedian did readings of two different scenarios related to the topics discussed by the panel. Both artists have been great supporters of JFS and the Yaran program for many years. The panel mediator and MC of the program was Mojgan Moghadam Rahbar.

This seminar was free and open to the Persian speaking public and in order to make attendance easier for participants free bus transportation from the San Fernando Valley to IAJF Center was provided. During the program, participants enjoyed complimentary healthy food and snacks provided by JFS and Yaran.

For more information on future programs of Yaran you can contact the groups help line at:

(818) 464-2864

**IAJF Sheriff's Advisory Council Committee**

Through years the Iranian American Jewish Federation has tried to meet the needs of the community by organizing different committees that would guide and address issues that may create problems for community members. In recent years our youth have had some unhappy encounters with the Police that have lead to serious problems for these individuals and their families. As a way to help the community Shahla Z. Javdan, president of IAJF Executive Board and Dr. Kamran Broukhim, Chairman of IAJF Board of Directors, have invited Mr. Iraj Eshaghian to create the new IAJF Sheriff's Advisory council.

This new committee and its

volunteer members will try to guide all Iranians, regardless of religious and personal beliefs, and inform them of their legal rights if they are in need during any involvement with the police or the Sheriff's Department. This group will also spread awareness within the Iranian Community in order to prevent the interference of individuals in illegal activities, due to ignorance of the law that may result in an arrest by the Sheriff department.

Several seminars and programs will be designed in the near future in order to educate the community, and the Sheriff department has promised to help the group by contacting our volunteers when encountering issues within the Iranian community. This committee will strictly act as an advisor for the community.

Most of our volunteer committee members are already recognized by the Los Angeles Sheriff Department and have been given special ID from this law enforcement. Iraj Eshaghian, the committee chairman, would like to thank Zohreh Mizrahi, a well-known attorney of the Immigration Office, for accepting the invitation of this committee to be involved as a volunteer. You can learn more about the goals of this new committee and their future programs by contacting the IAJF office.

### **Honoring A Great Iranian Composer**

On September 15, 2011 the Iranian community with the support of the

Iranian American Jewish Federation, Pars TV, Andisheh TV, Art and Cultural House of Iran, and Radio Sedayeh Iran KRSI, honored one of Iran's most loved and talented composers and song writers, Jahanbakhsh Pazoki at the Wilshire Ebell Theater in Los Angeles.

Pazooki has composed the music and written over one thousand songs in the pop, folk, and traditional Persian music genres. His love for music prompted Pazooki to build a career in arts even though he received his higher education in one of Iran's universities majoring in Philosophy and psychology. Iranians from all over the world gathered to honor the works and achievements of Jahanbakhsh Pazoki and well known Iranian singer and artists: Homayra, Aghili, Omid, Sattar, Martik, Shahla Sarshar, Pouya, Bahram Forouhar, Heleln, Behzad and Morteza will perform his works under the expert conducting of composer Kazem Alemi. The MC of the program was the well loved radio personality Moloud Zehtaab.

### **IAJF Upcoming Events:**

#### **Rosh Hashanah & Yom Kippur Services At Beth El Synagogue**

This year the Beth El Synagogue, affiliated with Iranian American Jewish Center, will celebrate the start of the Jewish New Year, and celebrate the High Holidays with the presence of a special guest. Cantor Farid Dardashti, the first Iranian to have studied as a cantor in the United States, and a well-

known artist and musician within the American Jewish community has been invited by the Beth El Synagogue to lead the Yom Kippur service.



Cantor, Farid Dardashti

The powerful and heavenly voice of Farid Dardashti for many older Iranians is reminiscent of the velvety voice of his father Mr. Dardashti whose singing was well loved by all Iranian Jews. Dardashti, currently resides with his family in New York and has just retired as the cantor of one the major synagogues in the state. Through the years he has performed in many concerts and gone on tours throughout the United States.

As always Beth El Synagogue will also hold High Holiday services in English for the younger generation and babysitting services will be available for families with small children. For more information regarding the High Holiday Services of Beth El Synagogue and to make reservations please contact the IAJF office.

Iranian American Jewish Federation  
The Outreach Committee, The Resources Committee  
And The Women Division Present:

## **“MR. RIGHT OR MR. RIGHT NOW”**

### **A Realistic Approach To Dating, Love, And Marriage For Both Sexes!**

An interactive discussion about our marital

Goals and dreams...

are they fantasy or reality?



#### **Topics include**

- \*The Dating process
- \*Red flags in a relationship
- \*What is essential in a mate?
- \*How to choose your future spouse?
- \*How to handle parental friction and tension?
- \* Discovering yourself and understanding your real needs
- \*Important issues to consider before making a commitment

DR. DORIT HALAVY MILLER \* DR. MINOO SOOMEKH MICHELIN,  
MRS. HAIDEH HERBERT AYNECHI \* DR. FARNAZ HALAVY GALDJIE

**Sunday November 6, 2011**

For more information please contact the IAJF office at: (323)654-4700

## Iranian American Jewish Federation

# Celebrating Thirty Years Of Community Service And Unity

**“The Iranian American Jewish Federation was established thirty years ago, two years after the Islamic Revolution of Iran, in order to aid and unify the Iranian community inside and outside of the country. The following is a brief summary about the activities and services of this unique organization. As we all know an organization with the scope and influence of IAJF is not easy to establish and maintain. This is why throughout the past 30 years many dedicated individuals have graciously presented their valuable time and financial support for this organization. Unfortunately it is not possible to name all those who have selflessly contributed to the success and survival of IAJF, but it is important to remember that it is through their dedication, support, and unity in hard times and good times that IAJF has been able to withstand the many political, Social and cultural transformations of our community.”**

Soon after the establishment of the Islamic Republic of Iran following the 1979 revolution, and the turmoil that led to the execution of Habib Elghanian; one of the most prominent and well respected

Iranian Jews throughout the country, by IRI; the future of Iranian Jews both inside and outside of the country became irresolute. It was during this state of affairs that the late Moussa Kermanian, was able to use his knowledge, experience and contacts as a leader of the Iranian Jewish community to plea and win the agreement of the US government and the White House, in order to make many different concessions for the welfare of Iranian Jews. These special considerations were vital to the short and long term future of the Iranian Jewry both inside and outside of the country.

By 1981, through the effort and foresight of Kermanian and his friends the road for the establishment of a cohesive organization that would be an aid and guide to the Iranian Jewry was established. After his passing in July of 1980, many capable and highly experienced leaders of the Jewish community were able to recognize the needs of the new immigrant population and take productive steps to aid its members. One of those who recognized the urgent demands of the Iranian Jewry and the need for a unified voice within the community was Dr. Heshmatolah Kermanshachi. His idea was to formalize the creation of the Iranian Jewish Federation (the

name was later modified to Iranian American Jewish Federation) as an umbrella organization. In order to make this idea a reality a formal meeting was set up in 1979 at the residence of Dr. Rueben and Mrs. Soraya Melamed attended by them as well as Dr. Heshmathollah Kermanshahchi, Dr. Kamran Broukhim, Nejat Gabay, Dr. Solomon Aghai and Parviz Nazarian.

With the formal establishment of IAJF and the guidance and tireless efforts of such leaders as Solomon Rastegar, Dr. Solomon Aghai, and Dr. Kermanshahchi, and many others, international contacts were established to help the well being of Jews in Iran and outside. It was under the leadership and support of IAJF that numerous new Iranian Jewish Organizations were formed, each tasked with addressing a different need in the community. A Number of houses of worship and or community centers were established. Among them the most notable ones are the IAJF's own center in West Hollywood, obtained under the leadership of Mr. Ezatollah Delijani and through his vision; Nessah Cultural and Educational Center which was tasked at the IAJF and started in a temporary High Holiday tent by a group led by Mr. Lotfollah Hay, Rabbi David Shofet Mr. Noorollah Noorvash and a number of other board members, and culminated in a significant permanent structure in Beverly Hills; and Eretz Cultural Center in the Valley which was also tasked at the Federation and

pursued by, among others, the late Elias Eshaghian (ZAJF) who later served as IAJF chairman for two terms. Also, a number of schools and places of education were created.

As the community started strengthening its own roots it took on the responsibility of participating in efforts on behalf of Russian, Syrian, and Ethiopian Jews. It created new ties and expanded old ties to tens of American Jewish Organizations both on the national and local levels, and integrated itself into them by participation on many of their boards and the boards of their agencies. By the late nineties some 40 Iranian Jewish Organizations were established in the LA area alone, most were part of the IAJF family, dealing with issues pertaining to the youth, the elderly, religion, culture, preservation of history, women and family, trips and ties to Israel, various forms of advocacy for the community, the state of Israel, endangered Jewish communities, health issues and various fund raising organizations.

The Shofar publication of Los Angeles was established and has been printed for the past 30 years as a tool to bring the community closer and keep them informed of the activities of different organizations as well as addressing the issues pertaining to the Iranian and Jewish community.

IAJF further assisted in the formation of the IAJF-NY which, under the initial leadership of people like Mr. Shahram Yaghoubzadeh, Mr. Yousef Shahery, Mr. David Emrani, Elias Kermanian, Sion Mahfar, David

Javdan and many others, has become one of the most effective and successful Iranian Jewish organizations in the country today.

Since its inception IAJF's own Emergency fund continues to help hundreds of needy families. It established the medical committee under which some 70 doctors from the community agreed to treat needy patients on regular basis and free of charge during the first years of tumultuous period for the community. It has purchased hundreds of cemetery plots for assistance to those in need as well as planting thousands of trees in Israel.

In the past 30 years IAJF itself has pursued a policy of: Supporting the formation of all charitable organizations within the community with its available resources; filling in any gaps left by other organizations; providing a forum for cooperation and collective decision making amongst the organizations on issues of collective interest, which the IAJF's own executive board would pursue and implement.

Another significant committee within the organization has been IAJF's External Relations Committee (IAJF-ERC). Some of the activities of this committee through the years include: establishment and/or expansion of close and deep relations with tens of U.S. and international Jewish Organizations; expansion of relations with various organizations, leaders or personalities within Iran's Jewish Community to keep updated as to their affairs; establishment and/or expansion of relations with various

agencies of the State of Israel; establishment and/or expansion of relations with various agencies of the U.S. government's executive branch, tens of Congressional leaders, many State and local officials, and both of the major political parties; creation of cohesion and cooperation among Iranian Jewish organizations in the U.S., Europe, Israel and Iran; pursuit of strong relations with Persian language and foreign media throughout the world; establishment and maintenance of cordial and cooperative relations with non-Jewish Iranian organizations, activists, and religious minority groups.

In the past thirty years these and many other activities initiated and lead by the Iranian American Jewish Federation have assisted in the cultural and religious preservation and national survival of the Iranian Jewish community. These were made possible by the dedication and help of numerous individuals as well as the following who acted as the leaders of this organization by taking on the grave and sometimes thankless role of the president and chairman of IAJF: Dr. Heshmatollah Kermanshahchi (past IAJF chairman), the late Elias Eshaghian (past IAJF chairman), Dr. Kamran Broukhim (current IAJF Chairman); Dr. Solomon Aghai (IAJF's first President), Solomon Rastegar (past IAJF President), the late Ezatollah Delijani (past IAJF President), Dr. Shokrollah Baravarian (past IAJF president), Manoucheh Nazarian (past IAJF president), Shahla Zargarian Javdan (current IAJF president).

## Simon P. Etehad

### Nessah Educational & Cultural Center's New President



Last July Nessah Educational and Cultural Center welcomed Simon P. Etehad as the new president of its board. Etehad, a graduate of Seattle University Law School, has been involved as an active member and volunteer with different programs in Nessah since 2003. He is the founder of Etehad Law Firm in Los Angeles, and among many other humanitarian and cultural activities and achievements, the founder and creator of the Jewish Legal Society at Seattle University School of Law.

In a recent interview with Shofar Magazine, Etehad explained: "It is my utmost privilege and honor to have been given the opportunity at this vital time to serve as the President of Nessah until our election in

November 2011. I have been involved in serving Nessah since 2003, and I joined the Board of Directors in 2006. My roots, as many people know, run much deeper, as my father, Mansour Pouretehad, and I have been strong supporters and followers of Hakham Yedidya Shofet<sup>(ZL)</sup>, and Rabbi David Shofet. So, it should come as no surprise that I eagerly want to serve Nessah."

Simon Etehad believes that Nessah like many other Iranian Jewish organizations plays a vital role in the well being of the Iranian Jewish community. Through the years he has been actively involved in generating programs and gatherings at Nessah which would involve the younger generation and encourage them to aid in the betterment of their community.

"I accepted the position of President because I am confident that I will be able to carry out my commitment of holding a fair and transparent election. The majority of the current Board of Directors, to whom we all owe a big debt of gratitude, has been termed out and will vacate their respective seats in November 2011, thereby allowing new members with new energy and fresh ideas to come onto the Board and move Nessah even further." Etehad said.

Simon Etehad is perhaps the

youngest individual to have taken on the grave responsibility of leading a well known and respected Iranian Jewish organization. "People are sometimes surprised that someone my age would choose to run such a great organization, given the opportunity. My response has always been that I might be young, but I have a proven track record, and most importantly, I have the passion, discipline, and motivation to finish what I start, to follow up on decisions made, and to commit the time and effort to get things done. I fully recognize that without the support of the members of Nessah, whether in the form of their time, knowledge, wisdom, or generous donations, we would not be where we are today." Etehad explained.

#### Volunteers Needed

The Iranian American Jewish Federation is looking for volunteers willing to share their time, creativity, and specialty in order to serve out community.

For more information please call Farnoush Abrishami at 323-654-4700



## The IJWO “Shamsi Hekmat Achievement Award” 2011



2011 honorees and IJWO Board members

Every year during the month of March, in celebration of the International Women’s Month, the Iranian Jewish Women Organization selects a few women from the community to be honored as the Woman of the Year and receive the Shamsi Hekmat Achievement Award. These women must show an extraordinary achievement in any field, such as the arts, sciences, medical or research, finance and business, or humanities.

This event was first organized by the late Mrs. Shamsi Hekmat who was one of the original founders of the IJWO, in order to introduce the progressive women of our national origin to the greater community and to enhance and signify the greater role women play in our society today. This year’s event took place on March 6<sup>th</sup>, 2011 at the Beverly Hills Hotel in Los Angeles. The event was

expertly organized by the current president of the organization, Mrs. Mehry Pezeshk Tahery, and other board members. The Master of Ceremony was Miss Rudi Bakhtiar, the shining star of the Iranian-American News media and previous CNN anchorwoman. The honorees were Dr. Pamela Golchet M.D. and Mrs. Shilla Halavi Hekmat.

Dr. Pamela Golchet, a Retina specialist and a pioneer in today’s field of Ophthalmology, served as a clinical instructor of Ophthalmology at Northwestern prior to relocating to LA. She joined Kaiser Permanente as a vitreo-retinal disease specialist where she currently treats patients with serious vision threatening retinal conditions. In addition to her clinical expertise, Dr. Golchet has conducted and published several research projects.

Mrs. Shilla Hekmat is a

classically accomplished pianist, an educator, composer and author, and founder of Shilla Hekmat Music Academy. Her success in teaching piano prompted her to publish several articles and write sixteen piano teaching method books that have been published by SPK. Her methodology in teaching piano has guided and influenced the success of many young pianists and composers some of whom performed at the event.

During this event, the honorees presented very touching speeches, where they portrayed how their persistence and determination has set them on a path to success in their field while maintaining close family ties.

The following is an excerpt from Shilla Hekmat’s speech at the event:

Each one of us has a flame burning in our hearts. That flame keeps us alive from moment to moment, day by day. If we focus on the bad news we hear or the judgments we receive, we cover that flame with darkness. But if we are aware of our talents and strengths and focus on what brings us joy, we attract light into our lives, and then the flame within us shines brightly, and we are able to open our eyes and really see all the blessings that surround us.

Children are born with a burning flame. They are filled with curiosity, wonder and a desire to explore the world around them. They are like mirrors and reflect whatever they receive. As adults, we are the most important influence in their lives. When we criticize our children, they take our

words to heart and their flames are weakened. We should not try to change who they are, but instead discover and develop their talents. Children can only use their strengths to excel, not their limitations. I feel that our success as parents and teachers is dependent on our ability to create an environment that brings out the best in our children.

Goethe believed ۞ The way you see people is the way you treat them, and the way you treat them is what they become. ۞ Every child has a seed of potential within, waiting to be uncovered. If this potential is properly recognized and nurtured by an attentive adult, it can give the child the confidence and security to succeed.

The bright flame within me was an eagerness to help children connect to music. I found myself wanting to know more about children, about early education. My passion

soon became a dedication, and I have committed myself to teaching ever since. I love what I do because, through music, children learn about themselves. Playing the piano teaches them dedication, focus and patience. It also inspires them to be independent, creative, and disciplined. But most important of all, piano helps children develop the self-confidence they need to succeed emotionally. Music affects every aspect of our life and being.



From left to right: Master of ceremony Rudi Bakhtiar, honoree Shilla Halavi Hekmat, IJWO president Mehry Pezeshk Taheri, honoree Dr. Pamela Golchet.

I know from first hand experience that music is life-

changing. Music has taught me the value of hard work, given me a way to express myself, and allowed me to connect with the world on a spiritual level.

All children have the ability to develop this same passion for music, but they need proper guidance so their skills and talents come to fruition. I have seen beginning students who were timid and unmotivated. But as they learned to open to music and to perform, I saw these same children overflow with confidence. I did my best to help them believe in their own capabilities.

Our role as adults is to nurture our children, and help them see their vast potential. Every child has talent and every little thing we do matters. We should give each child the love and encouragement it takes to keep their flame burning brightly.



## NEMAN HALL FEATURES:

|   |   |   |
|---|---|---|
|  <p>Exquisite Ballroom with seating for 450 guests</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● Kosher Kitchen Facilities</li> <li>● (Outside Caterers Accepted)</li> <li>● Large Dance floor</li> </ul> |  <p>Sanctuary and Chuppah Area</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>● Private Bridal Room</li> <li>● Bedekn and fish area available</li> <li>● Valet Parking Service</li> </ul> |  |
| <p>for viewing of venue please contact</p> <p><b>Irma Smith</b></p> <p>Direct Line : (323) 656-2142</p> <p>Iranian American Jewish Center</p> <p>1317 N. Crescent Heights Blvd.</p> <p>West Hollywood, CA 90046</p>   |   |   |

# Strength Revealed: A 25 Year Retrospective

Interview with Soraya Nazarian

By: Rozita Ebrami

**S**culptor, Soraya Nazarian, presented a survey of her work in *Strength Revealed: a 25 Year Retrospective*, on March 10, 2011 at a Gallery in West Hollywood. In her work, Nazarian is guided by the raw beauty of stone, its inherent shape, texture, grain, color and relative hardness. This is evident in her depictions of the human form and its parts; in



Rozita Ebrami and Soraya Nazarian

bold interpretations of Jewish ritual objects; and in non-objective works that appear to conform most closely to the innate properties and form of the stone.

Several of Nazarian's large-scale sculptures have been recently commissioned by numerous cultural institutions in Israel and the United States such as: *Sound* (2002) at the Jerusalem Academy of Music and Dance; *Reflections* (2007) at Sapir College, near Sderot, Israel; *Legacy* (2009) at the University of Haifa, Israel and *Identity* (2010) at Saperstein Middle School in Los Angeles.

In an exclusive interview with Shofar magazine, Soraya Nazarian talked about her life and passion as

an artist.

***When and why did you become interested in creating sculptures?***

This has always been my passion and it always existed within me as a part of my life since I was very young. As far as I can remember, I was always creating something and making things with my hands. I worked with tapestry, with fabric, with silk flowers. Throughout the years, I have tried to educate myself in different ways. After the revolution in Iran, as my family settled in the United States, and my kids were grown, I decided to do something for myself. So I continued what I had started in the past:

creating.

***How do you get your ideas for creating your sculptures?***

There are many different questions that I ask myself as I plan a new project. How can I do it? How can I make it? How can I create it? It is as if the piece of stone and I talk to each other. Every one of them is different. Even when I'm not working on a piece, I'm constantly thinking about it.

***Who has encouraged you the most to pursue your art?***

I think myself, and of course my husband, and my family and friends. The people who are around me always give me a lot of support, love and appreciation. At the same time I have always been a

hard worker and, once I make up my mind to do something I never give up. I believe that we all deserve to have something for ourselves, and to do something that we enjoy with all our heart. I am grateful that I can share my passion with the world. Thank God I am at a point in my life which allows me to do this. My priority is always and will be my family, but this is for me.

***Do any of your sculptures carry a message?***

All of them, they all come from the heart; otherwise I would not be able to do what I'm doing. When I am creating, I'm not doing commercial art to please others. I need to please others. I need to please myself and this is the reason that I'm so connected to my pieces. It comes from the inside of my heart and mind.

***Do you have any messages for the youth who may want to follow a career in art?***

I would like to tell all human beings that without art in our lives, nothing exists. This is the only language that is unconditional and is there to inspire us and brings us joy. There are a few who are born to create things but everyone can learn and grow.

***You donated a sculpture that you designed and created to the University of Haifa entitled "Legacy". Would you please talk about that?***

When they were asked me to make a sculpture for the library, I thought about what I can create for this beautiful university and library and all the youth who will go there to study and learn. They all have a different background, culture and ethnicity. I remembered that the Jews who survived World War II

were told that ﺑ There is no room for you hereﻁ and were not allowed to stay in the countries where they were born. Those same people came to the port of Haifa. They came very tired and sick from a long trip. These were the people who brought knowledge and built the schools and universities of today and built Israel into a successful country filled with art, advanced technology, and medicine. So I decided to make a



ship and instead of putting people in the ship I put in books. I did not put any titles on the books because I wanted each person who sees it to put their own name and story on the book. My ship is full of books and this represents the people who came to Israel and who made Israel such a beautiful place.

When you see the sculpture, you can see the port, you can see the sea and you can see the university. They are all related mutually.

## Excerpt From Veiled Romance

**In June of 2011, Sion Ebrahimi's debut novel, *Veiled Romance*, was published. Shofar had a chance to interview the author and write a review about the book in the last issue of the publication. Ebrahimi served as the editor of Shofar magazine for 15 years and his new book has received great literary and commercial success in the past months. Below is an excerpt from the book, which is a love story, set during the Iranian revolution of 1979.**

ﺑ I barely had time to grab my scarves as the guards dragged me from my office, and out of the building, to the sidewalk. A throng of curious bystanders was clustered by the entrance. I guessed one or some of them had heard my screams and called the guards.

These people now began to curse me. ﺑ Cover up!ﻁ one of them shouted. And others, men and women, took up the chorus. I hurriedly wrapped my scarves around my head as best I could as

the guards hustled me into a parked car. They drove me to the same Revolutionary Prosecutor ﺑ Bureau complex where Cyrus and I had on two occasions met with Hassan. But now I was arriving under quite different circumstances, I knew. I wondered if I should mention Hassan, claim that I was under his department ﺑ protection, but I was too frightened to speak. I was marched into a different building in the complex, taken to a windowless room with nothing in it but a table and three chairs, told to wait, and left there. I sat, trembling, weeping out loud, my mind spinning with awful thoughts of doom. I knew my situation quite well.

Ironically, in this insane, violent, repressed and angry fundamentalist society, if nothing had happened between Ali and me, I could have made good on my potent threat to bring about his character assassination among his wife and colleagues through innuendo and gossip, but now that

the authorities were involved, the advantage had shifted to Ali. In this new Iran, in a matter of rape or attempted rape, the burden of doubt was always on the woman ﺕ on me ﺕ to prove that I had not been the witchy seductress luring a good Muslim man to sin.

The door opened and a short, stout mullah with an ivory beard stepped in, followed by a pasdar.

ﺑ Stand up for Hazrat Agha!ﻁ the guard shouted, poking me with the barrel of his rifle. I did as I was told, murmuring, ﺑ Alla Akbar.ﻁ

The mullah cleared his throat, and began his voice weak and infirm. "*Besm Allah Al-Rahman Al-Rahim*" ﺕ in the name of Allah, the Beneficent and the Merciful. What ﺑ your name?ﻁ

ﺑ Leila, Hazrat Agha,ﻁ I answered.

The mullah shook his head. Beneath his white turban, and above his bushy yellow Santa Claus beard, his red-rimmed, gimlet eyes flared with disgust and disdain.

ﺑ From now on your name is Zahra,ﻁ the mullah said. ﺑ Forget Leila as if you were never born. Understand?ﻁ

# Division Line on College Campuses

By: Delila Pouldar\*

**“As I entered college almost three years ago, I was shocked to witness the symbolic wall that has divided the students of the Pro-Israel and Anti-Israel groups on my campus. Even more surprising was to hear the stories that this is happening on campuses across the nation.”**



Tolerance. At one point in our lives, we are all taught its meaning, whether it is through African American Civil Rights Movement in elementary school, understanding World War II in middle school or visiting *The Museum of Tolerance* in Hebrew school. More personally, looking back on my own childhood and even now, my parents have deeply instilled the importance of respect and tolerance of different

people within me. As citizens of the United States of America it is this quality of tolerance that has allowed millions of people to come together peacefully and form the UNITED nation that we are. Despite the hundreds if not thousands of cultures, religions, skin tones and beliefs each person possesses, America has become

home to us all.

As I entered college almost three years ago, I was shocked to witness the symbolic wall that has divided the students of the Pro-Israel and Anti-Israel groups on my campus. Even more surprising was to hear the stories that this is happening on campuses across the nation. This lack of tolerance and respect seemed to be common across all universities. The division that has occurred is based

on intolerance and unfortunately the spears of lies and deceit are manipulatively being thrown at the Pro-Israel groups.

I will be the first to say that everyone has their right to their opinion. Even though I hold certain opinions about Israel that are rooted in my upbringing, education, and trips to the country, I respect all those with a different opinion. In fact, I think it is mutually beneficial to listen to others viewpoints and engage in debate. But the basis of this lies in respect. Respect for the person who holds a different belief and respect of the truth.

The problem that many Pro-Israel students are facing is filtering out the lies and exaggerations that are put forth about Israel by the opposing party. Just last year at USC, anti-Israel groups erected a mock version of Israel's security barrier in the middle of the campus covered with false facts and emotion stirring visuals. The wall is pure propaganda, installed to stir emotions in passerbies and unjustifiably convince neutral parties that Israel is an apartheid state. The wall, originally built by students at UC Irvine, presents Hamas as freedom fighters, and by including false statistics, it demonizes Israel as an unwarranted killing machine, racist, and genocidal regime. Distastefully or perhaps on purpose, the wall was put up the day after Holocaust Remembrance Day, leaving many

Jewish students feeling disrespected and disgusted.

On some campuses, the confrontations have become physically violent. In March 2010, Jessica Felber, a graduate of UC Berkeley, was holding up a sign on campus that said "Israel wants peace," when student who were part of an anti-Israel group smashed a shopping cart into her back. Even before this assault, Felber reported she was spat on by the same students who rammed her with the shopping cart. Felber has filed a lawsuit against the UC system for allowing such hostile environment to ensue.

Students are also frustrated because they are often silenced for their views in the classroom as well. A student at UC Santa Cruz wrote these words to Tammi Rossman-Benjamin, a lecturer at UCSC and advocate of "Stop the Harassment and Intimidation of Jewish Students at the University of California" group about her recent experience with a close-minded professor:

What I thought would be an interesting and informative course exploring the two sides of a very complex conflict, turned out to be so outrageously one-sided and anti-Israel as to make a mockery of the educational system. The professor used her lectures, classroom discussions and course readings as a vehicle for her own personal vendetta against the state of Israel, against Zionism, against Israelis and against Jews.... Many times when I would confront the

professor in class or on the class website, she would argue with me so harshly that I felt personally assaulted by her."

As a member of the Persian Jewish community and a college student, I believe something must be done to bring back tolerance to our college campuses. Administrators and faculty must put in the effort to create a safe environment where freedom of varying opinions is advocated, and where students can peacefully engage in debate based on fact and truth. Students should be able to express their opinions without the fear of being rammed by a shopping cart or silenced by an unyielding professor.

It is also the job of our Jewish youth to learn and educate. I was once told by a Pro-Israel advocate on my campus that our biggest worry is anti-Israel groups brainwashing vulnerable freshmen, who join their groups to feel the sense of belonging on a new college campus. We probably cannot change the people with extreme views but we can certainly prevent this brainwashing by simply presenting TRUE FACTS about Israel and allowing students to form their opinions based on truths. I am not worried about which side will prevail. Opposing views, especially regarding Israel, will never cease to exist, but it is our obligation to present the reality of the situation to undermine anti-Israel group efforts presenting Israel as the Middle East villain.

Much can be learned by people with other viewpoints than one's own, but respect of these different beliefs must be upheld. I am very lucky to have friends from many different upbringings, cultures and religions and yes, some are not the biggest Israel advocates. We do usually break the rule of no political talk at the dinner table but the difference here is that tolerance, respect and empathy is always maintained. These same values need to be upheld on a larger scale on our college campuses throughout the country.

---

\* Delila Pouldar is a senior at the University of Southern California studying Biological Sciences and Business Administration



**READ SHOFAR  
ONLINE**

You can now read  
all issues of  
Shofar Magazine  
On line  
at  
**www.IAJF.org**  
By clicking on  
Shofar Magazine

# Anti-Semitism On UC Campuses

By: Justin Saba\*

**“Since the year 2000, UC Irvine has been at the forefront of anti-Israel sentiments, programs, and strategies, led by the Muslim Student Union. The initial impact of these acts can be very hard for Jewish students. Some become afraid to say they are Jews, a few do not wear hamsas or Magen Davids on campus, and some decide not to take part in pro-Israel activities.”**

To most prospective Jewish students, UC Irvine is famous even before they step onto campus. It's not famous for academics nor for school sports (although we excel in both), but for being overwhelmingly one of the most anti-Israel campuses in the U.S (if not the most). Since the year 2000, UC Irvine has been at the forefront of anti-Israel sentiments, programs, and strategies, led by the Muslim Student Union (a well-organized, well-funded student group which has become infamous for their vehement anti-Israel activities and protests.) At times, there is anti-Semitism involved with the plethora of speakers (Malik Ali being the best known) the MSU regularly invites as well as various other events sponsored by the group. The initial impact of these acts can be very hard for Jewish students. Some become afraid to

say they are Jews, a few do not wear hamsas or Magen Davids on campus, and some decide not to take part in pro-Israel activities. I would know, as I was active in every Jewish group on campus and



served as the Hillel and Jewish Student Union President, Jewish Identity Chair of AEPi, and as Vice-President of Chabad. The media, grabbing for headlines, has made the problem worse than it is, by centering on the campus and creating the notion in Jewish minds that UCI is akin to the Middle East itself. In some respects, they are right. There are notable anti-Israel professors on campus that liken Israel to the Third Reich and Jews as colonizers. There are anti-Israel demonstrations every quarter that involve smearing blood on an Israeli flag and placing a kaffiyeh on an image of Ann Frank. The

anti-Israel week, called Apartheid Week by the demonstrators, occurs every year during Israeli Independence Week, and is an orgy of anti-Israel speakers, students, and organizations.

Yet, in my eyes, because of this, the Jewish students at UCI are the closest knit community of Jews on any college in the U.S. We had to persevere in an environment that was hostile to many of our beliefs.

We banded together, manufactured Anteaters for Israel, became the student group on campus that virtually every pro-Israel group on college campuses looks to for ideas and inspirations, and made sure our voices were heard. We made sure, through the 6 pro-Israel groups on campus, that we would not keep quiet, that professors would not be able to call Israel an apartheid state without one of us standing up to challenge them. We decided that our voices would not be silenced.

---

\* Justin Saba is a graduate of UC Irvine, Class of 2010

# Justice Delivered

By: Alaleh Kamran, Esq\*

**“I remember the first and only time his elderly mother came to see me in my office. She was a small, frail woman with the bone structure of a sparrow but the presence and sheer character strength of a Lioness.”**

And so the open roads call to me, the ever changing horizons and the boundless sky which loses itself in the abundance of the green lush pastures in front of my wheels beckon to me.

It never fails! The sheer vastness of the land washes over me like baptismal water and once again, I find myself welling up to tears at the immensity of the universe, and my singular existence within my own skin, in this moment, in this lifetime, on this particular spot, billions of years are behind me, billions of years ahead, billions of planets and people and possibilities and once again, I am alone, with me, in the lone solitude of the open road driving to some courthouse, to some detention facility, but really, trying to make sense of my own existence within the greater world at large.

The words of my Zen master prophetically dance in my ears as they have on previous occasions, as if divinely ordained to hallow my existence which is about to undergo yet another epiphany. The lesson will reveal itself when the student is ready.

I am ready, though I don't know

for what. Yet I know that I am here, thousands of miles away from home, in a part of the country that is so foreign and unfamiliar to me. I can feel the earth breathe rhythmically. I can feel the sky quivering with the same sheer excitement of a young girl about to experience her first passion.

I can sense the trees. The lush of the pastures extend their arms to me. There is a warm sense of welcome in these foreign lands. I am watched over, I know it, I can feel it. I am connected to the earth, and yet I am lost.

My phone is not picking up any signals. I do not have a map. And my secretary's text message deciphering the serpentine back roads of these god forsaken rural areas of Texas are innocuous at best. I am lost, literally and figuratively. Lost in the world of my thoughts, and lost on the road.

He had been a decorated Sergeant in the Shah's Imperial guard, a man of valor, a man of integrity, a blue blood. He never said so, but his stoic demeanor told me that his upbringing was one which had known the rigors of a disciplined life. A comfortable, educated, upper-class demeanor gently and quietly revealed itself from behind the glass pane that separated me, the attorney and him the defendant held in the detention facility.

Opium: the religion of the masses! It is the quiet pain killer

and the silent companion that became his lover to soothe the pain of the Revolution, loss of position, loss of country, inability to cope with the new country, and his failure in not being accepted into the US Air Force. Fast forward 30 years, he was now sitting in federal custody on charges of transporting 20 kg of opium for distribution and facing potentially 96 months of incarceration.

I remember the first and only time his elderly mother came to see me in my office. She was a small, frail woman with the bone structure of a sparrow but the presence and sheer character strength of a Lioness. She had come to bless me and surrender her son's future to my hands. She had raised 7 kids by herself. She was the matriarch of a family. Her head was covered in a simple yet elegant gray and black scarf which covered the thin silver braid of hair that came down to the middle of her back. Hair that must have been thick and lush in her younger years streamed down a spine which undoubtedly stood proud and strong, despite her advanced years.

The innate knowledge that she might never see her son as a free man hung like an invisible somber cloud in my office. Her bony fingers trembled as she raised her hand, softly laid them on my head, and closed her eyes. Tears, gently at first, and then with the ferocity of a spring shower, rolled down the lines on her face. She blessed me with a prayer, a murmur under her breath. She asked her God to protect me, so that I could protect her son. I bent over to kiss her, and in the traditions of our forefathers,



in an act reserved for feudal serfs to their masters, she kissed my shoulder.

“*Riders on the Storm*” I am brought back to the road. The Doors as if by magic read my solemn mood. The guitar solo is wailing. Who are we? What are we? Why are we where we are? Why me? Why this lifetime? Why here? What is my purpose in life? Why did my soul choose this body, this vessel, this juncture in time and space to experience this lifetime? What is this deep profound yearning within me that is like a bottomless cavernous abyss dragging me to the deepest recesses of my existence only to heave me in the context of an epiphany to the boundless and infinite sphere of the Universe? Am I not the master of my choices? Do I not create my own reality? I have willed this, and am here by my own design, this much I know. I am the master of my own destiny; this is an absolute certainty in my mind. Yet, what is destiny? The purpose? The reason?

I AM. I am being. I know that.

I am experiencing the Journey of MY soul. I know that as well, but where am I going? And why? The teachings of Carlos Castaneda resonate in my mind, Death is the ultimate step in knowledge. And perhaps not until I pass through the gates of death will I know.

I pass through the metal gates of the Federal Correction Facility. Barbed wires protect the property. I laugh outloud! How funny! Where would they go if they were to run away? The nearest civilization is billions of miles away. They die of starvation!

I pass through 5 sets of locked doors in a federal facility that smells more like a meat shop.

Plump Rosy greets me behind a glass partition and checks my credentials. California she exclaims, with the sophistication of a potato in a farmer's market! Yes, I said. I am a long way from home.

And within me, Rumi murmurs to me, silently, lovingly, invitingly: **The Universe is your home. Take wings my child, and fly.**

Clank clank the doors open and shut one after the other, the sound of his hands and feet in chains drag along the corridor.

He looks good. Cheeks are rosy. He has gained weight. He looks healthy. He shares the poems that his daughter has written for him. He shares his own writings with me. We talk about Rumi. He asks: what will become of me?

This I say, is the easy part. Tomorrow is your sentencing. The Judge can deviate from the agreement and sentence you above guideline range, and give you up to ten years. However, if he follows the agreement you will only have another 12 months to do. The real question, is what will you do once you go home? The hard work starts when you try to reintegrate within your own. How will you make amends to your wife and kids? Your family? Your mother has passed. How will you explain this to her? How will you forgive yourself? How will you absolve yourself before your own conscience?

How will anyone of us make amends to ourselves for all that we have done or not done to our self?

In the context of the greater Universe, is breaking the law the true crime? ***Isn't the real crime not being true to our real self?***

Isn't the ultimate transgression that which is done against our own existence, our own path? Our own Journey? Who answers for that? Who punishes us for that? What is the real punishment for not having taken the right road, or having taken that one wrong left turn? What are societal mores? What happens to personal ethics when they collide with the mores of the society?

I write out his colloquy to the Judge. This is his one opportunity to address the Court and tell the Judge about his remorse. I try to keep it simple. I use the words that I thought he might use, not mine. With any luck, tomorrow, the hands of the Universe will be with me. My legal arguments are ready. My passion for my work is flowing like the Ganges. My need to find absolution and harmony in a world that is sadly lacking in such empowers me more than my legal arguments. With any luck, I will find strength from within with any luck, once again my desire for perfection, for lust of words, and most importantly, my yearning for yet another epiphany will endow me with the power of speech to deliver justice.

I am for now, a criminal defense attorney, a constitutional defender that is until such time as I find my true identity.

---

\* Alaleh Kamran, is a criminal defense lawyer residing in Los Angeles California.

# A Five Star Woman

By: Benjamin Nabati

**How many of us men expend the same type of calculations and preparation on getting the right woman that many of us do for our careers? Very few!”**

Guys, smarten up. Think about it ت we work hard, go to school, get special training, committing a wealth of resources and effort toward getting the right job, or the best career, position, business opportunity and a whole mess of other things.

How many of us men expend the same type of calculations and preparation on getting the right woman that many of us do for our careers? Very few!

I urge guys to get educated on women. The most important decision a man will make in his life is the choice of his mate. It shapes the rest of your life, dude. Read, observe, listen, pay attention, converse with women about relationships, converse with anyone you think could help give you a different vantage point on them. Of course, experience helps, too. Experience is the name I give my mistakes.

Not every woman should be a target, that's lesson # 1, son. Try to pick the brain of any woman you speak with, just to get insight on how they think and operate. Know your objective.

Anyhow, without any further of due, let me get to the point. I have

created a little shortcut, or system, that will hopefully open your eyes and mind to a new vista. I have given the shortcut a name: **The 5-Star Woman**. The rapper, Yo Gotti, drops some knowledge on us with his track, ٤5-Star Chick ب Great idea, great beat.

I've one-upped Yo Gotti the rapper by actually offering another layer of meaning to this 5-star talk. But I'm not going to move on without giving Yo Gotti ٤daps ب (recognition) on the inspiration for offering the system. You ready?

**First Star: Beauty and Health.** It is two areas but one star because it's basically dealing with the physical aspect. I didn't put this first because it's the most important part, just really to get it out of the way. Just being real!

**Second Star: Sense.** This includes but is not necessarily limited to any one or so of education, intellect, intelligence, common sense, judgment or perception. Things of the mind!

**Third Star: Heart.** Does she really care about you? Does she believe in you? Does she listen to you? Do you have a deep connection? Does she give your life meaning? Answers, answers!

**Fourth Star: Hustle.** Does she shake? Is there something called ٤Money Time ب on her weekly schedule? Especially in a time when economics are wild, having a

girl that's serious about getting bread is clever.

**Fifth Star: Mom.** A magic woman is one that you see kissing your children. Someone powerful enough to lead, compassionate enough to nurture and involved and caring enough to develop your kin.

Of course, not every woman is a 5-Star Woman. Most are not even 4-stars, truthfully. These are very high standards, and no one should have the impression I am saying to only marry a 5-star Woman. I'm not saying that. I'm not saying that there's no reason to get married unless you find a 5-star Woman. Very few women come even close to this level. But many of them are still extremely special and loved. Women are appreciably complex, but we'd starve without them.

All I wanted to do is introduce a framework to help make sense of an area that destroys the strongest, smartest and greatest of men. I have seen the lives of many destroyed because they did not have the right woman at their side. Remember, having a good woman is a blessing, but a bad woman is a curse.

I hope women read this, too, and that some of them get educated on a new reality. I can think of a few, but no names. It's good stuff, so get into it.

This is where I dedicate this article to my mom, who owns the distinct honor of being a 5-star Woman (in my world anyway!) If it were not for her, I would not know what a 5-star Woman should be like.

# Celiac Disease and Gluten Free Diet

By: **Roya Rahbar Pouldar R.D.\***

**A**n estimated three million Americans have Celiac disease, but only 5% of them have been diagnosed. One of the reasons for this is because many of the symptoms of Celiac disease are similar to symptoms observed with other gastrointestinal diseases such as IBS (Irritable Bowel Syndrome), Iron deficiency anemia, IBD (Inflammatory Bowel Disease), or intestinal infections.

The incidence of Celiac Disease was thought to be about 1 in 2000 to 3000, but recent studies have shown that it is much higher. The latest statistics show that about 1 out of 130 people might be affected.

There seems to be a genetic basis for the disease. People are at higher risk when they have a relative with the condition. Onset is usually in childhood or early adulthood, but there have been many cases where adults over sixty years of age have been diagnosed with Celiac Disease.

## **Celiac Disease**

Celiac disease, also called gluten-sensitive enteropathy or nontropical sprue, is a condition that damages the lining of the small intestine and prevents it from absorbing some of the nutrients in food. The lining of the small intestine is covered by finger like structures called villi.

These villi normally allow nutrients from food to be absorbed through the walls of the small intestine into the blood stream. When people with Celiac Disease eat foods that contain gluten, their immune system react by damaging and destroying these villi. Without healthy villi nutrients, such as carbohydrates, proteins, fats, vitamins and minerals, are not digested and absorbed properly. This can lead to malnourishment. Some nutritional problems caused by malabsorption include: weight loss, anemia, edema, and vitamin and mineral deficiencies.

## **Symptoms:**

Some of the symptoms of Celiac disease include: gastrointestinal problems such as bloating, abdominal pain, diarrhea, and steatorrhea (fatty stool). In more advanced cases; fatigue, failure to gain or maintain weight, anemia, and osteoporosis have been observed.

## **Diagnosis:**

The gold standard for diagnosis is a biopsy of the small intestine which is usually performed during an endoscopy, where small pieces of tissue from the intestine are removed and the damage to villi is observed. However, a biopsy is relatively expensive and therefore is not usually used as an initial screening tool. Rather, a blood test

is routinely used to diagnose Celiac disease. High levels of tTGA and EMA antibodies in the blood are reliable indicators of this disease.

## **Treatment- Gluten free diet**

Gluten is a grain protein. In wheat, the compound is gliadin, horedin in barley, and secalin in rye are similar compounds that cause the same reactions. To prevent the immune response caused by exposure to gluten, people with Celiac Disease need to omit foods that contain gluten from their diet. These are foods that have wheat, rye, barley and oats as an ingredient. There is some controversy on whether people with Celiac Disease should avoid oats. Oats do not contain gluten, but oat products produced in US might be contaminated with wheat, since they are usually processed in the same mills. Therefore these products are usually not recommended for people with Celiac disease.

Some processed foods contain wheat as an ingredient; examples include: candy, cold cuts, hot dogs, French fries, gravy, sauces, soups, soy sauce, vegetable in sauce, and seasoned tortillas and potato chips. Some medications and vitamins and mineral supplements may also contain ingredients from wheat or barley. Beer is made from barley, and should also be avoided; but other alcoholic beverages such as wine, Tequila, vodka, gin, brandy, and sherry are gluten free and can be consumed in moderation.

Foods containing the following are recommended for people with Celiac disease: Amaranth, Arrowroot, corn, flax, legumes, Millet, nuts, potatoes, quinoa, rice, seeds, sorghum, soy, tapioca, and wild rice. People with Celiac disease should pay special attention to the ingredient section on food packages. If a product contains even a small amount of wheat, barley, rye, or oats it should not be consumed.

Gluten free products can be ordered online or purchased at specialty markets. Usually the symptoms mentioned previously improve within 2-8 weeks of starting on a gluten free diet; however, it may take longer for some people to see improvements in their symptoms.

Celiac disease is considered a chronic disease and requires a life-long omission of gluten from one's diet. A Gluten free diet can seem overwhelming at first; but with the help of a dietitian patients can adhere to this diet and make life-changing dietary choices, which will not only make them feel better but avoid many complications of Celiac Disease.

---

\*Roya Rahbar Pouldar is a Registered Dietitian, part-time faculty member at Department of Nutrition, California State University Northridge, and nutritional consultant at Rahbar Medical Group in Century City.



# Sea

A poem by: Shahram "Joon" Barkhordar\*

There's a false sense of control Man has,  
when he views the calm Sea.

He is persuaded by her gentle hills and melodic waves.  
He thinks of himself as ruler, conqueror of the rolling Sea.  
But unaware, as usually is his vice, Man can only stand and  
watch as the Sea, at times, counters savage and haute.

You see, the Sea has no owner, no commander or chief.  
She knows no boundaries, no limits or restraint. She cannot  
be contained, or tamed, or laid out to sleep.

Man in his folly tries to track her coordinates, map out her  
moves and trap her motives.

But Sea, you see, is faster than lightening, sprightly as  
cunning and more commanding with every imposing tide.

Her oceans can be filled with ravenous flooding  
for those who do not take her seriously.

Will Man ever listen?

It is an error to capture what should not be captured.

It is insulting to try and master what has no master.

You see, Man would do better to follow the Sea.  
To learn from her wonder, and take heed of her crest.

Sea is a beautiful sound played in the ears of  
those who will hear.

Sea is a graceful embrace in the mind of the wise.

Sea is the bearer of life to all who long for living.

Sea is the desperate heart yearning to be free.

You see, one day Man will awaken,  
and see himself in the Sea.

\*Shahram Barkhordar is a graduate of University of California, Santa Barbara.

## “Dear Sisters”

Written By: **Dr. Dorit Halavy Miller &  
Dr. Farnaz Halavy Galdjie**

**This page is not intended for making final decisions, and is not a substitute for therapy. For further guidance, please contact your mental health professional.**

Dear Sisters:

*“I have 3 children ages 25, 32 and 35. The 2 eldest girls have refused to talk to me for the past 6 months. Although we have always had disagreements, we had a good relationship. I am divorced and over the years my two eldest usually sided with my husband. I have tried calling them, sending them emails, stopping by their houses, but each time I got rejected with anger. I love my children very much and want to repair this relationship, but how can I do it when they don't even give me a chance to talk? I can't stop crying because of the pain I feel.”*

Dear Mother:

One of the most painful things a family can go through is when a child decides to disown a parent. Many reasons may lead to this, some are more common, such as parents who were abusive, mentally, emotionally, verbally or physically; parents who were or are alcoholic or drug addicts; or if the parents are narcissistic and controlling. Sometimes parents are intrusive, and do not respect their adult children's independency or privacy. They could be the meddling type or "toxic parents,"

who drain their adult children emotionally, using guilt to manipulate them, or have no lives of their own and depend on their adult children for happiness. And sometimes, in divorce cases, children may side with one parent over the other.

We also have some uncommon reasons such as the adult child moving away or becoming involved with a religious cult, or friends who influence them to break away from their family; or they marry into a more lucrative family so they feel ashamed of their own parents; or interfering relatives, aunts, parents, etc. who actively slander the estranged parent to their adult children because of their own issues.

The bottom line is that the reason your daughters are not speaking to you is because they feel pain and hurt in their relationship with you. These negative feelings are often the results of miscommunication and misunderstanding between the two parties and many times with remnants experiences from the past. In some cases you may not even know or remember what started the tension and conflict between you. Years of not being able to speak freely and safely with each other can build loads of hate and anger.

Consequently, you as the parent feel shocked, numb, sad, angry,

disappointed and dismayed; you may not believe or accept this is happening to you. It is up to you to identify when you began to get a glimpse that something was wrong, and what you would do differently today.

If your adult child gives you the time and space to meet and talk, please ask a mental health professional to be present, also sometimes trusted family members or friends may gather, to hear what you have to say. The therapist's role is to help the family understand each other's point of view and feelings. At this time it is imperative that you do not become defensive or too proud to admit fault; you must be able to acknowledge that your child felt hurt or pain in the past. You may have not intentionally caused them harm, but they need you to know how they felt. Most of the time these adult children have not felt understood, and they need the time and place to be heard, understood and acknowledged.

For example, were you too busy with your career or social life instead of forming a bond with your child? Did you punish too often, or too harshly? Were you honest with your feelings and behavior toward them and others? Were you depressed yourself when they were growing up, so they did not feel safe and protected by you? Were you controlling or disrespectful to your spouse or children? Did you allow them to express their needs and feelings freely? Did you judge or criticize them often? There are many complicated facets in relationships that play into all of this, so it is

simply what you are able to identify when things started to change. There is no blame here, other than abuse; most of us try to be the best parents we can be based on our circumstances.

You must try to stand back, and look at the situation honestly. You should try to work out your own issues, preferably with the help of a psychologist or mental health professional, and then try to reach out to your children.

Here are some steps you can take to start the process:

- Identify your goals but be ready to modify them.
- Don't set deadlines. For many people, understanding and resolving a family conflict takes a long time; for some it takes a lifetime.
- Rather than preserving anger or anguish, focus on re-directing some of your energy to the task of clarifying your own role as a family member. Your new insights may or may not lead to reconciliation. In either case, you will become a wiser, more complete person.
- If your child won't reciprocate, it doesn't mean you failed. In many families, only one person wants to resolve the conflict. The others may be resistant, indifferent, or simply not ready.
- Do not evoke guilt, demand an apology, or change the other person's behavior.
- Tone down your expectations. Give up your fantasies of a "perfect" relationship.
- Clarify boundaries. Be aware of those relationships in which you feel dependent, excessively

close, or overly demanding. Try to back up and reduce the intensity of your feelings.

- Accept less than perfect solutions. When family members disconnect, there is usually a long history of bad feelings that led to the cutoff. If and when reconciliation occurs, remnants of the past will cling to the restored relationship. Accept this new relationship.
- Acknowledge the other person's right to be different. Families are infinitely complex and each individual is unique.
- Agree to disagree. Severed family connections are a consequence of significant disagreements over important issues. As you work toward repairing the damage, some of the friction may remain.
- Try to achieve a more balanced pattern of closeness and distance. Conflicts erupt when some family members become excessively involved in another person's life, or when one person is disparaging or indifferent to the other's needs.
- Monitor your own progress. Pay attention to the intensity of your feelings and recognize when you are off balance.
- Learn how to express anger without being obnoxious, practice how to apologize and mean it, don't give up, celebrate change and express gratitude.

**Please email your questions to:**

**[Dorit@talktherapy911.com](mailto:Dorit@talktherapy911.com)**

## REMEMBER

By: Talya Winston\*

How does the deluded  
scenery deceive my eyes?

This crimson stained grass  
seems of some beauty

The crushed bones

☪ Tall trees

Their souls

☪ The color filled sunset

Just as a snapped photograph  
of deceiving truths

This truth tricks ones senses  
to see, feel, trust

Beauty

As though it could exist:

Within these pain filled airs

Know your senses lie to think  
this poem of beauty.

Know your history, memory  
and rights.

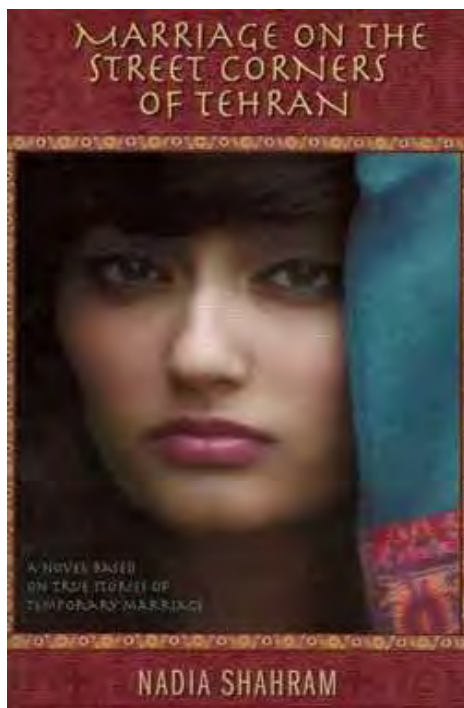
Know it as an essential lie:

**And Remember.**

\* This poem was written while attending March of the Living, a program where high school students are taken with survivors of the Holocaust to Poland (Auschwitz etc.) for a week and then to Israel. It was one of the most profound and moving experiences of my life. I wrote this piece after being taken to a beautiful forest, where the sunlight was beaming through the branches of the tall trees...where I was then told 800 children were buried alive.

## Book Review

### Briefly Noted



#### **Marriage on the Street Corners of Tehran**

Written By Nadia Shahram  
(Asateer Press, \$19.95)

Reviewed by  
Dr. Firouzeh Manesh Javidzad

*“Marriage on the Street Corners of Tehran”* is an insightful novel about an ambitious young woman in pursuit of love, education and more importantly, independence. Nadia Shahram travels throughout Iran and gathers accounts of many women, who in order to survive, end up engaging in the so called temporary marriage, a form of religiously and culturally sanctioned prostitution justified by a misinterpretation of the Quran.

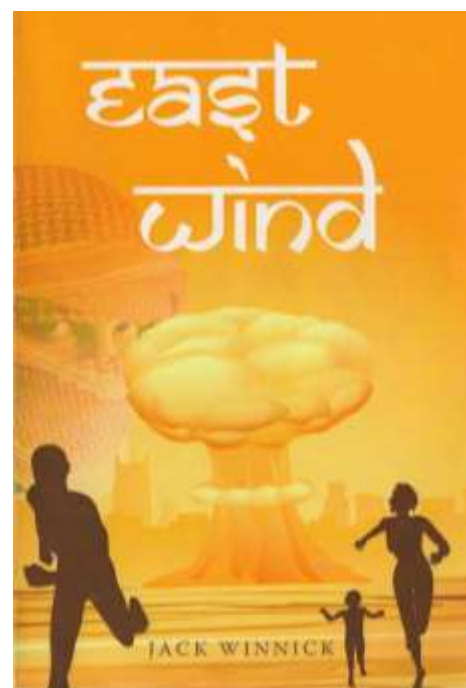
The main character or heroine of the novel, Ateesh, is married off

at age twelve but finds the courage to escape her abusive arranged marriage, only to find herself trapped in the oppressive but socially accepted practice of temporary marriage. The story starts with and repeats the two famous phrases of the Persian culture: *Mardom Chi-Megan* (What will people say,) and *Bi-Aberou* (disgraced).

Ateesh and many of the women in the novel pay a high price for both of these phrases, both by going after education and becoming independent; and at the same time living a double life as a college student, and a *Siqhe*; or staying in an abusive and loveless marriage to keep their parents' *Aberou* and shut *Mardom* smooth. The novel unravels stories of the harm that befalls Iranian women in family and criminal courts, because of the culturally accepted biases. Ateesh is the representative of the vibrant and strong women, who have learned to use their religion positively as a tool of empowering them to insist upon the original Islamic intention to promote fairness for women. Throughout the novel Ateesh challenges the Islamic Laws and the difference it puts between equality of women and men. The storyline constantly reminds the reader that the interpretation of the Islamic laws which were written in

the 6<sup>th</sup> century cannot be used today to serve the interests of men. Ateesh struggles to find real love while becoming a *Siqhe* and earning her independence. Shahram travelled to Iran in 2004-2005 to research temporary marriage, and was able to interview many women about whom this book is written.

*“Marriage on the Street Corners of Tehran”* has all the ingredients of a good novel and its style of writing captivates the reader.



#### **East Wind**

Written by Jack Winnick  
(Fireside Publications)

Reviewed by Gerard Casale, Jr.

Only from an engineer with over 40 years experience in nuclear and chemical engineering could an international terror plot thriller be so detailed and effective. Jack Winnick's first book, *East Wind*, a non-academic treatise or book is both timely, given the recent

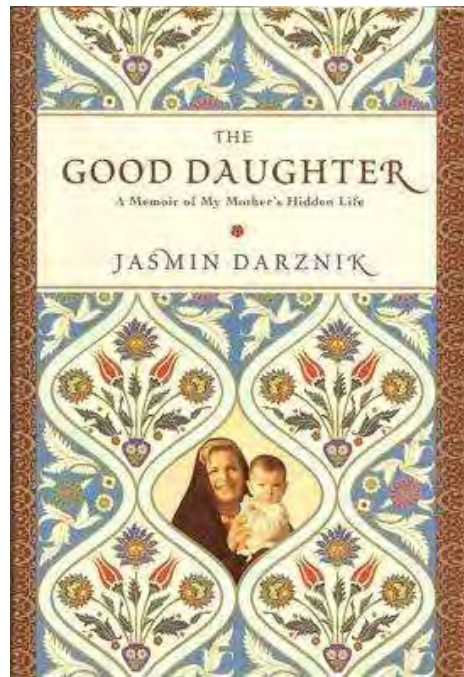
events of the Middle East and current U.S. tone regarding Israel, and relevant in the current discussions of world post-Bin Laden and topsy turvy N. African states.

Winnick's book is fast paced with ins and outs of multiple character sets ranging from a US team led by a young attractive female FBI agent, coupled with Mossad's best undercover agent; to the evildoings of an Islamist terrorist group rooted in Hezbollah led by its spiritual leader, coupled with youthful agents disillusioned and programmed at childhood to cause direct hits on U.S. soil using nuclear weapons.

The character development in the book is well done, albeit a bit movie-script-ish. The reader can easily conceive that a movie treatment and pitch is not far away for Mr. Winnick. Although a light and quick read, the depth is developed enough to keep the reader moving page by page. The real catch (which had me re-reading several pages over a few times) was the detailed development of how an actual nuclear bomb could be constructed, the componentry involved, and the real-world examples provided through the book characters how an Islamist terrorist might find key active ingredients from the leftovers of a leaky and corrupt present day Russia. Although the US plot of thwarting the ultimate terror act was less exciting to me than the details of the terrorists potential activation and construction of

weaponry, the journey developed by Mr. Winnick throughout his book is made with few let downs and carries a strong punch.

With a pro-Israel bent- Mr. Winnick makes a strong case for continued U.S. support of Israel, not only via the intelligence and valor of the book's hero, Uri- (the Mossad special service agent akin to one of our own DevGru Navy Seal guys), but through the ultimate actions taken successfully against the U.S. In an interview, Mr. Winnick readily admitted his support of Israel and the hope that his book will illustrate the worst-case potential of current actual Islamist terrorism, but moreover the need for a fully supported Israel in a world of governmental uncertainty and a war of asymmetry.



### **The Good Daughter**

Written By Jasmin Darznik  
(Grand Central, \$24.99)

Reviewed By Genevieve Javidzad  
Jasmin Darznik's captivating

memoir of her Iranian mother's life is an eye-opener to the lives of the generations before us. *The Good Daughter* chronicles the life of Darznik's mother, Lili, who endured multiple obstacles and tragedies in her life. From marrying an abusive husband at age thirteen to finally moving to America with her new husband and daughter years later, Lili has lived a life that we cannot begin to imagine. The novel successfully portrays the hardships of women living in Iran and the various responsibilities that go along with it.

Before reading Lili's gripping story, I had very little knowledge about the customs and beliefs of Iranian's living in the twentieth century. Although I have heard many stories of what Iran was like from my parents and grandparents, *The Good Daughter* gave me insight to the true lives of Iranian women and helped me realize how lucky I am to live with freedom. This memoir has given me a new sense of respect for the women who have worked so hard to make their children's lives better than their own, living inside or outside of Iran. *The Good Daughter* is a book that relates to all ages and lifestyles. Those who have lived through similar experiences inside Iran, and those of us who were born and reared outside of our parent's birth place will learn from it. Anyone eager to learn about Iran and its way of life will enjoy Darznik's novel, no matter where they are from.